

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماری از
رسالت‌های دانشجوی بسیجی
در نگاه مقام معظم رهبری

دفتر اول

فصل اول- ویژگی های دانشجو و بسیج دانشجویی

- دانشجو کیست؟..... ۱۴
- جوان ایرانی امروز؛ جزو بانشاطترین و فعالترین و سرزندهترین جوانها.... ۱۵
- مخاطب عمده‌ی من ۱۶
- بسیج دانشجویی ۱۷
- دانشجوی متدین و حزب اللهی کسی است که..... ۱۷
- جوانها، عناصر فعال امروز و ستونهای فردای انقلاباند..... ۱۸
- دانشجوی موفق..... ۱۸
- بسیج یعنی..... ۱۸
- بسیج یعنی اینکه هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد ۱۹
- نقاط ستایش برانگیز جوانی و تکلیف جوانها در برابر آن..... ۱۹
- جوان، محور حرکت و مرکز تلاش و تحرك جامعه است ۲۱
- خصوصیات بیداری (جنبش دانشجویی)..... ۲۱
- مبارکترین مجموعهها ۲۲

فیبا

فصل دوم - تعریف و ویژگی های دانشگاه

- دانشگاه برای هر کشور همه چیز است..... ۲۶
- احترام به دانشجو و دانشگاه به معنای..... ۲۶
- اهمیت دانشگاه به اندازه اهمیت آینده کشور است..... ۲۶
- مسئله دانشگاهها، جزو مسائل طراز اول انقلاب و کشور است..... ۲۶
- ویژگی های محیطی دانشگاه..... ۲۷

شناسنامه

فصل سوم - ابعاد رسالت های دانشجویی

الف- بعد فردی

۱- معرفی

روی معارف اسلامی کار کنید.....	۳۱
با قرآن اینگونه مواجه شوید.....	۳۱
اگر بخواهیم قرآن، بر ذهنیت جامعه حاکم گردد باید تلاوت قرآن را همگانی کنیم.....	۳۲
با نهج البلاغه و صحیفه سجادیه انس بگیرید.....	۳۲
آنچه برای دانشجویان در دانشگاه مهم است.....	۳۳
خاکریزها را ترمیم کنید.....	۳۳
روشنفکر تمام عیار.....	۳۳
۲- اخلاقی و تهذیب	
گام اول.....	۳۳
پولادین خواهید شد اگر.....	۳۴
اخلاق و معنویت نیاز عمده بسیج.....	۳۴
بین خود و خدا.....	۳۵
طیب خود باشیم.....	۳۵
فرشته خواهید شد از فرشته بالاتر.....	۳۷
اساس کار تقواست.....	۳۷
معنای تقوا.....	۳۷
بزرگترین سرمایه.....	۳۷
اگر کسی که علم در وجود او هست، تقوا و پرهیزگاری و امانت و صداقت در او نباشد، می‌تواند موجود مضرری باشد... ..	۳۸
توبه وظیفه همیشگی انسان است.....	۳۸
ایمان همراه با عمل صالح مهم‌ترین پشتوانه برای پیشرفت .	۳۹
نفس اماره و خودخواهی‌ها عامل رکورد و عقب‌گرد انسان	۳۹
متواضع‌تر شوید.....	۳۹
مسئله‌ی تدین است.....	۳۹
روحیه تعبد.....	۴۱

از منظر دینی، جوان يك نقطه‌ی امید و شکوفایی است ...	۴۱
تقوا را برای خودش شعار قرار دهد.....	۴۲
ویژگی‌های برجسته در جوان مسلمان و نقش تقوا در شکوفایی آن‌ها.....	۴۳
ایمان.....	۴۴
عمده‌ترین وظیفه جوانان حزب‌اللهی و انقلابی.....	۴۴
۳- بصیرتی	
احساس مسؤولیت، ایمان، بصیرت و آگاهی.....	۴۵
مابقی وقت دانشجو برای.....	۴۶
بصیرت، قطب‌نماست!.....	۴۷
بصیرت به چه معناست؟.....	۴۷
همه می‌توانند بصیرت پیدا کنند.....	۴۸
باطل، عریان ظاهر نمی‌شود.....	۴۸
مواظب باشید دچار بی‌بصیرتی نشوید.....	۴۹
شاخص: بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام.....	۴۹
شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند.....	۵۰
باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد ..	۵۱
مهم‌ترین مسائلی که جوان‌ها باید به آن‌ها اهتمام کنند.....	۵۱
قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید.....	۵۱
محیط دانشگاه باید سیاسی باشد، یعنی چه؟.....	۵۱
دانشجو باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد.....	۵۲
دانشجویی که تحلیل سیاسی نداشته باشد، مرد زمان خودش نیست.....	۵۲
سیاسی بودن دانشجو یعنی.....	۵۲
بزرگ‌ترین فتح جمهوری اسلامی این بود که.....	۵۳
جوان‌ها و بالاحص جوان‌های دانشجو باید فهم سیاسی داشته باشند.....	۵۴
نسل جوان در چنین میدانی تکلیف و مسؤولیت دارد.....	۵۴

معیار و ملاک برای جدایی و مرز اصول و سلیقه‌ها ۵۴
 آیا ما به عنوان سربازان انقلاب و فعالان جریان‌ات
 دانشجویی انقلابی باید عیناً از همان موضعی سخن
 بگوییم که رهبری معظم به اقتضای جایگاه رفیع ولایی و
 سکانداری کشتی انقلاب از آن سخن می‌گویند؟ ۵۵
 وظیفه يك دانشجوی آگاه و آماده ۵۶

۴ - مدیریتی و مهارتی

جوانان در مورد مسائل اساسی کشور جدی برخورد کنند ۵۶
 جوان باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید ۵۶
 وقتتان را بیهوده هدر ندهید ۵۷

ب - بعد اجتماعی

۱ - رسالت دانشجویان نسبت به دانشجویان دیگر

مسئولان امواج سیاسی دنیا را بشناسند ۵۷
 بدنه دانشجویی را جذب کنید ۵۸

۲ - رسالت دانشجویان نسبت به دانشگاه

انتظار جامعه امروز ما از دانشگاه‌ها ۵۹
 باید در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی را مورد
 توجه قرار دهیم ۵۹
 بنای دانشگاه در کشور ما از ابتدا يك بنای غیر دینی بوده است باید
 دانشگاه‌ها بیگانه و جدای از دین، فاجعه‌ای غیر قابل جبران ۶۰
 محیط دانشگاه باید محیط دینی و دانشجویی باشد ۶۰
 برای ایجاد محیط دینی در دانشگاه، از کلمه‌ی تعصب نترسید .. ۶۱
 محیط دانشگاه را به گونه‌ای آماده کنید که حزب الهی در آن رشد ۶۲
 اجازه ندهید در محیط دانشگاه‌ها نسبت به حجاب اسلامی
 بی‌احترامی کنند ۶۲
 ارزش‌های اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار گیرد ۶۳

دانشگاه باید بتواند يك جنبش نرم افزاری همه جانبه در اختیار کشور
 قرار دهد ۶۳
 در تمام زمینه‌ها و به خصوص در زمینه علوم انسانی به تولید علم نیاز داریم ۶۳
 دانشگاه‌ها باید به صورت عملی به علم اهمیت بدهند ۶۴
 کشور شما باید جایی باشد که هر کس به يك پیشرفت علمی احتیاج
 دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد ۶۴
 علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت ... ۶۵
 تولید علم ۶۵
 بسیج وارد عرصه‌ی علم بشود یا نشود؟ ۶۶
 طرفدار دانشگاهی هستم که اعتلا طلب، فعال و از لحاظ علمی و
 فکری پر نشاط باشد ۶۷
 دانشگاهی که در آن نبض انقلاب نزند، تضمین کننده آینده کشور
 نیست ۶۷
 باید محصول دانشگاه‌های ما دانشجوی انقلابی مثبت، فعال و متعهد باشد. ۶۸
 بهترین شیوه برخورد با منکرات ۶۹
 ضدیت با نظام، شایسته، دانشگاه نیست ۷۰
 اینکه من اصرار دارم محیط دانشگاه محیط هوشیاری و محیط
 سیاسی باشد برای این است که ۷۰
 محیط دانشگاه باید سیاسی باشد، یعنی چه ۷۰
 مسأله‌ی ورود در سیاست ۷۱
 اهمیت تحرك سیاسی در دانشگاه و خصوصیات آن ۷۳
 دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد ۷۳
 دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش آفرینی
 متحجران سیاسی ۷۳
 کرسی‌های آزاد اندیشی ۷۴

باید روحیه عدالت خواهی را در دانشجویان تقویت کنیم	۷۴
معنای اسلامی کردن دانشگاه‌ها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی ..	۷۵
برگزاری اردوهای دانشجویی مختلط کار بسیار بی قاعده و غلطی است	۷۶
اهمیت کار فرهنگی در دانشگاه‌ها	۷۷
نسل جدید انقلاب و مأموریت این نسل	۷۷
دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو	۷۸
سه وظیفه اساسی تشکل‌های دانشجویی	۷۹
معنای نهضت نرم افزاری	۸۱
امروز، تقویت بنیه علمی کشور، فریضه است	۸۱
بنابراین علم باید در کشور ترویج شود	۸۲
فلسفه حضور دانشجو در دانشگاه	۸۳

۳- رسالت دانشجو نسبت به دولت و نظام اسلامی

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	۸۳
آنچه شما دانشجویان باید از مسئولین نظام مطالبه کنید عدالت و رفع فساد است	۸۴
يك لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید. ۸۵	۸۵
جوانان باید در همه میدان‌ها حضور داشته باشند. ولی با انضباط	۸۶
یکایک ملت ایران وظیفه دارند تا آنجا که می‌توانند استحکام درونی نظام را حفظ کنند	۸۶
همه همت جوان باید این باشد که از نظام حراست کند ...	۸۷
اقتضای این دوره‌ی	۸۸
مهم‌ترین مسائلی که جوان‌ها باید به آن‌ها اهتمام کنند	۸۸
شما جوان‌ها، هر لحظه برای دو صحنه آماده باشید	۸۸
بی تفاوتی و خون‌سردی نسبت به سرنوشت کشور جایز نیست	۸۹

جوانان و احساس مسئولیت نسبت به مسائل انقلاب	۸۹
امروز در دنیا، جبهه‌ی سیاسی و جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و تدبیرها به این شکل است	۹۰
۴- رسالت دانشجو نسبت به جامعه و مردم	۹۱
وظیفه‌ی جنبش دانشجویی در کنار سایر اقشار جامعه برای رسیدن به جامعه اسلامی الگو	۹۱
اولین فریضه دانشجویی	۹۳
شماری از آرمان‌ها	۹۳
آرمان‌ها را چگونه دنبال کنیم؟!	۹۵
تلاش کنید کشورتان را از همه جهت مستقل کنید	۹۵
لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت	۹۶
مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست	۹۷
کار جهادی	۹۸
بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران	۹۸
ملتی که بتواند در علم، نوآفرینی کند، در دنیا احساس عزت و اعتماد به نفس و غرور می‌کند	۹۹
مسئله‌ی علم و تحقیق	۹۹
کار تک تک جوانان کشور، در هر زمینه‌ی باشد، موجب اعتلای کشور است	۱۰۰
اگر بشینیم تماشا کنیم، هیچ کاری نخواهد شد	۱۰۱
شعار هم حرف است هم عمل	۱۰۱
نقاط ستایش‌برانگیز جوانی و تکلیف جوان‌ها در برابر آن ..	۱۰۳
امروز، کسانی که می‌توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه‌ی مضاعف کنند	۱۰۳
سازوکار تأثیرگذاری	۱۰۱
۵- رسالت دانشجو نسبت به عرصه‌ی جهانی	۱۰۴

معنای استکبار	۱۰۴
معنای استکبار جهانی	۱۰۵
استکبار، یعنی روح تکبر و بی‌اعتنایی به ارزش‌های ملت‌ها	۱۰۶
هدف استکبار، سلطه بر همه‌ی عالم	۱۰۶
لزوم بیداری بیش از پیش جوانان در مقابل استکبار	۱۰۶
سلطه‌گر و سلطه‌پذیر هر دو مقصودند	۱۰۷
پلورالیزم فرهنگی یکی دیگر از مکاید استکبار برای تسلط بر ملت‌ها	۱۰۷
دشمنی و مقابل ما با آمریکا همیشگی است	۱۰۸
مفهوم استکبار، مقابله‌ی با او را اقتضا می‌کند	۱۰۹
مبارزه همیشگی با آمریکا، جزو اعتقاد ما است	۱۱۰
مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست	۱۱۰
مبارزه با استکبار جزو ذات این انقلاب است	۱۱۱
مرعوب شدن و عقب‌نشینی در برابر استکبار بزرگ‌ترین بلایی است که بر سر ملت‌های شرق آمده است	۱۱۲
خود آگاهی عمده در دسر اردوگاه استکبار	۱۱۲

فصل چهارم – باید و نبایدها

چند توصیه	۱۱۴
نیازهای بسیج دانشجویی	۱۱۶
دانشگاه نباید میدان تاخت و تاز سیاست‌بازان حرفه‌ای شود	۱۱۷
دانشگاه توسط مدیرانش اداره شود	۱۱۷
دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش‌آفرینی متحجران سیاسی	۱۱۸
نگذارید بر تشکل‌های انقلابی و تشکل‌های اسلامی سخت بگیرند	۱۱۹
استادایده‌آل	۱۱۹
عمده‌ترین وظیفه جوانان حزب‌اللهی و انقلابی	۱۲۰

دانشجو باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید	۱۲۱
نباید در دانشگاه‌ها موسیقی ترویج شود	۱۲۱
دانشگاه جای کنسرت نیست	۱۲۱

فصل پنجم – تهدیدها

دانشجویان وانگیزه‌های نامبارک دشمنان	۱۲۴
جوان ایرانی؛ پرانگیزه و پرشور	۱۲۴
بدترین آسیب و اشکال محتمل برای محیط دانشجویی	۱۲۵
عقب‌ماندگی‌های کشور، نتیجه‌ی	۱۲۵
یک ویژگی مثبت و یک ویژگی منفی محیط دانشجویی	۱۲۵
مشکلات مسئله‌ساز دانشجویان	۱۲۶
آفات دانشجویی	۱۲۷
یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است	۱۲۹
بزرگ‌ترین آسیب و اشکال محتمل برای محیط دانشجویی	۱۲۹



مقدمه



فصل اول

ویژگی‌های دانشجو و بسیج دانشجویی

**دانشجو کیست؟**

کلمه‌ی دانشجو از لحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوان طالب علمی که آینده در دست اوست.

این خصوصیات، در کلمه دانشجو هست. دانشجو، یعنی جوان؛ چون دانشجویی، قهرماً مربوط به دوران جوانی است. طالب علم بودن و جستجوی از دانش هم در کلمه‌ی دانشجو هست.

چون فرض این است که آینده‌ی کشور، به سمت اداره‌ی علمی کشور پیش می‌رود دیگر؛ یعنی به سمت اداره‌ی عالمانه و منطبق بر موازین دانش پیش می‌رود، و هر کشور و هر جامعه‌ای که علم و فهم و محاسبه‌ی دقیق، در همه‌ی شؤون آن دخالت داشته باشد، وضعیتش بهتر است.

بنابراین دانشجو یعنی کسی که ناظر به آینده، و متعلق به آینده است؛ آینده هم متعلق به اوست. ببینید، این عناوین و مفاهیم که در کلمه‌ی دانشجو گنجانده شده، خیلی مهم است. به همین دلیل، فوراً این جا استفاده کنیم؛

اگر دانشجو از لحاظ جهت‌گیری فکری و سیاسی دچار انحراف باشد، مصیبت بزرگی خواهد بود، درست است؟

اگر هدف دانشجو این باشد که درس بخوانم، برای این که زندگی شخصی خودم را مثلاً آباد کنم، بقیه هر چه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگ است.

اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه که می‌گذرد، بی‌اهمیت، بی‌اهتمام، بی‌علاقه و بی‌مبالات باشد، مصیبت خیلی بزرگی است.

فرض بفرمایید به دانشجو گفته شود که بخشی از نیروهای کشور دچار آفات عقیدتی و فکری‌اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! همچنان که اگر بگویند بخشی از مردم در فلان جا دچار زلزله شدند و از بین رفتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! بخشی از مردم از لحاظ معیشتی دچار دشواری و مشکل‌اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! این حالت بی‌تفاوتی، مصیبت خیلی بزرگی است. کسی که بناست فردا



امور مملکت در دست او باشد، این قدر نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت مردم بی‌اعتنا باشد.

خیلی نگران‌کننده تر، این است که بی تفاوت نیست، حساس است منتها حساسیت منفی؛ یعنی درست علاقمند به این است که بخشی از مردم جامعه فرضاً در يك زلزله نابود بشوند! حالا زلزله، يك مثال واضح، و يك نوع آفت جسمانی و مادی است؛ از این بدتر، آفت معنوی است که کسی به آن توجه نمی‌کند. مثلاً دلش بخواهد که مردم، غرق در شهوات بشوند، دلش بخواهد که مردم، غرق در بی‌ایمانی بشوند؛ خودش هم اصلاً این طور باشد و به این سمت بتازد! ببینید مسئله دانشجو چه قدر حساس می‌شود!

اگر ما معنای دانشجو و مفاهیمی که منظوری و مندرج در عنوان دانشجو است، به دقت مورد ملاحظه قرار بدهیم، باید نسبت به سرنوشت قشر دانشجو خیلی حساس بشویم هر که هستیم؛ چه خودمان دانشجو باشیم، چه استاد، چه از مسئولان آموزش عالی کشور، چه از مسئولان کشور و چه آدمی معمولی باشیم که داریم در خیابان راه می‌رویم اگر بدانیم دانشجو یعنی چه، باید نسبت به سرنوشت دانشجو خیلی حساس باشیم!

جوان ایرانی امروز؛ جزو بانشاط‌ترین و فعال‌ترین و سرزنده‌ترین جوانها

جوان ایرانی خوشبختانه جوان پرانگیزه و پرشوری است؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که بعضی از مراکز مغرض آماری و غالباً با منشأ خارجی یا اساساً خارجی اعلام میکنند. آنها میگویند جوان ایرانی افسرده است؛ یک طبقه‌بندی هم میکنند و میگویند جوان ایرانی در فلان درجه‌ی از افسردگی - یک درجه‌ی خیلی بالایی - قرار دارد. این یک دروغ محض و خیانت‌آمیزی است که دارد امروز انجام میگیرد و بهانه‌ی یک سلسله کارهای خلاف دیگر است؛ جوان ایرانی افسرده است، پس بایستی برایش محیط نشاط درست کنیم؛ چه‌جوری؟ با کنسرت موسیقی، با جلسات و اردوهای مختلط جنسی، و آزادی‌هایی از این قبیل؛ این دنباله‌ی آن حرف است. نخیر، بعکس، جوان ایرانی امروز جزو بانشاط‌ترین و فعال‌ترین و سرزنده‌ترین جوانها است. شما



بسیج دانشجویی

عنوان «بسیج دانشجویی»، از دو بخش تشکیل شده است که هر کدام از این دو بخش، نقل‌ها و داستان‌ها دارد و به دنبال خودش تکالیفی بر دوش انسان می‌گذارد. یکی کلمه‌ی «بسیج» است، یکی کلمه‌ی «دانشجو» است.

وقتی می‌گوییم «بسیج»، معنایش این است که مجموعه‌ای مورد نظر است که در عرصه‌ی مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و حضور دارد؛ غایب نیست، آماده است. بسیج شدن نیرو، معنایش این است دیگر. وقتی می‌گوییم نیروها را بسیج کردیم، یعنی چه؟ یعنی به این‌ها آمادگی لازم برای حضور در میدان کار، میدان مبارزه و مجاهدتی که مورد نظر است، داده‌ایم.

پس در کلمه‌ی «بسیج»، معنای حضور و آمادگی - آن هم در حدّ فداکاری - هست. در جنگ هم وقتی می‌گفتیم «بسیج»، آن معنایی که به ذهن ما متبادر می‌شد، عبارت بود از زنده و عصاره‌ی بهترین نیروهای کشور و جامعه. بسیج، یعنی نیرویی که این وظیفه را بر حسب حدّ و حدود و خط‌کشی‌های رایج اداری و قشری، برعهده‌اش نگذاشته‌اند؛ اما داوطلبانه وارد میدان شده و ابراز آمادگی می‌کند و حضور خودش را اعلام می‌نماید که این‌جا حاضریم.

عین همین معنا در بسیج دانشجویی، یا در بسیج‌های قشری، قهراً وجود دارد. بنابراین کلمه‌ی بسیج، حامل یک چنین معنای عالی و فاخر و اهتمام‌برانگیز است.

کلمه‌ی دانشجو هم باز همین‌طور؛ از لحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوانِ طالب علمی که آینده در دست اوست.^۴

دانشجوی متدین و حزب الهی کسی است که

به نظرم به دانشجویان هم این نکته را گفتم که هر کس شب بیست و یکم، قرآن سرش گرفت و ((بک یا الله)) گفت، از نظر من او همان دانشجویی است که من می‌گویم متدین و خدایی و مسلمان و حزب الهی است؛ کاری ندارم از کدام حزب و جناح و

۴ - بیانات در دیدار اعای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶/۱۱/۱۱

نگاه کنید در دنیای غرب، جوان اروپایی افسرده است؛ این قدر آمار خودکشی‌ها در آنجا بالا است. افسردگی آنجایی است که یک جوانی بر اثر فشارهای روحی، تنگ دست می‌گیرد، میرود در یک ساحل امن و بظاهر آرام و حدود هشتاد کودک را با رگبار میکشد؛ اتفاقی که دو سه سال پیش در یکی از کشورهای اروپا اتفاق افتاد که همه مطلع شدند و در دنیا منعکس شد؛ افسردگی این است. افسردگی عبارت است از اینکه جوان اروپایی برای خودکشی کردن می‌آید در سِلک داعش. گزارشهایی که ما داریم نشان میدهد که تعداد بالایی از عناصر انتحاری داعش، جوانهای اروپایی‌اند؛ میخواهد خودکشی کند، فکر میکند این خودکشی یک هیجانی دارد و بهتر از غرق کردن خود مثلاً در رودخانه‌ی فلان کشور اروپایی است، [پس] می‌آید اینجا؛ بر اثر افسردگی کامل دنبال هیجان می‌گردند؛ افسرده آنها هستند. جوان ایرانی که روز بیست‌وسوم ماه رمضان که شب قبل را با احیاء گذرانده، با دهان روزه، در گرمای شدید تابستان، می‌آید در خیابان راه‌پیمایی میکند، بعد می‌نشیند زیر آفتاب و نمازجمعه را برگزار میکند، او فرسنگها از افسردگی دور است، او سرزنده است، او بانشاط است.^۲

مخاطب عمده‌ی من

مخاطب عمده‌ی من در بسیاری از مباحث، از جمله در این بحثی که امروز مطرح می‌کنم، شما جوان‌ها هستید؛ چون کار مال شماست، کشور هم مال شماست. ما مهمان چند روزه هستیم. نوبت ما، سهم ما، دوران ما سپری شده. از حالا به بعد دوران شماهاست؛ شما هستید که باید این کشور را اداره کنید؛ باید در سطوح مختلف، این اقتدار ملی را، این عزت ملی را با استفاده از دستاوردهائی که تاکنون وجود داشته، به کمال برسانید؛ این وظیفه‌ای است که در تاریخ متوجه به شماست. لذا مخاطب من شما هستید.^۳

۲ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۹۴/۴/۲۰

۳ - بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴

تشکیلات است.^۵**جوان‌ها، عناصر فعال امروز و ستون‌های فردای انقلاب‌اند**

شما دانشجویان و دانش‌آموزان و جوانان، برای نسل آینده و دوره‌ی بعد، پایه‌های اصلی انقلابید. امروز هم شما در انقلاب تأثیر زیادی دارید؛ چون جوانید. امروز هم شما در جبهه‌ی سیاسی و نظامی و سازندگی و هر جای دیگر که بتوانید حضور داشته باشید، عنصر فعال انقلابید؛ اما فردا شما پایه‌های انقلاب هستید. امروز، عناصر مؤثرید؛ ولی فردا ستون‌های انقلاب هستید. توجه کنید انقلاب را با ریشه‌ها و مبانی فکری و منطقی‌ش، بدرستی بشناسید.^۶

دانشجوی موفق

به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد. من برای دانشجوی موفق، سه شاخص دارم. البته ممکن است یک جوان موفق در خانه، معیارهای دیگری داشته باشد؛ یک کاسب موفق، یک اداری موفق، معیارهای دیگری داشته باشد؛ اما دانشجوی موفق، به حیث دانشجویی، این است: باید خوب درس بخواند، به اخلاق و تهذیب نفس بپردازد، ورزش هم بکند.^۷

بسیج یعنی

بسیج یعنی آن عنصر دلسوزی که کشور را متعلق به خود و آینده را وابسته‌ی به تلاش خود می‌داند؛ نگران است، چون صاحبخانه است. اگر در خانه یک شیشه بشکنند، ممکن است مهمان‌ها و تماشاکن‌ها خیلی اهمیتی ندهند، اما برای صاحبخانه فرق نمی‌کند که شیشه‌ی کدام اتاق بوده و نگران می‌شود؛ صاحبخانه است دیگر. این نگرانی را من در شما مجموعه‌ی جوان بسیجی،

۵- بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶

۶- بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه ۱۳۶۸/۸/۱۰

۷- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۷۷/۲/۲۲

قدر می‌دانم.^۸**بسیج یعنی اینکه هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد**

بسیج یعنی اینکه هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد و بخواهد در این راه تلاش کند و نقش بر عهده بگیرد؛ مسئولیت بر عهده بگیرد. این می‌شود بسیج. نام بسیج، نام مقدسی است. بسیج عمومی یک ملت یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی یک ملت، بخصوص جوانهایی که در راه تحصیل علم‌اند؛ دانش‌آموزی و دانشجویی. مسئولان کشور هم همین‌چور؛ همه باید به این معنا، بسیجی باشند. اینکه شد، ملت می‌شود آسیب‌ناپذیر. روزبه‌روز ملت رشد پیدا می‌کند و این در کشور ما اتفاق افتاده است؛ لذا روزبه‌روز کشور ما رشد کرده است.^۹

نقاط ستایش‌برانگیز جوانی و تکلیف جوان‌ها در برابر آن

نقاط ستایش‌برانگیز جوانان کدام است؟ اگر ما یک فهرست صد نقطه‌ای را هم فراهم کنیم، باز زیادی نرفته‌ایم. من در این‌جا چند نقطه از نقاط ستایش‌برانگیز جوانان را عرض می‌کنم.

جوان، حق را آسان می‌پذیرد. این بسیار مهم است. جوان، راحت و صادقانه اعتراض می‌کند و بی‌دغدغه و بدون هیچ‌گونه گرفتاری درونی، اقدام می‌کند. این هم بسیار مهم است. پذیرش آسان، اعتراض صادقانه و اقدام بی‌دغدغه را شما کنار هم بگذارید، ببینید چه حقیقت زیبایی به وجود می‌آید و چه کلیدی برای حل مشکلات است.

از جمله نقاط ستایش‌برانگیز جوانی، نیرو، قدرت، ابتکار و نشاط در وجود جوان است. این‌ها در شما به‌طور طبیعی وجود دارد. این‌ها بخشی از فهرست طولانی امتیازات جوانی است. آیا جوان این امتیازات را کسب کرده است؟ نه. شما برای این که امتیاز حق‌طلبی، نیرو، نشاط، حوصله و همت جوانی را به دست آورید، تلاش بخصوصی

۸- بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۳۱

۹- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۶/۸/۹



نکرده‌اید. این يك مرحله طبیعی از عمر و زندگی است. پس يك موهبت است و در مقابل آن، تکلیف وجود دارد و باید جواب داد.

در این‌جا مغالطه‌ای وجود دارد که جزو همان خوشامدگویی‌های به قصد عوامفریبی است؛ و آن این است که منطق اسلامی همه‌اش می‌گوید «تکلیف». در حالی که گفتمان جدید دنیا می‌گوید «حق»؛ چرا همه‌اش از تکلیف می‌گویید؟ بعضی کسان این حرف را رایج کردند و قصدشان این است که عده‌ای که از تکلیف گریزانند، از خوشامدگویی‌های اغواگرانه و غیرصادقانه خوششان بیاید.

اولاً حقّ و تکلیف، دو روی يك سکه‌اند. هیچ حقّی بدون تکلیف وجود ندارد. هر کس حقّی دارد و در قبال آن، تکلیفی هم برعهده دارد. بنابراین، این‌که از حق بگویید؛ اما از تکلیف نگویید، حرف سخیف و بی‌محتوا و بی‌منطقی است. ثانیاً در این‌جا صحبت از حق نیست. تکلیفی که ما در این‌جا مطرح می‌کنیم، در مقابل يك حق نیست؛ در مقابل يك امتیاز است. شما امتیازی دارید و این امتیاز تکلیفی را به طور طبیعی بر دوش شما بار می‌کند. من که امتیاز جوانی شما را ندارم، برخی از تکالیف شما را هم ندارم. البته ممکن است در بخشی دیگر، من از امتیازاتی برخوردار باشم؛ لذا در مقابل آن تکالیفی هم دارم.

بنابراین در این‌جا تقابل حقّ و تکلیف نیست؛ تلازم امتیاز و تکلیف است. تکلیف، ناشی از امتیازی است که شما در این مرحله از عمر دارید؛ ناشی از موهبتی است که خدا به شما داده است. توجه کنیم که این تکلیف در دوران کنونی، سنگین‌تر از همیشه است. چرا؟ چون قشر جوان به طور ویژه در جامعه نقش‌آفرین شده است؛ چون جمعیت جوان افزایش پیدا کرده است؛ چون کفّه جوان در معادلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، يك کفّه سنگین است.

بنابراین در این‌جا مسأله این نیست که جوان در رابطه با شخص خود تکلیفی دارد یا ندارد؛ نه. مسأله این است که جمعیت عظیم جوانان و حضور آن‌ها در صحنه و بخصوص آگاهی‌ای که امروز جوانان متعهد کشور ما از آن برخوردارند - که در کمتر جایی در دنیا، این آگاهی، حسّاسیت و برانگیختگی وجود دارد - تکالیف آن‌ها را



سنگین و مهم می‌کند.

البته به شما بگویم؛ این تکلیف، از جمله تکالیفی است که اتفاقاً برای جوان هیجان‌انگیز هم هست. از آن تکالیف‌های خسته‌کننده کسل‌کننده نیست. تکالیفی است که با طبیعت جوانی هم همراه است و برای جوان، مشوّق و پیشبرنده است.

البته بخشی از تکالیفی که ما متوجه جوانان می‌دانیم، تکالیف شخصی آن‌هاست. خودسازی علمی، خودسازی اخلاقی، خودسازی جسمی. این‌ها تکالیف مهمی است؛ مطالباتی است که ما حق داریم از جوان بکنیم و جوان هم به این خودسازی‌ها احتیاج دارد. فعلاً بحث ما این نیست.

آنچه را که من امروز به عنوان يك تکلیف برای جامعه جوان کشور حس می‌کنم، این است که جوانان باید از سرمایه هویت ملی و جمعی کشور، با همه وجود و همت خود دفاع کنند. هر مجموعه‌ی انسانی به يك هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند.^{۱۰}

جوان، محور حرکت و مرکز تلاش و تحرك جامعه است

جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آن‌ها کارآمدتر از دست دیگران است. حتّی در حرکت انبیای الهی هم - از جمله حرکت صدر اسلام - محور حرکت و مرکز تلاش و تحرك، جوانان بودند.^{۱۱}

مجموعی جوان دانشجوی، يك نیروی بالفعل و بالقوه است. خواست شما، کار شما، ایمان و اعتقاد شما، در وضع حال و آینده کشور، دارای اثر است.^{۱۲}

خصوصیات بیداری (جنبش دانشجویی)

در حرکت دانشجویی یا بیداری دانشجویی، خصوصیاتی هست که تقریباً می‌شود گفت

۱۰ - بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲

۱۱ - بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۷۰/۸/۱۵

۱۲ - بیانات در دیدار اعضای جامعه‌ی اسلامی دانشجویان، ۱۳۸۱/۶/۱۶



این هم در اغلب جاها یکسان است - با تفاوت فرهنگ‌ها و تاریخ‌ها و زیرزمینه‌های هر کشوری و هر ملتی و هر مجموعه انسانی - لیکن مشترکاتی بالاخره در همه جا هست.

آن چیزی که من در مورد کشور خودمان می‌توانم به‌عنوان ویژگی‌های حرکت دانشجویی از قبل از انقلاب تا اوان انقلاب و از این‌جا به بعد عرض کنم، خصوصیات است که ذکر می‌کنم:

خصوصیت اول، آرمانگرایی در مقابل مصلحت‌گرایی است؛ عشق به آرمان‌ها و مجذوب آرمان‌ها شدن.

خصوصیت دوم، صدق و صفا و خلوص است.

خصوصیت سوم، آزادی و رهایی از وابستگی‌های گوناگون حزبی و سیاسی و نژادی و امثال این‌هاست.

چهارمین خصوصیت این حرکت، مبتنی بر اشخاص نبودن است

پنجمین خصوصیت بسیار مهم‌ش این است که در مقابل مظاهری که از نظر فطرت انسانی زشت است - مثل ظلم، زورگویی، تبعیض، بی‌عدالتی، تقلب، دورویی و نفاق - حساسیت منفی دارد و آن را دفع می‌کند.

ششمین خصوصیت این حرکت دانشجویی و این پدیده ذاتی محیط دانشگاه‌ها این است که بر این حرکت، فقط احساسات حکومت نمی‌کند؛ بلکه ضمن این که احساسات هست، منطق و تفکر و بینش و تحصیل و میل به فهمیدن و تدقیق هم در آن وجود دارد. البته شدت و ضعف دارد؛ گاهی کم و گاهی زیاد.^{۱۳}

ویژگی‌هایی که اگر در تشکلهای دانشجویی فراهم آید، آن مجموعه از مبارک‌ترین مجموعه‌ها است

جوان بودن، دانشجو بودن و از پیکره یک مجموعه فعال اسلامی بودن، هر یک به تنهایی فرصتی است که باید مغتنم شمرده شود و ارزشی است که باید گرامی داشته

۱۳ - بیانات در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۹/۱



شود.

مجامع اسلامی دانشجویی دارای این هر سه خصوصیت ممتاز است. اگر صفا و نشاط و آرمان خواهی و تلاش امیدوارانه که خصوصیات جوانی است، با فرزاندگی و اندیشه ورزی و نگاه عالمانه که ویژگی‌های دانش پژوهی است با پرهیزگاری و پاکدامنی و تعبد دینی که لازمه اسلامی بودن است در تشکلهای دانشجویی فراهم آید، این مجموعه‌ها از جمله مبارک‌ترین مجموعه‌های انسانی به شمار خواهد آمد. هر یک از سه خصوصیت یاد شده را آفاتی تهدید کند که باید هوشمندانه از آن بر حذر بود.^{۱۴}

۱۴ - پیام مقام معظم رهبری به اردوی تحکیم وحدت، ۱۳۸۰/۶/۳



فصل دوم

تعریف و ویژگی‌های دانشگاه



دانشگاه برای هر کشور همه چیز است

دانشگاه برای هر کشور در واقع همه چیز است. دانشجو تضمین کننده فردای جامعه است. در واقع از روی دانشجوی امروز می‌شود فردای هر جامعه را شناخت یا حدس زد.^۱

احترام به دانشجو و دانشگاه به معنای

احترام به دانشجو و دانشگاه به معنای احترام به دانش است؛ به معنای این نیست که ما برای قشری مجاز می‌دانیم که دارای تبختر و نخوت باشد؛ نه، به هیچ وجه این طور نیست. تکریم دانشجو و دانشگاه به معنای تکریم علم است.^۲

اهمیت دانشگاه به اندازه اهمیت آینده کشور است

اهمیت دانشگاه، به قدر اهمیت آینده کشور است اگر ما می‌خواهیم در آینده، یک کشور بزرگ، آباد، پیشرفته، مترقی، متمدن و دارای دو جناح مادی و معنوی باشیم، باید به دانشگاه‌ها پردازیم؛ چاره ای نداریم. همه چیز ما باید علمی باشد امروز بدون ابزار علم و بدون رؤیت علمی، نمی‌شود در دنیا قدم از قدم برداشت و موفق شد.

مسئله دانشگاه‌ها، جزو مسائل طراز اول انقلاب و کشور است

ما می‌توانیم به صورت قاطع ادعا کنیم که در نظر رهبر کبیر فقید ما، مسأله‌ی دانشگاه‌ها، جزو مسائل طراز اول برای انقلاب و کشور بوده است. یک وقتی در دیدار جمعی از مسؤولان فرهنگی کشور ایشان فرمودند: مسأله‌ی جنگ، یک امر موقت است؛ در صورتی که مسأله‌ی مهم و ماندگار و اساسی ما، دانشگاه‌هاست. این، یک واقعیت است. دانشگاه که قوام اصلی آن به استاد و دانشجوست، حقیقتاً پایه‌ی برای آینده‌ی کشور محسوب می‌شود.^۳

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از تشکل‌های دانشجویی کشور در قم، ۱۳۷۴/۹/۱۸

۲- بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰

۳- بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان ۱۳۶۸/۳/۲۳



ویژگی‌های محیطی دانشگاه

خصوصیات محیط دانشگاه به‌طور طبیعی، محیط شادابی، نوگرایی، نوآوری و نوزایی است. محیط دانشگاه، محیط بالیدن شخصیت‌ها، جوشیدن استعدادها و بروز و ظهور نقاط درخشان پنهان در شخصیت انسان است. همچنین دانشگاه، محیط صفا و خلوص و حقیقت‌جویی هم هست؛ چون مجموعه، جوان است. درعین حال دانشگاه نمودار و نشان‌دهنده حساسیت در برابر پدیده‌های نامطلوب نیز هست؛ یعنی چیزی که از نگاه ارزشی و آرمانی جوان نامطلوب باشد، بیش از همه در محیط دانشگاه نسبت به آن حساسیت به‌وجود می‌آید، که این حساسیت گاهی با زودرنجی توأم است. همچنین اگر زمینه فراهم باشد، محیط دانشگاه - علی‌رغم آن‌که عده‌ای گمان می‌کنند یا می‌خواهند وانمود کنند چنین نیست - محیط گرایش‌های دینی و معنوی لطیف هم هست. این خصوصیتی است که به‌طور طبیعی در هر مجموعه دانشگاهی در کشور ما وجود دارد.

دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش آفرینی متحجران سیاسی دانشگاه باید محیط کار علمی و تحقیقی باشد.

دانشگاه باید جایی باشد که در آن امکان فریب، تقلب و مغلظه‌بازی یا وجود نداشته باشد یا کم وجود داشته باشد.

باید آن کسانی که غوغا زیستند و اصلاً در فضای غوغا می‌توانند زندگی کنند و بدون فضای غوغا زندگی برایشان مشکل است، نتوانند در دانشگاه نقش ایفا کنند.^۴

۴- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها ۱۳۸۱/۹/۷



فصل سوم

ابعاد رسالت‌های دانشجویی

**الف - بعد فردی****۱ - معرفتی**

جوان‌های عزیز! ورود در میدان معرفت علمی، شما را از پیشرفت در میدان معرفت دینی و کسب فضائل اخلاقی باز ندارد:

شما جوانهای عزیز توجه کنید که ورود در میدان معرفت علمی - حالا هر علمی؛ چه علوم انسانی، چه علوم قرآنی، چه علوم طبیعی یا انواع و اقسام علوم که امروز شماها در آن تلاش و کار می‌کنید - و ورود در میدان تحقیق علمی باید شما را از غور و پیشرفت در میدان معرفت دینی، تمرین اخلاقی و کسب فضیلت باز ندارد؛ باید این‌ها را با هم داشته باشید. این آیه‌یی که این برادر عزیزمان در ابتدا قرائت کردند: «و یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمه»، خدای متعال پیغمبر را فرستاد، تا او تعلیم بدهد و تزکیه کند. بنابراین، **تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این دو را از هم جدا نکنید.** این باور که هر کسی وارد میدان علم شد، به‌طور طبیعی بایستی از فضیلت و معنویت و اخلاق کناره بگیرد، فکری کاملاً غلط و وارداتی و متکی به پیشینه‌یی است که در اروپای مسیحی به‌وجود آمد و بکلی با محیط اسلامی و با فهم و تعالیم اسلامی سازگار نیست؛ چرا که اگر دانشمند بافضیلت و بااخلاق باشد؛ در هر رشته‌ای، از آن می‌توان امید برای اعتلای بشریت و اعتلای کشور خودش داشت؛ این دانشمند هدف‌ها را هدف‌های ارزشمند می‌کند و حرکتش حرکت به نفع انسانیت و به نفع عدالت و به نفع فضیلت و در جهت مقابل نابسامانی‌های عجیب دنیای امروز خواهد شد. شما سعی کنید این جور دانشمندانی در آینده باشید و هدف خودتان را این مسائل قرار دهید؛ انسان‌هایی باشید که می‌توانند چرخ دنیا را در جهت درست به حرکت در بیاورند؛ این را برای خودتان هدف قرار دهید؛ و این ممکن است؛ البته باید کارهای مقدماتی فراوانی برای رسیدن به آن هدف انجام بگیرد.^۱

البته بخشی از تکالیفی که ما متوجه جوانان می‌دانیم، تکالیف شخصی آن‌هاست. خودسازی علمی، خودسازی اخلاقی، خودسازی جسمی. این‌ها تکالیف مهمی است؛ مطالباتی است که ما حق داریم از جوان بکنیم و جوان هم به این خودسازی‌ها احتیاج

۱ - بیانات در دیدار جوانان نخبه و دانشجو، ۱۳۸۳/۷/۵



دارد.^۲

اصولاً ما سه دسته انسان داریم: انسان‌هایی دانشمندند؛ انسان‌هایی در طریق دانستن هستند؛ بقیه، همج رعاع هستند. همج رعاع یعنی انسان‌های سرگردان، بی‌ارزش و بی‌وزن. می‌بینید که اسلام اصلاً نسبت به علم، در درجه‌ی اول، ارزش را روی علم می‌برد؛ چه داشتن علم و آموختن آن به دیگران و چه فراگیری علم. محیط اسلامی، چنین محیطی است.^۳

روی معارف اسلامی کار کنید

تشکلهای دانشجویی، روی معارف اسلامی کار کنند. کتاب هم کم نداریم؛ کتاب خیلی داریم. یک‌روزی ما ناچار بودیم فقط به کتابهای شهید مطهری ارجاع بدهیم - البته آن کتابها باز هم همچنان در قله است و خیلی باارزش است - اما امروز غیر از آنها هم کتابهای زیادی داریم؛ [دانشجویان] میتوانند شیوه‌ها و روشهای مطالعاتی انتخاب بکنند، مطالعه کنند، کار کنند، بحث کنند، جلسه‌ی خطابه بگذارند، به‌اصطلاح کنفرانس بگذارند، میزگرد بگذارند؛ یعنی سطح را [بالا ببرند]. یکی از الزامات این است.^۴

با قرآن اینگونه مواجه شوید

قدم اول (آشنایی با قرآن)، آشنایی با متن قرآن است؛ از این باید عبور کنید. قدم بعدی، عبارت از مأنوس شدن با قرآن خواندن، است. قرآن خواندن را رها نکنید. البته اگر کسی بتواند در این خلال، قرآن را حفظ بکند، چند قدم جلو می‌آید و بقیه کارها برای او آسان می‌شود. به هر حال، قدم بعدی عبارت از تأمل در آیات است؛ که انسان با هر آیه قرآن، مثل سخن سنجیده‌ای که کسی با انسان حرف می‌زند، مواجه شود. وقتی که گوینده، سنجیده حرف می‌زند، ما مجبور می‌شویم دقت کنیم تا حرف او را بفهمیم؛ با قرآن، این جور مواجه بشویم. با شما دارد سنجیده حرف زده می‌شود.

۲ - بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲

۳ - بیانات در دیدار جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۵/۷

۴ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰



وقتی شما قرآن می‌خوانید، این کلمات، همه پرمغز است. هیچ ملزومی هم ندارد هر آیه ای را که ما نگاه می‌کنیم، سعی کنیم اعماقی در آن پیدا کنیم و فرض کنیم که مثلاً معنایش این است؛ نه، شما اگر ترجمه آیات را بدانید- ترجمه آیات، حتماً لازم است؛ یعنی اگر کسی بخواهد در آیات تدبر کند، باید معنای قرآن را بداند، این يك قدم حتمی است- آن وقت با توجه به ترجمه، فرصت تدبر برای شما به وجود می‌آید و می‌توانید در قرآن تدبر کنید.^۵

اگر بخواهیم قرآن، بر ذهنیت جامعه حاکم گردد باید تلاوت قرآن را همگانی کنیم

اگر بخواهیم قرآن در فضای ذهنی جامعه و کشورمان رواج پیدا بکند و مفاهیم قرآن، مفاهیم رایج در ذهن‌ها و فکرها بشود و عرف قرآن، حاکم بر ذهنیت جامعه گردد- که این بسیار مهم است- حتماً احتیاج داریم به این که افراد جامعه، همه بتوانند قرآن را درست تلاوت کنند و از طریق تلاوت کردن، قدرت تدبر در قرآن را پیدا کنند و با تدبر در قرآن بتوانند به قدر ظرفیتشان به اعماق مفاهیم و معارف قرآنی برسند و سیر کنند.^۶

با نهج البلاغه و صحیفه سجاده انس بگیری

عزیزان با نهج البلاغه انس پیدا کنید. نهج البلاغه، خیلی بیدار کننده و هوشیار کننده و خیلی قابل تدبّر است. در جلساتتان، با نهج البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه انس پیدا کنید. اگر خدای متعال توفیق داد و يك قدم جلو رفتید، آن وقت با صحیفه سجاده - که علی‌الظاهر فقط کتاب دعاست؛ اما آن هم مثل نهج البلاغه، کتاب درس و کتاب حکمت و کتاب عبرت و کتاب راهنمای زندگی سعادت‌مندان انسان است - انس بگیری.^۷

۵- بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در مسابقات قرآن، ۱۳۷۸/۲/۲۲

۶- بیانات در دیدار نخبگان قرآنی (دانشجویان و دانش آموزان)، ۱۳۷۸/۸/۵

۷- بیانات در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۹/۱



آنچه برای دانشجویان در دانشگاه مهم است

آنچه برای دانشجویان در دانشگاه مهم است، یکی مسئله رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن‌ها و دل‌های آنان است و یکی رشد روحیه تعبد در آنان، یعنی تسلیم خدا بودن. خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی برای دانشجویان يك فریضه است.^۸

خاکریزها را ترمیم کنید

به شما دانشجویان می‌گویم، سنگربان این سنگر شما هستید. مواظب باشید خاکریزهایتان سست نشود. دائم خاکریزها را ترمیم کنید. خاکریزها، خاکریزهای فرهنگی و فکری است؛ این‌ها را ترمیم کنید. خودسازی فکری و اخلاقی و انقلابی درونی دانشجویان يك فریضه است - چه هر دانشجویی نسبت به خودش، چه به معنای درون دانشگاه و محیط دانشگاه - این خودسازی، همان ترمیم خاکریزها و سنگرهاست.^۹

روشنفکر تمام عیار

برداشت و توقّع بنده و نظام اسلامی از جماعت دانشجویان این است که فکر می‌کنیم دانشجویك روشنفکر تمام عیار مسلمان است؛ متدین است. من از جوان سه چیز می‌خواهم: تحصیل، تهذیب و ورزش. دوره جوانی، دوره توانایی است. این توانایی در چه چیزهایی باید به کار برود؟ به اعتقاد من، باید عمدتاً در تحصیل علم، در ایجاد صفای نفس و روحیه تقوا در خود و ایجاد نیروی جسمانی در خود - که ورزش باشد - به کار رود.^{۱۰}

۲- اخلاقی و تهذیب

گام اول

اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن

۸- بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

۹- بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷

۱۰- بیانات در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۷/۲/۱۳۷۷



آن‌ها داشته باشد. این از عهده‌ی خود ما برمی‌آید و این تکلیفی بر دوش ماست.^{۱۱}

پولادین خواهید شد اگر...

در درجه‌ی اول، جوان دانشجو و دانش‌آموز باید خودسازی کند. خودتان را با تربیت دینی بسازید. امور تربیتی خوب است. معلم تربیتی خوب است. گوینده‌ی تربیتی خوب است، اما آن کسی که از درون خود، موعظه کننده و تربیت کننده‌ای نداشته باشد، -واعظٌ مِنْ نَفْسِهِ- این تربیت‌ها به کارش نمی‌آید. خودتان را بسازید، با نفس مبارزه کنید، اجرای حکم الهی را در محدوده‌ی شخص خودتان بزرگ بشمارید و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید. این شما را پولادین خواهد کرد.^{۱۲}

اخلاق و معنویت نیاز عمده بسیج

در فصل ما - فصل پیری - محال نیست، اما خیلی سخت است. در فصل شما نه، خیلی آسان است. اگر بی‌نظمید و بخواهید به خودتان نظم بدهید، آسان است. اگر بخیلید و بخواهید به خودتان سخاوت بدهید، آسان است. اگر بداخلاق و اخم‌رو و ترش‌رو و بهانه‌گیرید و بخواهید به خودتان خوش‌اخلاقی بدهید، آسان است. اگر غیبت‌کننده و ایرادگیرنده‌ی از این و آنید و بخواهید خودتان را نگه دارید، آسان است. با تمرین! با تمرین حقیقتاً می‌توانید به سمت تعالی حرکت کنید؛ به این احتیاج دارید. این جوان‌هایی که اول وارد دانشگاه می‌شوند، غالباً دل‌های پاکی دارند و دلشان هم می‌خواهد که یک کانون معنوی پیدا کنند و به او بپیوندند؛ بسیج مورد نظر آن‌هاست و از بسیج توقع دارند. شما به یک معنا، شبیه ما طلبه‌ها هستید: مردم از طلبه‌ها انتظار بیشتری دارند؛ از بسیج هم انتظار بیشتری دارند. پس اخلاق و معنویت هم از نیازهای عمده‌ی شماست!

درس‌های اخلاقی را در بین خودتان رائج کنید. از اساتید اخلاق و موعظه‌گرها استفاده کنید. البته مواظب باشید در دام عنکبوت‌های دنیادار و دکاندار گرفتار نشوید؛ این روزها از این چیزها هم زیاد است: دکاندارهایی که به اسم معنویت، ادعا می‌کنند

۱۱- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۹/۲۵

۱۲- بیانات در دیدار گروهی از دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۰/۸/۱۵



که امام دیدیم و ...! هیچ واقعیتی هم ندارد. حواستان باشد که اسیر آن‌ها نشوید. و يك توصیه هم که واقعاً به آن احتیاج دارید - با اینکه شماها بسیجی هستید و تحرك شما زیاد است - این است که مراقب باشید تحرك خود را از دست ندهید و از تنبلی بپرهیزید؛ این چیز مهمی است. تن‌آسایی نکردن، چیز مهمی است.^{۱۳}

بین خود و خدا

یکی از ویژگی‌ها که بسیار مهم است تا برای خودسازی به آن توجه کنیم و شاید جنبه‌ی تقدیمی هم داشته باشد، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و این که کاری را مغشوش انجام ندهیم [...] خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. در بین مردم، متأسفانه خیلی رایج است که کارهای خوب خودشان را بر زبان بیاورند و بگویند. کأنه توجه ندارند که نباید کار نیک را به زبان آورد و گفت که ما می‌خواهیم این کار را بکنیم یا ما این کارها را می‌کنیم. البته برخی جاها استثناست. در جاهایی، بعضی از کارها باید در علن انجام گیرد. در روایات در باب صدقه آمده است که «صدقه‌ی سرّ» این ثواب را دارد و «صدقه‌ی علانیه» این ثواب را. یا مثلاً عبادات گروهی، جلوی چشم مردم انجام می‌گیرد و باید انجام گیرد و این از شعائر الهی است، اما بسیاری از عبادات یا اغلب عبادات، آن روابطی که بین خود انسان و خداست - ذکر، توجه، دعا، نافله، شب‌زنده‌داری، سحرخیزی، احسان و کارهای نیک - باید بین خود انسان و خدا بماند.^{۱۴}

طیب خود باشیم

طیب خودتان باشید. بهترین کسی که می‌تواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم. بیاورید روی کاغذ. بنویسید «حسد». بنویسید «بخل». بنویسید «بدخواهی برای دیگران؛ وقتی کسی به خیری می‌رسد، ما ناراحت می‌شویم». بنویسید «تنبلی در کار». بنویسید «روح بدبینی به نیکان و صالحان». بنویسید «بی‌اعتنایی به وظایف». بنویسید «علاقه به خود؛ شدیداً به خودمان علاقه داریم». ماه رمضان فرصتی است که

۱۳- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۳۱

۱۴- بیانات در روز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴



یکی یکی این بیماری‌ها را تا آنجایی که بشود، برطرف کنیم.^{۱۵}

فرشته خواهید شد از فرشته بالاتر

لکن رویش معنویت در جوانها همیشه امکان‌پذیر است. جوانها مکرر از من سؤال میکنند - در نامه‌ها و همین وسایل ارتباطی که وجود دارد- و در مورد معنویت و تعالی روحی و مانند اینها نصیحت می‌خواهند؛ خب، کسانی هم هستند، بساط ارشاد و این چیزها را هم پهن میکنند؛ همه‌ی اینها مورد اعتماد نیستند؛ بعضی‌هایشان دکان دارند، به اینها نمیشود اعتماد کرد. آن چیزی که من از بزرگان شنیدم و به شما عرض میکنم، یک کلمه است؛ مهم‌ترین کار برای اعتلای معنوی و روحی، پرهیز از گناه است؛ این مهم‌ترین کار است. سعی کنید از گناه پرهیز کنید. گناه‌ها هم مختلفند؛ هم گناه زبان هست، هم گناه‌های مربوط به چشم هست، هم گناه‌های مربوط به دست هست، انواع گناهان هست؛ گناه‌ها را بشناسید، خودتان را مراقبت کنید. تقوا! تقوا یعنی همین؛ تقوا یعنی مراقبت. در یک جاّده‌ی خطرناک وقتی دارید حرکت میکنید، دقیق مراقبید، این تقوا است؛ مراقبت کنید، از گناه پرهیز کنید؛ این مهم‌ترین راه اعتلای معنوی است. البته بلافاصله بعد از این، انجام فرائض است؛ در میان فرائض هم از همه مهم‌تر نماز است؛ نماز اول وقت، با حضور قلب. حضور قلب یعنی اینکه شما وقتی نماز می‌خوانید، بدانید دارید با کسی حرف می‌زنید، مخاطب دارید. توجه به این داشته باشید. گاهی هم حواس انسان پرت میشود؛ عیبی ندارد، به‌مجرد اینکه باز حواس انسان جمع شد، همان حالت و احساس داشتن مخاطب را در خودش احیاء کند و زنده نگه دارد؛ این حضور قلب است. نماز با حضور قلب، نماز اول وقت، حتی‌المقدور نماز به جماعت، این چیزها را رعایت کنید، شما اعتلای روحی پیدا خواهید کرد، فرشته خواهید شد، از فرشته بالاتر خواهید شد؛ این را شما بدانید. شماها جوانید، دل‌هایتان پاک است، روح‌هایتان پاک است، آلودگی ندارید یا خیلی کم دارید؛ به سن ما که انسان برسد مشکلاتش خیلی زیاد میشود؛ بنابراین اگر این را رعایت نکنید، هیچ نصیحت دیگری لازم نیست؛ ذکر خاص و مانند اینها هیچ لزومی

۱۵ - بیانات در روز اول ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۲/۴



ندارد. البته خیلی خوب است با قرآن مأنوس باشید، هرروز حتماً ولو چند آیه‌ای قرآن بخوانید؛ اینها خیلی خوب است.^{۱۶}

اساس کار تقواست

شما هرکس که باشید، متعلق به هر دانشگاهی که باشید، به هر جناح سیاسی و فکری که وابسته باشید، از تقوا و پارسایی بی‌نیاز نیستید. این اساس کار است. آدم وقتی با تقوا شد؛ یعنی مراقب خود بود - تقوا معنایش این است دیگر؛ یعنی انسان مراقب اعمال و رفتار خودش باشد که کار نادرست و بی‌قاعده از او سر نزند - هرکس که باشد، هرطور فکری که داشته باشد، هرگونه مذاق سیاسی‌ای که داشته باشد، خطری ایجاد نمی‌کند؛ ضربه به جایی نمی‌زند؛ ویرانی به وجود نمی‌آورد؛ از او صلاح می‌تراود. لذا به نظر من اصل این است که هرچه می‌توانید، خودتان و دیگران را - رفقا، دوستان و آن‌هایی که نشریه‌ی شما را می‌خوانند - با تقوا و متدین و پاک‌نهاد بار آورید.^{۱۷}

معنای تقوا

تقوا یعنی چه؟ معنای تقوا این نیست که انسان خیلی عبادت بکند؛ ممکن است خیلی عبادت کردن، بر تقوا مترتب بشود، اما تقوا آن نیست. معنای تقوا این است که انسان در هر کار، از تصمیم و عمل خود مراقبت کند؛ فکر کند که چه بخواهد عمل کند و پا را می‌خواهد کجا بگذارد - با مطالعه، با توجه.^{۱۸}

بزرگترین سرمایه

تقوا، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی ای است که موفقیت دنیا و آخرت جوانان را تضمین می‌کند.^{۱۹}

۱۶ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰

۱۷ - بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴

۱۸ - بیانات در دیدار تشکل‌های مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴

۱۹ - بیانات در دیدار تشکل‌های مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴



ایمان همراه با عمل صالح مهم‌ترین پشتوانه برای پیشرفت

البته عزیزان من! پسرهای جوان! دخترهای جوان! بدانید ایمان همراه با عمل صالح مهم‌ترین پشتوانه برای پیشرفت در این میدان است. ایمان پاک، روشن، شفاف، مستدل و منطقی - که مواد آن خوشبختانه در معارف اسلامی فراوان است - همراه با عمل می‌تواند به شما کمک کند. صرف ایمان کار را پیش نمی‌برد. ایمانی که به دنبال خودش عمل داشته باشد، پایبندی داشته باشد، تقید داشته باشد، لایبالگیری و ولنگاری از آن دور باشد، می‌تواند هم به دنیای شما کمک کند، هم به آینده‌ی کشورتان کمک کند. به این بپردازید؛^{۲۲}

نفس اماره و خودخواهی‌ها عامل رکورد و عقب‌گرد انسان

در درون وجود ما، بزرگ‌ترین دشمن ما کمین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی‌های ماست. هر لحظه‌یی که بتوانیم، این مار گزنده و این دشمن کشنده را سر جای خود بنشانیم - ولو به‌طور موقت - در آن لحظه، ما موفق و سعادت‌مند و قادر بر عمل و مقاومت و ایستادگی و جهاد فی سبیل‌الله هستیم.^{۲۳}

متواضع‌تر شوید

عزیزان من! شماها نخبه‌اید؛ عزیزید و نور چشم ما هستید؛ اما یادتان باشد که هرچه عالم‌تر و نخبه‌تر می‌شوید، متواضع‌تر شوید؛ این را فراموش نکنید. مبدا نخبه بودن خدا نکرده در شما نخوت ایجاد کند.^{۲۴}

مسئله‌ی تدین است

يك عنصر دیگری که باز با جوان‌ها باید در میان گذاشت، مسئله‌ی تدین است. جوانهای عزیز! تدین، رعایت دینی، در حد وسع و امکان، این مایه‌ی توجهات الهی است؛ مایه‌ی توفیقات انسانی است؛ مایه‌ی پیشرفت است؛ این را دست کم نگیرید.

۲۲ - بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۷/۳

۲۳ - بیانات در دیدار مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم،

۱۳۶۹/۵/۲۴

۲۴ - بیانات در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، ۵/۷/۱۳۸۳

اگر کسی که علم در وجود او هست، تقوا و پرهیزگاری و امانت و صداقت در او نباشد، می‌تواند موجود مضرری باشد.

عزیزان من! به علم اهمیت دهید. کلید اصلی باز کردن قفل‌های گوناگون، اهمیت دادن به علم است. البته در کنار آن، این امر بدیهی را هم باید در نظر داشته باشید که علم و عالم همان قدر که می‌تواند مفید باشند، می‌توانند مضر هم باشند؛ «چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا». اگر کسی که علم در وجود او هست، تقوا و پرهیزگاری و امانت و صداقت در او نباشد، می‌تواند موجود مضرری باشد؛ می‌تواند علیه کشور و مصالح کشور، علم خودش را مورد استفاده قرار دهد. بنابراین در کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این هیچ شبهه نکنید. حرکت‌هایی که انجام می‌دهند برای این که محیط دانشگاه و دانشجو را محیط بی‌دینی و بی‌معنویی کنند، به نظر من گرچه يك مقدارش از روی غفلت است، اما يك مقدارش هم حساب شده است. در این قضیه خیلی‌ها مقصرند؛ هم در دانشگاه‌ها مقصر وجود دارد، هم در خود دستگاه‌های وزارتی و دولتی. عده‌یی حساب شده می‌خواهند محیط‌های دانشجویی و دانشگاه را - که محیط علم و گسترش علمی و رشد علمی و پرورش علمی و آینده‌ی علمی کشور است - از معنویت تهی کنند تا در آن، ایمان و تقوا و معنویت و خدا و تعهد دینی وجود نداشته باشد؛ این قطعاً حرکتی است به ضرر مصالح کشور.^{۲۵}

توبه وظیفه همیشگی انسان است

توبه وظیفه همیشگی انسان است. پاک‌ترین انسان‌ها هم باید توبه کنند.

توبه یعنی برگشت به خدا، برگشت از راه خطا، توجه دادن دل به پروردگار و رو را به طور کامل به خدا کردن.

به نماز خیلی اهمیت بدهید و سعی کنید آن را از حالت کسالت آور برای خودتان خارج کنید.^{۲۱}

۲۰ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰

۲۱ - بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲



مشغول کشمکش‌اند برای اینکه از این مجموعه‌ی انبوه نیروی اسلامی هرچه می‌توانند، بکنند؛ کم‌کنند. جوان ما وقتی بنیه‌ی فکری و اعتقادی‌اش محکم بود، او هم می‌فهمد که دیگر نباید دنبال جوان ما بیاید. این استحکام بنیه‌ی اعتقادی با همین توجه‌ها، با همین تضرع، توسل به پروردگار، در همین دعا‌های صحیفه سجادیه به دست می‌آید. این دعاها فقط یارب یارب گفتن نیست، لبریز از معارف اسلامی است که اعتقاد انسان را عمیق می‌کند. تلاوت قرآن هم همین‌طور، خود نماز هم همین‌طور. به‌هرحال، این توصیه‌ی من است به همه‌ی شما جوانان.^{۲۵}

روحیه تعبد

باید روحیه تعبد در دانشجویان رشد کند.^{۲۶}

اگر بخواهیم وسوسه‌های شیطان و هوای نفس و ضعف‌های گوناگون که در درون و خلیات و در تربیت‌های ما است، لجن‌هایی که با جوهر انسانی ما جا به جا می‌خسته است؛ جوارح ما را از حرکت باز ندارد، باید این روحیه تعبد در ما باشد. من از جوان سه چیز می‌خواهم: تحصیل، تهذیب و ورزش. هر کاری هم بخواهید بکنید، در دوران جوانی می‌شود کرد؛ یعنی در هر سه زمینه - هم در زمینه علمی، هم در زمینه تهذیب نفس، هم در زمینه ورزش - باید در جوانی کار کنید. گوهر شور و عشق و صفا و معنویت، در جوان فروزان است.^{۲۷}

از منظر دینی، جوان يك نقطه‌ی امید و شکوفایی است.

منظر دینی، جوان يك نقطه‌ی امید و شکوفایی است. این نقطه‌ی امید و شکوفایی، در همه چیز است؛ در مبارزات، در مجاهدات اجتماعی، در فعالیت‌های گوناگون جامعه و در مجاهدت‌های شخصی و روحی و درونی. خطاب به جوان از سوی دین، همیشه يك خطاب ویژه است. با جوان، مخاطبه‌ی زیادی در مفاهیم اسلامی و فعالیت‌های دینی شده است. علت هم این است که در جوان، گوهر شور و عشق و صفا و معنویت،

۲۵ - بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲۶ - بیانات در دیدار با جمعی از تشکل‌های دانشجویی کشور در قم، ۱۳۷۴/۹/۱۸

۲۷ - بیانات در دیدار جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷

من می‌خواهم بگویم شما اگر فلان فرمول ریاضی، یا فلان عنصر شیمیایی، یا فلان اختراع را به وجود می‌آورید یا کشف می‌کنید و پیدا می‌کنید و حل می‌کنید، در همان حال توجهتان به خدا، به شما کمک خواهد کرد. اولاً خدای متعال مدد می‌کند شما را؛ کارها دست خداست. شاید گفته باشم من، آن روزی که همین مسئله‌ی سلول‌های بنیادی را جوانهای ما داشتند دنبال می‌کردند و کشف می‌کردند، خدا رحمت کند مرحوم مهندس کاظمی، رئیس این مؤسسه‌ی رویان آمده بود با همان جمع پیش من گزارش می‌داد. گفت من تلفن کردم که ببینم مهندس جوانی که مشغول تعقیب این قضیه بود، کار را به کجا رسانده - چون مثلاً دیروز گفته بود که فردا کار را تمام می‌کنیم - خانمش بود، گوشی را برداشت و گفت آقای مهندس آن نقطه‌ی آخر را توانسته پیدا کند و افتاده به سجده، دارد گریه می‌کند. وقتی مرحوم مهندس کاظمی این قضیه را می‌گفت، هم خودش گریه‌اش گرفت، هم آن جوان که در مجلس بود، گریه‌اش گرفت. بنا کردند گریه کردن. نقش معنویت را دست کم نباید گرفت.

با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامان قدس الهی و ذیل عنایت الهی می‌توان خیلی کارهای دشوار را انجام داد. شماها جوانید. شما با ما فرق دارید؛ این را به شما بگویم. شما خیلی از این جهت جلوتر از ما هستید. دل‌های شما پاک، نورانی، بی‌تعلق، بی‌آلایش، مثل يك آئینه‌ی روشن، بلافاصله نور را منعکس می‌کند؛ آلوده نشده‌اید؛ این را قدر بدانید.

با خدای متعال رابطه برقرار کنید. با نماز، با نافله، با تلاوت قرآن، با دعا، با صحیفه‌ی سجادیه. این صحیفه‌ی سجادیه پر از معارف دینی است. با این کار بنیه‌ی دینی و انقلابی خودتان را هم محکم می‌کنید. جوان ما اگر بنیه‌ی دینی‌اش مستحکم باشد، خیلی از این کسانی که در همین شهر شیراز شما و در استان فارس و سراسر کشور - اینجا هم من خبرهایش را دارم - مشغول تلاش‌اند برای منحرف کردن ذهن‌ها به سمت‌های گوناگون، وقتی دیدند جوان ما محکم است، می‌کشند کنار. امروز در همین شهر شما و در جاهای دیگر که حالا نمی‌خواهم زیاد قضیه را باز کنم، شاید خود شماها خیلی خوب میدانید؛ از عرفان‌های مادی پوچ بی‌محتوا گرفته تا ادیان منسوخ، تا سازمانهایی که اسمش دین است، باطنش سازمان سیاسی است، مشغول تلاش‌اند،



فروزان است. هر انسانی از این گوهر بهره‌مند است، لیکن در جوان و در دوران جوانی، این جوهره‌ی انسانی کاملاً نمایان و فروزان و تابناک است و از آن باید استفاده کرد. اولین استفاده‌ای هم که هر انسانی باید از این روح شور و عشق و صفا و معنویت و نورانیت ببرد، این است که خود را - نفس خود را، اندرون خود را، معنا و حقیقت خود را - تعالی ببخشد. این، قدم اول است. لذا ما همیشه برای خودسازی معنوی، به جوانان سفارش مؤکدی داریم.^{۲۸}

تقوا را برای خودش شعار قرار دهد

آنچه که ما امروز از جوان انتظار داریم، عیناً همان چیزی است که در روز اول انقلاب و قبل از انقلاب از جوان انتظار داشتیم. ما از جوان می‌خواهیم که در عین پاکی و پارسایی و دینداری، بانشاط باشد، پُرشور باشد، اهل ابتکار باشد، خلاق باشد، کار کند، از تنبلی و بیکارگی بپرهیزد، تقوا را برای خودش شعار قرار دهد، واقعاً دنبال تقوا باشد - همان معنای «پرهیزکاری» که در فارسی معنا می‌کنند و معنای خوبی هم هست. به نظرم من یک وقت شرحی هم راجع به آن در خطبه‌های نماز جمعه گفتم - خویشتندار باشد، از این نیروی عظیمی که اسمش جوانی است، در راه تکامل خودش، رشد خودش و خدمت به کشورش، به خانواده‌اش و به محیطش استفاده کند. ما از جوان این انتظار را داریم؛ هر وقت هم یک اقتضایی دارد. وقتی که در کشور جنگ هست، از جوان یک انتظار هست؛ وقتی که در کشور دوره ساختن و سازندگی و تلاش این‌گونه هست، یک انتظار هست؛ آن وقتی هم که میدان علم و پیشرفت علمی و تحقیق است و نیاز کشور به این طرف است، از جوان این انتظار هست. درست هم این است که بگوییم از هر جوانی به اقتضای استعدادش، به اقتضای شغلش، به اقتضای خواست‌ها و پسندهایش، انتظاراتی وجود دارد که مجموع این انتظارات، در واقع حرکت عظیم ملی ما را شکل می‌دهد و موتور برای حرکت کشور است. جوانان، حقیقتاً به یک معنا موتور محرکه کشورند؛ هم در امروزشان که جوان‌اند، هم در فردایشان که مردان و زنان و مدیران و کارگزاران کشور خواهند بود. هر کدام در هر

۲۸ - بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان ۱۳۷۶/۸/۱۴



جا که هستند، با پاکی و پارسایی و دینداری و تقوا، این نیروی عظیم جوانی را به کار گیرند.^{۲۹}

ویژگی‌های برجسته در جوان مسلمان و نقش تقوا در شکوفایی آن‌ها

تقوا، یعنی مراقب خود بودن. تقوا، یعنی يك انسان بداند که چه کار می‌کند و هر حرکت خودش را با اراده و فکر و تصمیم انتخاب کند؛ مثل انسانی که سوار بر يك اسب رهوار نشسته، دهانه اسب در دستش است و می‌داند کجا می‌خواهد برود. تقوا، این است. آدمی که تقوا ندارد، حرکات و تصمیم‌ها و آینده‌اش در اختیار خودش نیست. به تعبیر خطبه نهج‌البلاغه کسی است که او را روی اسب سرکشی انداخته‌اند؛ نه این که او سوار شده است. اگر هم سوار شده، اسب‌سواری بلد نیست. دهانه در دستش است، اما نمی‌داند چگونه باید سوار اسب شود. نمی‌داند کجا خواهد رفت. هر جا که اسب او را کشید، او هم مجبور است برود و قطعاً نجاتی در انتظار او نیست. این اسب هم سرکش است.

اگر ما تقوا را با همین معنا در نظر بگیریم، به نظر من راحت می‌شود راه را طی کرد. البته باز هم نه آن‌طور که خیلی راحت باشد. به هر حال، می‌شود، ممکن است و واقعاً عملی است که يك جوان راه اسلامی زندگی کردن را پیدا کند. اگر متدین است، ببینید چه کار می‌کند. این اقدام، این حرف، این رفاقت، این درس و این فعل و درک، آیا درست است یا درست نیست. همین که او فکر می‌کند درست است یا درست نیست، این همان تقواست. اگر متدین نیست، چنانچه همین حالت را داشته باشد، این حالت او را به دین راهنمایی خواهد کرد. قرآن کریم می‌گوید: «هدی للمتقین» نمی‌گوید «هدی للمؤمنین». «هدی للمتقین»؛ یعنی اگر يك نفر باشد که دین هم نداشته باشد، اما تقوا داشته باشد - ممکن است کسی دین نداشته باشد، اما به همین معنایی که گفتم، تقوا داشته باشد - او بلاشک از قرآن هدایت خواهد گرفت و مؤمن خواهد شد. اما اگر مؤمن تقوا نداشته باشد، احتمالاً در ایمان هم پایدار نیست. بستگی به شانسش دارد: اگر در فضای خوبی قرار گرفت، در ایمان باقی می‌ماند؛ اگر در فضای

۲۹ - بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳



خوبی قرار نگرفت، در ایمان باقی نمی‌ماند.^{۳۰}

ایمان

سعی کنید ایمانتان را قوی کنید. ایمان هم یعنی این که انسان واقعاً مؤمنانه وارد میدان شود.

الحمدلله همه شما دل‌هایتان پاک و صاف است و ایمان‌ها در دل‌هایتان می‌درخشد - انسان می‌تواند این را حس کند - در عین حال بکوشید آن را عمیق کنید، تا با هر حادثه‌ای متزلزل نشود. با مطالعات خوب، با استفاده از انسان‌های والا و استاد‌های خوب، آن را تقویت کنید.^{۳۱}

عمده‌ترین وظیفه جوانان حزب‌اللهی و انقلابی

به نظر من، جوانان انقلابی دانشگاه - چون بحث دانشجو را داریم.

سعی کنند خوب درس بخوانند؛ خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است.

يك جوان گاهی اوقات می‌تواند مجموعه پیرامونی خودش را - کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را - زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی‌کاری به‌دست نمی‌آید؛ با معنویت به‌دست می‌آید، با صفا به‌دست می‌آید، با استحکام رابطه با خدا به‌دست می‌آید. عزیزان من! رابطه با خدا را جدی بگیرید. شما جوانید؛ به آن اهمیت بدهید، با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید. مناجات، نماز، نماز با حال و با توجه، برای شما خیلی لازم است. مبدا این‌ها را به حاشیه برانید.^{۳۲}

۳۰- بیانات در دیدار جوانان به مناسبت هفته جوان ۷/۲/۱۳۷۷

۳۱- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

۳۲- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۲/۲۲



۳- بصیرتی

احساس مسؤولیت، ایمان، بصیرت و آگاهی

اما آن که من می‌توانم به شما جوانان سفارش کنم، این است که جوان اولاً باید احساس مسؤولیت کند؛ یعنی واقعاً خودش را مسؤول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پر کاهی در امواج حوادث نباشد.

ثانیاً با ایمان حرکت کند - ایمان نقش بسیار مهمی در پیشرفت در همه میدان‌ها و نیز پیروزی بر همه موانع دارد - ثالثاً بصیرت و آگاهی داشته باشد. اگر جوانان این سه خصوصیت را در خودشان تأمین کنند - که البته کار چندان آسانی نیست؛ اما بسیار ممکن هست - من خیال می‌کنم که هر وضعی دنیا پیدا کند - ارتباطات پیشرفت کند، تمدن‌های گوناگون به عرصه بازار تمدن‌ها در دنیا پا بگذارند، قدرت بزرگی در دنیا از بین برود، قدرت جدیدی به‌وجود آید؛ ایران چالش‌های گوناگونی در مسائل اقتصادی و سیاسی و غیره با دیگران داشته باشد، نداشته باشد - در همه زمینه‌ها شما می‌توانید موفقیت خودتان را تضمین کنید. سعی کنید این سه خصوصیتی را که من گفتم، در خودتان به‌وجود آورید. ببینید؛ من که می‌گویم سعی کنید به‌وجود آورید، اعتقاد این است که سعی‌ها یک اندازه نیست، یک اندازه هم موفق نیست؛ اما اعتقاد دیگر این است که هر کسی سعی کند، بالاخره توفیقی خواهد داشت.

آن احساس مسؤولیتی که من می‌گویم، در مقابل حالت «ولش» قرار دارد. بعضی از جوانان هستند که اگر گفته شود این کار را بکن، می‌گویند ولش! مثلاً امتحانات درسی یا قضیه دیگری در پیش است، می‌گویند ولش! این «ولش» بدترین بلا برای جوانان است. احساس مسؤولیت، یعنی رها کردن این حالت «ولش».

ایمان هم یعنی این که انسان واقعاً مؤمنانه وارد میدان شود. سعی کنید ایمانتان را قوی کنید. الحمدلله همه شما دل‌هایتان پاک و صاف است و ایمان‌ها در دل‌هایتان می‌درخشد - انسان می‌تواند این را حس کند - در عین حال بکوشید آن را عمیق کنید، تا با هر حادثه‌ای متزلزل نشود. با مطالعات خوب، با استفاده از انسان‌های والا و استاد‌های خوب، آن را تقویت کنید.



یکایک دانشجویان به وجود آید.^{۳۴}

بصیرت، قطب‌نماست!

در باب بصیرت، بنده در سال اخیر و قبل از آن خیلی صحبت کردم؛ دیگران هم مسائل زیادی گفتند؛ دیدم بعضی از جوان‌ها هم کارهای خوبی در این زمینه انجام دادند. من می‌خواهم روی مسئله‌ی بصیرت باز هم تأکید کنم. این تأکید من در واقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید، خودتان میداندارید، کار بر دوش شماست، بروید سراغ کارها و برنامه‌ریزی‌هایی که با بصیرت یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید. بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد.^{۳۵}

بصیرت به چه معناست؟

بصیرت را در دو سطح می‌توانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می‌کند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است، یک مجموعه‌ی قانون‌مدار است، طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی‌مان هدفدار است؛ بی‌هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه‌ی نگاه توحیدی است.

بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبر کند؛ سعی

۳۴- بیانات در جلسه مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴

۳۵- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالا این‌ها بحث‌های تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشممان جلوه دهد.^{۳۳}

مابقی وقت دانشجو برای

بلاشک درس خواندن همه‌ی وقت دانشجو را نمی‌گیرد؛ برای او وقتی باقی می‌ماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاست‌بازی نمی‌گویم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی می‌گیرند و نه حرفی می‌زنند! بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق می‌دهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروه‌ها و جناح‌هاست - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

البته بعضی وقت‌ها می‌گویند در دنیا چنین است، در فلان کشور چنان است؛ حالا گیرم که باشد، آیا خیلی خوب است که فرضاً دانشجویان، دانشگاه‌هایشان را تعطیل کنند و درسشان را نخوانند؛ بیایند به سود فلان حزب و فلان جناح، حرکتی را انجام دهند که هیچ بررسی هم نکرده‌اند که این حرکت درست است یا درست نیست؟ مگر این چیز خوبی است که ما حالا بخواهیم از آن تقلید بکنیم؟! بنابراین، کار سیاسی هم که می‌گوییم، یعنی واقعاً قدرت فهم سیاسی و درک سیاسی و تحلیل سیاسی باید در

۳۳- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳



کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینائی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.^{۳۶}

همه می‌توانند بصیرت پیدا کنند

بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبیر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب می‌شود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه می‌توانند بصیرت پیدا کنند. البته بعضی نه به خاطر عناد، نه به خاطر بدخواهی، که گاهی غفلت می‌کنند. انسان با اینکه جان خودش را خیلی دوست دارد، اما گاهی ممکن است در حال راندگی هم یک لحظه حواسش پرت شود، یک لحظه چرت بزند، یک ضایعه‌ای پیش بیاید. لغزشهایی که در این زمینه پیش می‌آید، این‌ها را نمی‌شود گناه دانست؛ اما اگر چنانچه تداوم پیدا کند، این دیگر بی‌بصیرتی است، این دیگر غیر قابل قبول است.

باطل، عریان ظاهر نمی‌شود

یک نکته‌ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عریان ظاهر نمی‌شود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان می‌شود. امیرالمؤمنین فرمود: «أما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله»، بعد تا می‌رسد به اینجا: «فلو أنّ الباطل خلص من مزاج الحقّ لم یخف علی المرتدین و لو أنّ الحقّ خلص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندین»؛ اگر باطل و حق صریح و بی‌شائبه وسط میدان بیایند، اختلافی باقی

۳۶- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴



نمی‌ماند؛ همه حق را دوست دارند، همه از باطل بدشان می‌آید؛ «و لیکن یؤخذ من هذا ضعف و من ذاك ضعف فیمزجان فحینئذ یشتبه الحقّ علی اولیائه». بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط می‌کنند، نمی‌گذارند صرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه می‌شوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد. امروز در تبلیغات جهانی، همه‌ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در جامعه‌ی شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتی‌شان هم فراوان است، به طور دائم هم مشغول‌اند. البته افرادی هم هستند که بعضی دانسته، بعضی ندانسته، در داخل، همان حرف‌ها را تکرار می‌کنند و همان‌ها را بازتاب می‌دهند.^{۳۷}

مواظب باشید دچار بی‌بصیرتی نشوید

من می‌خواهم به شما جوان‌ها عرض کنم؛ شما برای اینکه ایران اسلامی را بسازید، یعنی هم ملت و میهن عزیز و تاریختان را سربلند کنید، هم وظیفه‌ی خودتان را در مقابل اسلام با عظمت انجام دهید - که امروز اگر کسی برای سربلندی ایران اسلامی تلاش کند، هم به میهن خود، به ملت خود، به تاریخ خود خدمت کرده است، هم به اسلام عزیز که مایه‌ی نجات بشریت است، خدمت کرده - باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، باید در صحنه باشید، باید بصیرت را محور کار خودتان قرار دهید. مواظب باشید دچار بی‌بصیرتی نشوید.

دشمن را بشناسید. به ظواهر دشمن فریب نخورید. مادیگری، گرایش مادی، تفکر مادی، تمدن مادی، دشمن بشریت و دشمن شماست.^{۳۸}

شاخص: بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام

آنچه که برای همه‌ی ما، برای همه‌ی بسیجیان عزیز، برای جوان‌ها در هر نقطه‌ای از این عرصه‌ی عظیم که مشغول کار هستند، باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل به‌هنگام و به اندازه. این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه‌گانه باید برای ما

۳۷- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴

۳۸- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴



شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه.

عنصر اول آنچه که راه را مشخص می‌کند، بصیرت است.

عنصر دوم، اخلاص است. شرط شهادت و شرط مجاهد فی سبیل‌الله بودن این است که حرکت او فی سبیل‌الله باشد، لکن باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد.

عنصر سوم، عمل بهنگام و به اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند.

اگر بخواهیم این سه عنصر را تأمین کنیم، باید در درون خودمان با خودمان مجاهدت کنیم؛ یعنی جهاد اکبر. جهاد با نفس تلاشی است که امروز همه ما به آن احتیاج داریم.^{۳۹}

شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند

مشکلات زیادی در سر راه هست؛ عزم و اراده لازم است، نگاه به دوردست لازم است. این عزم و اراده باید باقی بماند، این شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند. توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابی با ارزش در جای خود مصرف شود - نابجا مصرف نشود - این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد.

شک نکنید که فردای ملت ایران و امت اسلامی از امروز بمراتب بهتر است. همان مقداری که فاصله‌ی بین سی سال پیش ملت ایران و امروز است - یعنی اول انقلاب تا امروز - ببینید ملت ایران در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و علمی و اجتماعی و غیره چقدر پیشرفت کرده است؛ بدانید فاصله‌ی بین پیشرفت‌های آینده با امروز، از این هم بیشتر خواهد بود.^{۴۰}

۳۹- بیانات در دیدار بسیجیان قم ۱۳۸۹/۸/۲۴

۴۰- بیانات در دیدار بسیجیان قم ۱۳۸۹/۸/۲۴



باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد

در شرائطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکانات خود درصدد طراحی يك فتنه است و می‌خواهد يك بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد.^{۴۱}

مهم‌ترین مسائلی که جوان‌ها باید به آن‌ها اهتمام کنند

امروز مهم‌ترین تلاش دشمن این است که از پیشرفته‌ترین ابزار و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن استفاده کند؛ برای این که حقایق کشور ما را واژگونه جلوه دهد. تسلیم خواسته آن‌ها نشوید و اندیشمندانه با مسائل برخورد کنید.^{۴۲}

قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید

قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه يك جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالا این‌ها بحث‌های تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشممان جلوه دهد.^{۴۳}

محیط دانشگاه باید سیاسی باشد، یعنی چه؟

پس دانشجوی بایستی آگاهی و فهم و درک سیاسی داشته باشد، مباحث سیاسی را بداند؛ آنچه در جهان می‌گذرد، بداند.^{۴۴}

۴۱- بیانات به مناسبت نه دی، ۱۳۸۹/۱۰/۸

۴۲- بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

۴۳- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه‌ی فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

۴۴- بیانات در دیدار دانشگاهیان و فرهنگیان استان کهگیلویه و بویر احمد، ۱۳۷۳/۳/۱۸

**دانشجو باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد**

دانشجو بایستی سیاسی بشوند؛ یعنی فهم سیاسی پیدا کند. فهم سیاسی، غیر از سیاسی کاری و سیاست بازی است، غیر از دستخوش جریان‌های سیاسی شدن است. اتفاقاً فهم سیاسی موجب می‌شود که آدم، دستخوش جریان‌های سیاسی نشود. من این را می‌خواهم. من می‌خواهم که وقتی دانشجو نگاه می‌کند به آن کسی که آمده است و دارد برایش حرف می‌زند و شعار می‌دهد و قربان صدقه می‌رود، بفهمد که او کیست و چه کاره است؛ از حرف‌های او حقیقت او را درک کند و از کار او ممشا و هدف او را به دست بیاورد. من این را می‌خواهم؛ دنبال این هستم. اگر سیاسی نباشید، نمی‌توانید؛ باید سیاسی باشید.^{۴۵}

دانشجویی که تحلیل سیاسی نداشته باشد، مرد زمان خودش نیست

دانشجویی که اصلاً نفهمد در دنیا چه می‌گذرد، این دانشجو، دانشجوی زمان خودش نیست؛ مرد زمان خودش نیست. دانشجو باید احساس سیاسی داشته باشد، درک سیاسی داشته باشد، تحلیل سیاسی داشته باشد. بنده در قضایای تاریخ اسلام این مطلب را مکرراً گفته‌ام که، چیزی که امام حسن مجتبی علیه‌السلام را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود. مردم، تحلیل سیاسی نداشتند. چیزی که فتنه خوارج را به وجود آورد و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را آن‌طور زیر فشار قرار داد و قدرتمندترین آدم تاریخ را آن‌گونه مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود و الا همه مردم که بی‌دین نبودند. تحلیل سیاسی نداشتند. یک شایعه دشمن می‌انداخت؛ فوراً این شایعه همه جا پخش می‌شد و همه آن را قبول می‌کردند! چرا باید این‌طور باشد؟!^{۴۶}

سیاسی بودن دانشجو یعنی

سیاسی بودن یعنی دانشجو از آنچه که در جهان و در کشور خودش می‌گذرد، آگاه باشد، بینش داشته باشد. اگر این نشد ممکن است فردی به حد اعلای علم هم برسد، خیلی هم متدین باشد، اما دشمن او را به قیمت بسیار ارزانی بخرد! او را زیر بال

۴۵ - بیانات در دیدار دانشجویان و مسئولین دانشگاه تبریز، ۱۳۷۸/۶/۲۷

۴۶ - بیانات در دیدار با دانشگاهیان و فرهنگیان استان کهکلوپه و بویر احمد ۱۳۷۳/۳/۱۸



خودش بگیرد.

در دوران رژیم طالغوت، اساتیدی داشتیم متخصص، متدین و خوب. اما چون فهم سیاسی نداشتند، به راحتی در اختیار هدف‌های آن رژیم قرار می‌گرفتند، بدون آنکه خودشان بدانند. دانشجوها را هم به سمتی می‌کشاندند که آن رژیم می‌خواست. کسانی داشتیم که عالم و متدین بودند؛ ولی نداشتن فهم و آگاهی و شعور سیاسی، موجب شد که جزو یکی از مهره‌های همان رژیم فاسد و ضد دین بشوند. پس دانشجو بایستی آگاهی و فهم و درک سیاسی داشته باشد، مباحث سیاسی را بداند؛ آنچه در جهان می‌گذرد، بداند.

امروز جمهوری اسلامی، از يك دولت مردمی صددرصد وابسته به مردم خودش برخوردار است. خوب، این دولت چه کاری می‌کند؟ در مسائل سیاسی دنیا، کجای کار است؟ هدف‌هایش چیست؟ اقداماتش کدام است؟ چرا در فلان جهت حرکت می‌کند؟ چرا در فلان جهت دیگر، حرکت نمی‌کند؟ باید این‌ها را بدانید.^{۴۷}

بزرگ‌ترین فتح جمهوری اسلامی این بود که

در قضیه فتح بستان در سال ۰۶۳۱، امام رضوان‌الله‌علیه پیامی دادند، که در آن پیام، تعبیر «فتح الفتوح» بود. بعضی خیال کردند که «فتح الفتوح»، جنگ بستان است؛ اما امام آن را نمی‌گفت؛ امام می‌فرمود: - به این مضمون - «فتح الفتوح»، فتح یا ساختن این جان‌های آگاه و بیدار است. واقعاً بزرگ‌ترین فتح جمهوری اسلامی این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احساس خود باوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا، از کشور و از موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند؛ که مظهرش جنگ تحمیلی بود و تا الان هم ادامه دارد. الان هم ما در مقابل تهاجم دنیا قرار داریم.^{۴۸}

جوان‌ها و بالخصوص جوان‌های دانشجو باید فهم سیاسی داشته باشند

حکومتی که می‌خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد

۴۷ - همان

۴۸ - بیانات در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان ۱۳۷۷/۲/۷



يك نفر با زيد خوب است، با عمرو بد است؛ يكي از آن خوشش می‌آید، آن ديگري از آن خوشش نمی‌آید. در زمينه‌های اقتصادی، از سلیقه هم بالاتر هست؛ اما اصول نیست. فرض بفرمایید که يك نفر معتقد به سیاست «تعديل اقتصادی» است، يكي هم مخالف این سیاست است؛ مثلاً معتقد به سیاست نوع ديگر است. این‌ها از سلیقه هم بالاتر است؛ اما با اصول نباید اشتباه شود. آن کسی که دارای این سلیقه‌ی سیاسی و این روش سیاسی است، وقتی که مسؤولیتی داشته باشد، بر طبق همان عمل می‌کند؛ آن ديگري می‌آید و بر طبق چیز ديگر عمل می‌کند؛ اما اصول همیشه محفوظ است. الان شما ملاحظه بفرمایید؛ از زمان ریاست جمهوری بنده، که آن وقت رئیس دولت کسی بود، بعد رئیس دولت کس ديگري شد؛ و زمان بعد از ریاست جمهوری بنده، که رئیس دولت کس ديگري شد؛ با این که سلايق سیاسی و اقتصادی تفاوت‌های گوناگونی کرده، اما در عین حال همواره در این مدّت، آن پایه‌های فکری – یعنی اعتقاد به اسلام، اعتقاد به امام، اعتقاد به نظام اسلامی، اعتقاد به مردمی بودن جامعه – همه سر جای خود محفوظ است. این اعتقادات چیزهایی نیست که حتّی با آمدن و رفتن دولت‌ها عوض شود. بنابراین قابل اشتباه نیست.^{۵۱}

آیا ما به عنوان سربازان انقلاب و فعالان جریان‌های دانشجویی انقلابی باید عیناً از همان موضعی سخن بگوییم که رهبری معظم به اقتضای جایگاه رفیع ولایی و سکانداری کشتی انقلاب از آن سخن می‌گویند؟

می‌گویند آیا ما هم باید مثل رهبری موضع بگیریم یا نه؟ خوب، رهبری يك تکلیفی دارد، ما يك تکلیف ديگر داریم. ببینید، نبادا کسی تصور کند که رهبری يك نظری دارد که برخلاف آنچه که به عنوان نظر رسمی مطرح می‌شود، در خفا به بعضی از خواص و خلّصین، آن نظر را منتقل می‌کند که اجراء کنند؛ مطلقاً چنین چیزی نیست. اگر کسی چنین تصور کند، تصور خطائی است؛ اگر نسبت بدهد، گناه کبیره‌ای انجام داده. نظرات و مواضع رهبری همینی است که صریحاً اعلام می‌شود؛ همینی است که من صریحاً اعلام می‌کنم چند سال قبل که يك قتلی اتفاق افتاده بود و دشمنان جنجال

۵۱ – پاسخ‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی به پرسش‌های دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف، ۷۸/۹/۱

با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام می‌داند، مگر مردمش – بخصوص جوانان، و بالاخص جوانان دانشجویی – می‌توانند غیر سیاسی باشند؟! مگر می‌شود؟! عالم‌ترین عالم‌ها و دانشمندترین دانشمندان را هم، اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با يك آبنبات تُرش می‌تواند به آن طرف برود؛ مجذوب خودش کند، و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند.

بنده دلم می‌خواهد جوان‌های ما روی ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنند و تحلیل بدهند.^{۴۹}

نسل جوان در چنین میدانی تکلیف و مسؤولیت دارد

ما امروز در دوران حساسی هستیم. آیا جوان می‌تواند بی‌تفاوت بماند؟ حمله دشمن به ما يك امر طبیعی است. هیچ لازم نیست که ما دستگاه‌های ویژه‌ای داشته باشیم تا از اعماق کارهای آن‌ها برای ما خبر بیاورند – که البته خبرهای ویژه هم داریم؛ این طور نیست که نداشته باشیم – اما اگر آن خبرها را هم نداشتیم، خیلی واضح و منطقی و طبیعی است که دشمن علیه ما توطئه کند. عده‌ای می‌آیند و بحث توّهم توطئه را مطرح می‌کنند. در دانشگاه و محیط روشنفکری کشور، انسانی خجالت نکشد و بگوید توطئه توّهم است؛ دشمن علیه ما توطئه نمی‌کند؛ امریکا علیه ما توطئه نمی‌کند! گفت: مادر من چه اشتباه کند به خیالش که گربه هم لولوست! امریکایی‌های به این نازنینی!^{۵۰}

معیار و ملاک برای جدایی و مرز اصول و سلیقه‌ها

اصول، با سلیقه‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف، با هم اشتباه نمی‌شود. اصول، پایه‌های فکری يك نظام و يك اساس حکومتی است. اسلام، از اصول است؛ استقلال، از اصول است؛ نظام دینی، از اصول است؛ رعایت قوانین اسلامی، از اصول است؛ جهتگیری عمومی ملت و کشور به سمت متدین شدن و جامعه را به سمت جامعه اسلامی کامل کشاندن، از اصول است. اصول از این قبیل است. سلیقه‌ها این است که

۴۹ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۲/۸/۱۲

۵۰ – بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲



کردند، تبلیغات کردند و گفتند این‌ها فتوا داشتند، دستور داشتند، و می‌خواستند يك جورى پای رهبرى را میان بکشند، توى نماز جمعه گفتم: اگر من يك وقتى اعتقاد پیدا کنم که يك نفرى واجب‌القتل است، این را توى نماز جمعه علنى خواهم گفت. نه جایز است، نه شایسته است که مواضع دیگری غیر از آنچه که رهبرى به صورت علنى و صریح به عنوان مواضع خودش اعلام می‌کند، وجود داشته باشد؛ نه، همینی است که دارم می‌گویم.

البته ممکن است کیفیت روزه گرفتن شما با بنده، نماز خواندن شما با بنده يك تفاوت‌هائی داشته باشد. خوب، شما جوانید، دانشجویید؛ فعالیت دینی شما، فعالیت اجتماعى شما جوانانه است؛ با رفتار پیرمردانه‌ی پیرمردها طبعاً تفاوت پیدا می‌کند. از این تفاوت‌های فهرى و طبیعى نمی‌شود صرف‌نظر کرد.^{۵۲}

وظیفه يك دانشجوی آگاه و آماده

درست فکر کردن، درست تحلیل کردن، تحلیل درست را به دیگران منتقل کردن و سعى در روشن و آگاه کردن کسی که فکر می‌کنید ناآگاه است.^{۵۳}

۴- مدیریتى و مهارتى

جوانان در مورد مسائل اساسى کشور جدى برخورد کنند

ما از جوانان عزیزمان - چه دختران و چه پسران - توقع داریم که در مورد مسائل اساسى کشور، جدى باشند و جدى برخورد کنند. پیشنهاد می‌کنم روى این مسأله «جدى بودن» فکر کنید، بعد خواهید دید خیلی از کارهایی که در گوشه و کنار انجام می‌گیرد، ناشى از جدى نبودن است.^{۵۴}

جوان باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید

ما می‌خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را

۵۲- بیانات در دیدار دانشجویان در ماه رمضان، ۱۳۸۹/۶/۱

۵۳- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتى، ۱۳۸۲/۲/۲۲

۵۴- بیانات در دیدار جمعى از اعضاى تشکله‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیأت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی ۱۳۸۲/۸/۱۵



مطالبه نماید. نمی‌خواهیم کارِ نمایشی کنیم و نیازی هم به کارِ نمایشی نداریم؛ اما به این که جوان ما - بخصوص مجموعه دانشجویی که در سطح کشور بسیار گسترده و وسیع است - این احساس را در خودش تقویت کند که در آینده کشور نقش و مسؤولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.^{۵۵}

وقتتان را بیهوده هدر ندهید

وقتتان را بیهوده به هدر ندهید؛ خیلی از بچه‌های جوان ما - دانشجو و غیر دانشجو - وقت‌هایشان را هدر می‌دهند، در این شبکه‌های اجتماعى و مانند اینها می‌گردند یا در بعضى از جلسات بیهوده‌ی بحث‌وجدل‌های این‌جورى می‌نشینند. وقتتان را هدر ندهید، وقتتان را درست مصرف کنید، هم به درس برسید، هم به کار تشکیلاتی برسید؛ به هر دوی اینها باید برسید.^{۵۶}

ب- بعد اجتماعى

۱- رسالت دانشجوی نسبت به دانشجویان دیگر

مسؤولان امواج سیاسى دنیا را بشناسند

پناه بر خدا از آن روزی که کسانی مسؤولیت‌هایی را در کشور به عهده بگیرند، در حالى که فهم سیاسى ندارند و قادر به تشخیص امواج سیاسى دنیا نیستند! این کار چه موقع باید انجام گیرد؟ در طول زندگی؛ بخصوص در دوره‌ی جوانی. محیط دانشجویی هم محیط خیلی خوبى است؛ محیط گرم و پُرشورى است؛ از این موقعیت باید استفاده شود. گمانم در آن دیدار قبلى این نکته را به شما عرض کردم - اگر هم نگفتم، الان می‌گویم - که شما باید کمک کنید که به وسیله‌ی نشریات شما، دانشجویان قدرت تحلیل پیدا کنند؛ یعنی مسائل سیاسى را بفهمند و اصلاً متوجه شوند که این موج سیاسى چیست؛ این کسی که الان این اقدام را می‌کند، این حرف را می‌زند، این حرکت را می‌کند، برای چیست؛ یعنی قدرت تحلیل سیاسى پیدا کنند؛ پشت این پرده‌ی ظاهر

۵۵- همان

۵۶- بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰



۲- رسالت دانشجوی نسبت به دانشگاه

انتظار جامعه امروز ما از دانشگاه‌ها

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌جایی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزئیات را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد.^{۵۸}

باید در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی را مورد توجه

قرار دهیم

اگر دانشگاه جایی شد که کسی که از آنجا صادر و خارج می‌شود - متخرج دانشگاه - نه نسبت به انقلاب حساس باشد، نه نسبت به دین حساس باشد، نه نسبت به کشور حساس باشد، نه نسبت به استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملی حساس باشد، این دانشگاه هرچه هم از لحاظ علمی والا باشد، ارزشی نخواهد داشت؛ زیرا که متخرج و محصول این دانشگاه، راحت در اختیار سیاست‌های مختلف قرار خواهد گرفت. ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار بدهیم؛^{۵۹}

۵۸ - بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

۵۹ - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا (۱۳۷۰/۹/۲۰)

را مشاهده نمایند. در اوقات فراغت، دانشجویان مسائل علمی و فرهنگی را دنبال کنند. این اردو‌هایی که هست، بعضی از آن‌ها خیلی خوب است؛ بخصوص شما که الحمدلله بچه‌های مسلمانی هستید و کم و بیش با مسائل اسلامی، گسترش دین داری، تقوی و پارسایی، در دانشگاه‌ها آشنا هستید. این خیلی مهم است.

بدنه دانشجویی را جذب کنید

یکی از الزامات اثرگذاری این است که بتوانید بدنه‌ی دانشجویی را جذب کنید. تشکلهای یک اقلیت دانشجویی‌اند. مجموع شما تشکلهای را که جمع کنند، در بین خیل انبوه دانشجویان اکثریت نیستید. باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجویان را جذب کند. جاذبه چگونه به وجود می‌آید؟ تصور من این است که راه‌های زیادی وجود دارد؛ شماها جوانید، ابتکارآتان بیش از ما است - ما هم البته دوره‌ی جوانی همین‌طور برای هر مسئله‌ای ده‌جور روش و راه کار به ذهنمان می‌آید، اما حالاها ذهن شما بهتر کار میکند - ابتکارهایی را پیدا کنید برای جذب کردن مجموعه‌های دانشجویی. البته جذابیت از راه اردوی مختلط، صددرصد غلط و خطا است. بعضی‌ها این‌جوری جذابیت می‌خواهند ایجاد کنند. یک مجموعه‌ی دانشجویی، حالا یا به‌عنوان پُرطمطراق مجموعه‌ی صنفی و علمی و تخصصی، یا حتی زیر عنوان اسلامی، دختر و پسر را با هم بردارند ببرند کوه، بردارند ببرند سفر، بردارند ببرند اروپا؛ اردوهای خارج از کشور! اینها قطعاً خیانت به محیط دانشجویی است و خیانت به نسل آینده‌ی کشور است؛ بدون تردید. راه جذابیت اینها نیست. همچنان‌که گفتند، بنده هم تأکید کردم، راه جذاب کردن مجموعه‌های شما این نیست که کنسرت موسیقی راه بیندازید. گفتم که یک‌روزی - سالها پیش البته - تشکلهای دانشجویی یک‌چنین کاری را کردند. برای ما سؤال ایجاد شد که این مجموعه‌ی دانشجویی چرا این کار را میکند؟ خیلی برای من تعجب‌آور بود. [وقتی که] پرسیدیم، گفتند میخواهیم دانشجویان را جذب کنیم. خب چوبش را بعداً خوردیم.^{۵۷}

۵۷ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰



بنای دانشگاه در کشور ما از ابتدا يك بنای غیر دینی بوده است باید دین را در دانشگاه‌ها زنده کرد

دین را باید در دانشگاه‌ها زنده کرد. دانشگاه ما بی‌دین متولد شده است؛ این که روشن است. دانشگاه به سبک کنونی، از ابتدا بی‌دین متولد شده؛ یعنی طراحی کردند که دانشگاه، بی‌دین زاییده بشود. این معنایش آن نیست که فلان مؤسس يك دانشگاه، آدم متدینی بوده یا نبوده؛ اصلاً به آن ربطی ندارد؛ بنای دانشگاه، يك بنای غیردینی، بلکه ضد دینی بوده است؛ مثل روشنفکری کشور ما، که از ابتدا بی‌دین متولد شده است.^{۶۰}

دانشگاه‌ها بیگانه و جدای از دین، فاجعه‌ای غیر قابل جبران

اگر دانشگاه، بیگانه و جدای از دین باشد، این يك فاجعه‌ی غیر قابل جبران است. غیر قابل جبران، به این معناست که جبران آن، بسیار بسیار تلفات خواهد داشت و مشکلات فراوانی به بار خواهد آورد؛ تا يك وقت آیا جبران بشود، یا نشود.

خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازیش بایستی صحیح حرکت بکند و انسان‌باب هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد؛ و الا اگر ما بخواهیم انسان فقط عالم بسازیم - منهای آرزوهای مقدسی که يك ملت و بخصوص مسلمین دارند - بهتر همین است که دانشجویانمان را گروه گروه به کشورهای بی‌دین بفرستیم. علمیشان مجهزتر و مدرن‌تر از ماست، روانه کنیم؛ آن‌جا بروند یاد بگیرند و بیایند! هدف این نیست. هدف این است که کشور به دست انسان‌های صالح از لحاظ علمی و فکری، در جهت هدف‌های خودش حرکت کند؛ و این نخواهد شد، مگر آن وقتی که این انسان‌ها خودشان، آن هدف‌ها را شناخته و قبول داشته باشند.^{۶۱}

محیط دانشگاه باید محیط دینی و دانشجو باید متدین باشد

مسئله‌ی دین در دانشگاه‌هاست. دین، به همین معنای تدین، مورد نظر است. آن تفسیر غلط روشنفکری از دین و همان تصوراتی که بعضی‌ها داشتند و کجرویها و کج‌فهمی‌هایی که در مسائل دین بوده، آن را نمی‌گوییم. تجربه نشان داد که آن تصورات،

۶۰- همان

۶۱- همان



يك پول سیاه هم ارزش ندارد. من عمرم را در همین چیزها صرف کرده‌ام؛ از دور حرف نمی‌زنم. دین به معنای تدین، یعنی پایبندی به احکام اسلامی، قبول، اذعان و تسلیم. روایت هم دارد، قرآن هم همین است: «انّ الدّین عندالله الاسلام». اسلام یعنی چه؟ «من اسلم وجهه لله» یعنی چه؟ یعنی صورتت را تسلیم خدا کن. این، دین است. مظهرش در مورد احکام شرعی، همین است دیگر. آیا دانشگاه‌های ما این‌گونه‌اند؟

علتش این است که کسانی دانشگاه را بنیانگذاری کردند که اساس دین را، نه که قبول نداشتند - بالاتر از این بود - می‌خواستند اصلاً دین را ریشه کن کنند. می‌بینید دیگر. مگر غیر از این است؟ این، تاریخچه‌ی دانشگاه است. این، تاریخچه‌ی فرهنگ اروپایی در کشور ماست. کسانی که آن فرهنگ را آوردند، اعتقادشان این بود که این‌ها حرف‌های مفتی است! روشنفکری جدید، اصلاً این‌طوری متولد شد؛ ضد دین و مخالف با دین و عازم بر قلع و قمع دین. دانشگاه هم که طبعاً زایشگاه و پرورشگاه همین روشنفکری جدید اروپایی بود. بنابراین، فضا، فضای غیردینی شد. این فضا، متعلق به دانشگاه وابسته‌ی به غرب، پرداخته‌ی صنعتی غرب و ساخته شده‌های آن دیار بود؛ اما دانشگاه اسلامی چه؟

همه‌ی آن مطالبی که راجع به علم و این حرف‌ها گفتیم، آن وقتی معنا پیدا می‌کند که این عالمی که شما درست می‌کنید، متدین باشد؛ و الا اگر عالم بی‌تدین بخواهید، هست. به آمریکا و انگلیس و فرانسه بروید، این‌قدر علمای بزرگ و دانشمندان عالی‌مقام - که حالاً‌حالاها مانده شماها به آن‌ها برسید - هستند؛ اما بی‌دین، ضد دین، ضد آرمان‌ها و اهداف ما. مگر ما می‌خواهیم آن‌طوری عالم درست کنیم؟ مگر جمهوری اسلامی می‌خواهد عالم بی‌دین درست کند؟

برای ایجاد محیط دینی در دانشگاه، از کلمه‌ی تعصب نترسید

هر کسی در دانشگاه - فرقی نمی‌کند که این تشکیلات شما، يك تشکیلات پزشکی باشد یا غیر آن - فکرش این باشد که این حرف‌ها را رها کنید و حالا بگذارید درسشان را بخوانند، این فکر، غلط و مردود است. باید درسشان را با تدین بخوانند. تدین، چیزی نیست که برایش زمانی بگذاریم و بگوییم حالا این مدت را درس بخواند،



ارزش‌های اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار گیرد

ارزش‌های اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار بگیرد، اسلام در دانشگاه غریب نباشد عمل و تعهد اسلامی یک چیز انگشت‌نما نباشد، نماز، امانت، صدق گفتار، صفا، برادری، عمل جهادی، درس خواندن از روی علاقه و صمیمیت، کمک به یکدیگر در فراگیری، تلاش برای تعمق در معلومات و دانش‌های مختلف رایج باشد.^{۶۵}

دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم افزاری همه جانبه در اختیار کشور قرار دهد

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی مُنزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلاجی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد.^{۶۶}

در تمام زمینه‌ها و به خصوص در زمینه علوم انسانی به تولید علم نیاز داریم

مسئله تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و ... نیست، بلکه شامل همه علوم و از جمله علوم انسانی است. ما بخصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی،

۶۵ - بیانات در دیدار جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه‌ها، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۹/۹/۲۸

۶۶ - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹

بعد شروع به تدین کند! تدین که این نیست. تدین، جزو وجود و ذهن انسان است، با انسان رشد می‌کند، شکوفایی پیدا می‌کند و در تمام حرکات انسان اثر می‌گذارد. دین که بیگانه‌ای از زندگی نیست. دین، در یک کلمه حرف زدن، در یک اشاره، در یک موضعگیری، تأثیر می‌گذارد. انسانی که معتقد به دین است، مگر می‌تواند مدتی بی‌دین زندگی کند؟ محیط دانشگاه، باید محیط دینی باشد. باید این را تأمین کنیم.^{۶۲}

محیط دانشگاه را به گونه‌ای آماده کنید که حزب الهی در آن رشد کند.

باید در محیط دانشگاهی خودتان، اسلام را به حد اعلی پاس بدارید. کاری کنید غریبه‌ها - آن‌هایی که از انقلاب و اسلام غریبه‌اند - احساس نکنند که کار زیر نگیں آن‌هاست؛ حرف من، این است ... محیط را محیطی بکنید که حزب الهی در آن محیط رشد کند.

باید کوشش بکنید که جناح حزب الهی کشور، دانشگاه، مدیریت یعنی آن که خودش را متعلق به این انقلاب می‌داند، برای انقلاب و این ملت دل می‌سوزاند، هیچ وظیفه‌ای هم برای خودش، جز خدمت به این کشور و این انقلاب قائل نیست، احساس کند که در این جا خودی است.^{۶۳}

اجازه ندهید در محیط دانشگاه‌ها نسبت به حجاب اسلامی بی‌احترامی کنند

در محیط دانشگاه‌ها، خانم‌های دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند اجازه ندهید به کسانی - اگر خدای نکرده در دانشگاه‌های کشور هستند - که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که این‌ها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگوش فاطمه زهرا سلام الله علیها است. و این، برای آینده کشور فوق العاده مهم است.^{۶۴}

۶۲ - بیانات در دیدار وزیر و مسؤولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۶۹/۵/۲۳

۶۳ - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا ۱۳۷۰/۹/۲۰

۶۴ - بیانات در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶



روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به‌صورت فرمولهای تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار ننگرفته‌ایم؛ در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم.^{۶۷}

دانشگاه‌ها باید به صورت عملی به علم اهمیت بدهند

دانشگاه‌ها باید به علم اهمیت بدهند. اهمیت دادن، فقط یک امر قلبی نیست؛ عمل لازم دارد. این عمل، مقدمات و برنامه‌ریزی و اهتمام شدید لازم دارد. مایه گذاشتن از وقت و امکانات دانشگاه برای هر کار غیرعلمی، به‌طور طبیعی از این اهتمام علمی خواهد کاست. حالا یک وقت آن کار، لازم و در حد ضرورت است، مانعی ندارد؛ اما افراط در آن کارها، به گرایش علمی و حرکت علمی و سازندگی و به دنبالش بالندگی علمی که ما به آن نیاز داریم، لطمه خواهد زد.^{۶۸}

کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد

من در یکی از جلسات دانشجویها گفتم شما فکر این را بکنید که پنجاه سال دی‌گر کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن‌قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین‌طور که امروز زبان انگلیسی عمدتاً به برکت پیشرفت فناوری آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمی‌تان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر

۶۷- بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۸/۸

۶۸- بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷



همت بگماریم، قطعی است.^{۶۹}

علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت

و من اصرارم بر این است که هر وقت ما برای پیشرفت علم کار می‌کنیم، این را فراموش نکنید که علم و دین توأمان‌اند. علم مجرد از دین و دور از دین ولو در گام اول در کوتاه‌مدت یک کشوری را به یک نقطه‌ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت برای بشریت زیانبار است؛ کما اینکه دارید می‌بینید که زیانبار است.

علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه‌اش همین می‌شود که امروز در دنیا رائج است؛ علم وسیله‌ی زورگوئی است، وسیله‌ی استثمار است، وسیله‌ی تخریب حرث و نسل است و محصول علم، بمب اتم است از یک طرف؛ از طرف دیگر، محصول علم، این مواد مخدر کذائی است؛ محصول علم، روی کار آمدن سیاستمداران دور از همه‌ی احساسات انسانی است در خیلی از کشورهای دنیا. علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیم اولیه‌ی ما باید باشد؛ در همه‌جا. و توفیقات این علم هم بیشتر است؛ این را به شما عرض بکنم. نگویند اگر علم را مقدس کردیم و با دین همراه کردیم و مؤمن‌کاری درآوردیم، دیگر پیشرفت نمی‌کند؛ نخیر، الان همین خود جهاد دانشگاهی شما، همین مجموعه کارهای شما - که به وسیله‌ی عناصر مؤمن این همه کار بزرگ انجام گرفته - نشان دهنده‌ی این است که علم وقتی با ایمان همراه باشد، توفیقاتش هم بیشتر خواهد بود.^{۷۰}

تولید علم

تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این‌که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست.^{۷۱}

۶۹- بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۷/۳

۷۰- بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان، ۱۳۸۶/۴/۲۵

۷۱- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶

**بسیج وارد عرصه‌ی علم بشود یا نشود؟**

این هم که سؤال بکنیم آیا، این از همان سؤال‌هایی است که تعجب من را بر می‌انگیزد! چرا نشود؟! بسیج باید جلوتر از همه وارد عرصه‌ی علم بشود. شما باید بروید و عرصه‌های علمی را، عرصه‌های فناوری را، نوآوری‌های علمی و آفاق شناخته‌نشده‌ی علم را تصرف کنید. البته درس‌نخوانده و کارنکرده نمی‌شود؛ این هم راه دارد و بعد عرض خواهم کرد.

فرق این تشکل با تشکل‌های دیگر چیست؟ چون در بین تشکل‌های دیگر هم تشکل‌های مؤمن، انقلابی و علاقه‌مند هستند. فرق این تشکل با تشکل‌های دیگر این است: بسیج به معنای فرد یا مجموعه‌ی آماده‌ی برآوردن نیازهای انقلاب است، در هر زمان و از هر نوع؛ این معنای بسیج است. تشکلی به این نام تشکیل شده و شما عضو او هستید. اگر دیگری در یک سازمان دیگر است و همین احساسات شما را دارد، او هم بسیجی است و فقط رسماً جزو سازمان شما نیست. کما این که در محیط کارگاه، هر کس این احساس را دارد بسیجی است. در محیط روحانیت و حوزه‌ی علمیه، هر کس این احساس را دارد بسیجی است. در محیط بازار و در محیط اداره و در محیط روستا، هر کس این احساس را دارد بسیجی است؛ این احساسی که فردی آماده است در هر زمان و در هر عرصه‌ای که به او نیاز باشد، حضور پیدا کند.

من که عرض می‌کنم: افتخار خود من این است که یک بسیجی باشم؛ سعی کرده‌ام این‌جوری عمل کنم. سال آخر ریاست جمهوری - دو، سه ماه مانده بود به آخر ریاست‌جمهوری من - در یکی از دانشگاه‌ها برای یک جمع دانشجوی صحبت می‌کردم و به سؤالات پاسخ می‌دادم؛ یکی از سؤالات این بود که شما بعد از ریاست‌جمهوری قصد دارید چه کار کنید و شغلتان چه باشد؟ گفتم: اگر امام به من بگوید برو بشو رئیس عقیدتی سیاسی فلان پاسگاه مرزی منته‌الیه جنوب شرقی کشور، من با افتخار می‌روم آن‌جا و مشغول خدمت می‌شوم! اگر این کار از من برمی‌آید و این کار را از من می‌خواهند، من حاضرم و به آن‌جا می‌روم؛ توطین نفس کردم. این را از باب اینکه شما فرزندان من هستید، به شما دارم می‌گویم. صحبت پدرفرزندی است؛ نمی‌خواهم راجع



به خودم صحبت بکنم. هر جا و در هر زمانی به شما نیاز هست، آن‌جا حاضر باشید. این می‌شود بسیجی؛ بسیج یعنی این. البته بعضی‌ها صددرصد بسیجی‌اند، بعضی صددرصد نیستند: نوددرصد، هشتاددرصد. کشور ما و نظام ما به این احتیاج دارد و این چیزی که مورد احتیاجش هست، خوشبختانه دارد. راز ایستادگی ما این است؛ راز امید ما به آینده هم همین است. هیچ نقطه‌ی کوری در چشم‌اندازِ مقابل ما وجود ندارد. چرا؟ به خاطر همین.^{۷۲}

طرفدار دانشگاهی هستم که اعتلا طلب، فعال و از لحاظ علمی و فکری پرنشاط باشد.

بنده طرفدار دانشگاهی هستم که اصولی، اعتلا طلب، روبه مردم، فعال و از لحاظ علمی و فکری پرنشاط باشد. هرگز من دانشگاه و دانشگاهی را به محافظه‌کاری و اکتفا به آنچه که امروز از فکر و فرهنگ و معرفت در دست دارند، توصیه نمی‌کنم نه، دانشگاه باید دائم نردبان تعالی را طی کند و پیش برود. من معتقدم محافظه‌کاری و اکتفای به آنچه که داریم و نداشتن همت و بلند پروازی در همه زمینه‌های فکر و فرهنگ، قتلگاه انقلاب است. انقلاب اساساً یعنی گام بلند، که پشت سرش باید گام‌های بلند دیگری برداشته شود. باید مفاهیم را درست فهمید و دانست و با حیطة بندی درست مفاهیم باید حرکت کرد.^{۷۳}

راه علم، راه تقویت اراده، راه خلاقیت و سازندگی، راه رشد و تکامل را جوان ایرانی باید بییماید. هر مقدار ما از معارف اسلامی فاصله بگیریم، از مجاهدت و تلاش و تکاپو دست برداریم، ضرر خواهیم کرد و به همین نسبت در این نبرد تاریخی مرگ و زندگی، عقب خواهیم رفت؛ ضربه خواهیم خورد.^{۷۴}

دانشگاهی که در آن نبض انقلاب نزند، تضمین کننده آینده کشور نیست

بارها در مجامع دانشجویی گفته‌ام که در این نظام مردمی، دانشجویان که طبقه‌ی پیشرو

۷۲ - بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۳۱

۷۳ - بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹

۷۴ - بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۶/۸/۹



و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره‌ی اجتماع هستند، باید در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر نقش و اثر داشته باشند. این تأثیر، با دو عاملی که باید در کنار هم باشند، تحقق پیدا می‌کند:

عامل اول، درس و علم و تحصیل است، تا نام دانشگاه و دانشجو و استاد و معلم معنا پیدا کند و امیدهایی که برای آینده‌ی کشور ترسیم می‌شود، پوچ و واهی و باطل نباشد. جوان‌ها باید خوب درس بخوانند و اساتید هم باید آن‌ها را تربیت کنند و آینده‌ی علمی و عملی کشور را تأمین و تضمین کنند. در کنار تحصیل، نقش تحقیقات، نقش فوق‌العاده مهمی است که باید مسؤولان به آن بپردازند.

بنابراین، عنصر اول، عنصر درس و علم است که نمی‌شود آن را دست کم گرفت و نقشش را کوچک انگاشت و به آن بی‌اعتنایی کرد. برادران و خواهران عزیز دانشجوی من، به این نکته توجه کنند. هیچ چیز نباید موجب شود که در حرکت علمی آن‌ها، اندک توقف و تعللی به وجود آید. دشمن این را می‌خواهد. نباید بگذارید او به اهدافش برسد. علی‌رغم خواست دشمن، باید حرکت علمی در کشور شکوفا و امیدبخش و آینده‌نگر باشد.

عامل دوم، جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام (ره) و وصیت‌نامه‌ی ایشان، به این نکته‌ی اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لایبالی و بیگانه از ارزش‌های دینی و بی‌تفاوت و خونسرد نسبت به مفاهیم و جهت‌گیریهای انقلابی، دانشگاهی که در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد - نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیشقراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام (ره) باشد.^{۷۵}

باید محصول دانشگاه‌های ما دانشجوی انقلابی مثبت، فعال و متعهد باشد.
ما از اوّل انقلاب دوگونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا کردند.

۷۵- سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۳/۲۳



بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که دردسری داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر می‌خواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند می‌شوند، وارد نمی‌شدند.

يك عده هم انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می‌کردند وجودشان می‌تواند کمکی بکند، با همه وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، يك‌طور؛ اگر دانشگاه بود، يك‌طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می‌شدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر يك وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی‌بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می‌گیرد؛ کآنه در هیچ کاری مسؤولیت ندارد! انقلابی مثبت حتی اگر هیچ‌کاره هم باشد، خودش را مسؤولترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود.

من می‌خواهم به شما عرض کنم: عزیزان من! جوانان! انقلابی مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش دهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید. اگر شما در میدان باشید، آینده بسیار درخشانی در انتظار این کشور است.^{۷۶}

بهترین شیوه برخورد با منکرات

بستگی به این دارد که چه کسی بخواهد برخورد کند. اگر شما بخواهید برخورد کنید، «زبان» است. شما به غیر از زبان، هیچ تکلیف دیگری ندارید. نهی از منکر برای مردم، فقط زبانی است. البته برای حکومت، این‌طور نیست. اگر منکر بزرگی باشد، برخورد حکومت احیاناً ممکن است برخورد قانونی و خشن هم باشد؛ لیکن نهی از منکر و امر به معروفی که در شرع مقدّس اسلام هست، زبان است؛ «انما هی اللسان»

تعجب نکنید. من به شما عرض می‌کنم که تأثیر امر و نهی زبانی - اگر انجام گیرد

۷۶- بیانات در دیدار جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹



– از تأثیر مثبت پولادین حکومت‌ها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر، البته عده‌ای این کار را می‌کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان‌گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. يك کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟ البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است. بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌ها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید، «زبان» است.^{۷۷}

ضدیت با نظام، شایسته، دانشگاه نیست

جهت‌گیری آناشیستی، صددرصد مخالف با آن چیزی است که شایسته دانشگاه است. ضدیت با نظم و با هر چه می‌خواهد باشد – که بعضی این‌گونه‌اند – شایسته دانشگاه نیست. البته وظیفه عمده همه – دانشجو و غیردانشجو ندارد – در درجه اول، دفاع از نظام اسلامی است. این را هم به شما بگویم: من به خاطر این‌که خودم عضو نظام و مسؤولی در نظام هستم، این را نمی‌گویم؛ نه، بنده همان طلبه‌ام، این را گفته باشم.^{۷۸}

اینکه من اصرار دارم محیط دانشگاه محیط هوشیاری و محیط سیاسی باشد برای این است که

اینکه من اصرار دارم محیط دانشگاه، محیط آگاهی و هوشیاری و کار در ذهنیت سیاسی

۷۷- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲

۷۸- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷



باشد، برای این است که دانشجو باید از جریان‌های موجود جهانی مطلع باشد و شما به خاطر خصوصیت جوانی، راحت تر می‌توانید عمق آن جریان‌ها را حس کنید.^{۷۹}

محیط دانشگاه باید سیاسی باشد، یعنی چه؟

باید محیط دانشگاه، محیط سیاسی باشد. محیط سیاسی یعنی چه؟ یعنی درس نخواندن و شعار سیاسی بدهند؟! ((یعنی زنده باد))، ((مرده باد)) کنند؟! بگویند فلان رئیس دانشگاه، فلان کس یا فلان چیز را نمی‌خواهیم و فلان چیز را می‌خواهیم؟! آیا معنایش این است؟! نخیر؟! سیاسی بودن یعنی دانشجو از آنچه که در جهان و در کشور خودش می‌گذرد، آگاه باشد، بینش داشته باشد. اگر این نشد ممکن است فردی به حد اعلا‌ی علم هم برسد، خیلی هم متدین باشد، اما دشمن او را به قیمت بسیار ارزانی بخرد! او را زیر بال خودش بگیرد.^{۸۰}

مسأله‌ی ورود در سیاست

راجع به مسأله‌ی ورود در سیاست بحث شد. من حالا مطالبی عرض خواهم کرد و امیدوارم که این معنا روشن بشود. به نظر من سؤال ندارد! مگر مجموعه‌ی بسیجی – آن هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب – می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجوی‌های بسیجی را توصیه می‌کنم به این‌که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی – به همان معنای مثبت و پُر خون و پُر تپش – باقی بمانید. البته دنباله‌ی این‌که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجو بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجو هم فقط بیزاری از آمریکا نیست. آمریکا چیست؟ آمریکا به معنای يك منطقه‌ی جغرافیایی یا يك ملت مطرح است؟ یا نه، به عنوان يك حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در

۷۹- بیانات در دیدار جمعی از تشکل‌های دانشجویی کشور در قم، ۱۳۷۴/۹/۱۸

۸۰- بیانات در دیدار با دانشگاهیان و فرهنگیان استان کهگیلویه و بویر احمد، ۱۳۷۳/۳/۱۸



دارم.^{۸۱}

اهمیت تحرك سياسي در دانشگاه و خصوصيات آن

تحرك سياسي در دانشگاه، واجب و لازم است. اصلاً نباید از آن اجتناب کرد و نيايستی از آن ترسيد، و نيايستی اجازه داد که خاموش بشود.^{۸۲}

منتهاي معنای تحرك سياسي، آن چيزی که بعضی می‌فهمند و کج و بد می‌فهمند، نيست! بعضی می‌خواهند اين طور وانمود کنند که تحرك سياسي دانشجوها، يعنی يك حالت معارضه گرفتن در درون دانشگاه! يعنی در سنگر دانشگاه، معارضه ای نسبت به دولت و نظام به وجود بيايد! نه، اين خطا و کج انديشی و زشتی انديشی است! اگر کسی بخواهد اين گونه تحرك پيدا کند، البته اين خیلی بد است.^{۸۳}

دانشجو بايد فهم سياسي داشته باشد، تا فريب نخورد

من باز هم هميشه روی اين حرفم تکیه می‌کنم که دانشگاه بايد سياسي باشد، تا دانشجو فريب نخورد و وسيله ای برای کسانی نشود که می‌خواهند سر به تن نظام اسلامي و جمهوري اسلامي و هيچ کس ديگر نباشد! فقط دنبال قدرت‌اند، هر طور که می‌خواهد بشود! به قول معروف برای يك دستمال، حاضرند قيصریه را آتش بزنند!^{۸۴}

دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش آفرینی متحجران سياسي

دانشگاه مرکز علم و آگاهی است. هر چيزی که مزاحم علم و آگاهی باشد، جایش در دانشگاه نيست. دانشگاه ضربه اساسی را از همين دخالت‌ها و نقش‌آفرینی متحجران سياسي در محيط‌های دانشجویی می‌خورد. دانشگاه بايد محيط کار علمی و تحقيقي باشد. دانشگاه بايد جایی باشد که در آن امکان فريب، تقلب و مغلظه‌بازی يا وجود نداشته باشد يا کم وجود داشته باشد. بايد آن کسانی که غوغا زيستند و اصلاً در فضای

۸۱- بيانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۳۱

۸۲- بيانات در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۶

۸۳- همان

۸۴- بيانات در دیدار دانشجویان و مسئولین دانشگاه تبریز، ۱۳۷۸/۶/۲۷

کار تبليغات و جنگ روانی. بيزاری از اين، بيداری مضاعف لازم دارد. مثل بيداری در ميدان جنگ نظامی نيست که شما اگر در سنگر بيدار باشيد، به مجردی که دشمن کوچک‌ترين تحركی نشان داد، او را هدف قرار بدهيد. در جنگ فرهنگي، در جنگ سياسي، در جنگ امنيتی، تحرك دشمن را درست نمی‌توان ديد. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتيب می‌دهد که حرف حقی، از زبان يك نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد اين حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. اين پازل از صد يا دويست قطعه تشکيل شده؛ يك قطعه‌اش هم همين حرف حقی است که آن شخص بايد بزند تا اين پازل را کامل کند! اينجا اين حرف حق را نبايد زد. پازل دشمن را کامل نبايد کرد. در اين حد هوشياری لازم است! بله، وارد سياست بشويد و فکر سياسي کنيد؛ اما بسيار هوشياری دشمن نبايد بتواند از هيچ حرکت و اظهار و موضعگيري شما استفاده کند. اين، اصل اول و يك خط قرمز است.

چه‌طور دشمن را بشناسيم؟ چه‌طور تمايلات او را کشف کنيم؟ چه‌طور بفهميم که اين کار به نفع دشمن يا به ضرر دشمن است؟ اين همان نقطه‌ی اساسی است. اين همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشياری و بيداری کامل احتياج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نيست، آن جا نبايد حرکت کند. اگر ديديد زير پا محکم است، پا بگذاريد؛ اگر ديديد مشکوک است، پا نگذاريد. بنابر اين محافظه‌کار نباشيد، اما هوشياری باشيد؛ اين، آن خط سياسي است. البته سخت است و آسان نيست؛ اما شما هم مرد کار سختيد؛ بسيجی هستيد و بايد اين کار سخت را به عهده بگيريد.

ممکن است فلان تشکيل ديگر دانشگاهی اين ظرفيت را نداشته باشد که حتی اين حرف را بشنود؛ اما شما بعنوان بسیج، بايد اين ظرفيت را داشته باشيد که اين کار را بکنيد؛ تفاوت شما اينقدر است. دانشجوی عزيز تبريزی‌مان، خیلی خوب و جمعبندي شده حرف زد. اينجور ذهنيت‌ها - جمعبندي کردن و مطالب را از بالاسر خطوط سياسي و جناح بازی‌ها ديدن - همان چيزی است که من از دانشجوی بسیجی توقع



غوغا می‌توانند زندگی کنند و بدون فضای غوغا زندگی برایشان مشکل است، نتوانند در دانشگاه نقش ایفا کنند. این انتظار از دانشگاه و جوانان دانشجوی و اساتید و مدیران دانشگاه هست که آن را عملی کنند. راهش هم این است که کار را با تکیه به همان پایه آگاهی انجام دهیم.^{۸۵}

کرسی‌های آزاد اندیشی

یک نکته‌ی دیگری که یکی از دانشجویان عزیز گفتند، [این بود که] کرسی‌های آزاداندیشی به معنای واقعی کلمه تشکیل بشود. کاملاً درست است؛ من موافقم که کرسی‌های آزاداندیشی تشکیل بشود. ما که گفتیم کرسی آزاداندیشی، از اول نظرم آن همین بود؛ کسی بیاید و نظر مخالف خودش را هم بگوید؛ منتها شما جوان دانشجوی انقلابی مسلمان ولایتی، آن قدرت منطق و قوت استدلال را پیدا کنید که بتوانید قشنگ بروید با خونسردی در مقابل او قرار بگیرید و استدلال او را باطل کنید؛ این خوب است، این درست است. و این امروز ممکن است؛ [شاید] ده سال پیش، دوازده سال پیش، پانزده سال پیش این کار ممکن نبود، امروز ممکن است. امروز جوانهایی که در حوزه‌ی دیانت فعالیت میکنند و توانایی‌های خوب فکری دارند، فراوانند؛ اشکال ندارد. البته یک آداب و ترتیبی دارد؛ یعنی کرسی آزاداندیشی یک ترتیبات و آدابی دارد که باید عقلای مسئولین دستگاه‌ها بنشینند این ترتیب و آداب را - که بتوانند درست هدایت کنند این کرسی‌ها را که کار خودش را انجام بدهد - مشخص کنند.^{۸۶}

باید روحیه عدالت خواهی را در دانشجویان تقویت کنیم

جوان دانشجوی احساساتش در درجه‌ی اول متوجه عدالت خواهی است. آنچه بیش از همه چیز دانشجوی را به خود متوجه می‌کند، عدالت خواهی است؛ این جهت را در او تقویت و تحکیم کنید.^{۸۷}

۸۵ - بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷

۸۶ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰

۸۷ - بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷



معنای اسلامی کردن دانشگاه‌ها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک معنای عمیق و وسیع و جامعی دارد؛ و به اعتقاد من، از نان شب برای دانشگاه‌ها واجب تر است!^{۸۸}

اگر بخواهید دانشگاه، علمی هم بشود، باید اسلامی بشود؛ از شاخصه‌های اسلامی شدن، علمی شدن و عمیق شدن است، خودباور بودن استاد و دانشجو است، اتکا به نفس داشتن استاد و دانشجو است. همه مسئله این نیست که حالا یکی با آستین کوتاه بیاید، یکی با چادر یا موی پیدا بیاید! مسائل اسلامی کردن که این نیست! البته یکی از خصوصیات دانشگاه اسلامی این است که تدین در آن، وجه غالب است؛ چون جامعه ما جامعه اسلامی است و تدین در آن، وجه غالب است.

آیا معنای اسلامی بودن این است که اصلاً آدم بی دین و آدم غیر دینی در جامعه نیست؟ آدم متظاهر به دین نیست؟ چرا، هست؛ آیا کسی آن‌ها را مجازات می‌کند؟ آیا کسی حتی افراد غیر متدین و غیر مسلمان را معاقب به عقوبتی می‌کند؟ تعقیب می‌کند؟ پس این طور نیست؛ باید دین، وجه غالب باشد. معنای اسلامی بودن دانشگاه هم همین است؛ متدین بودن دانشگاه، یعنی این؛ و تازه متدین بودن، یکی از ابعاد اسلامی بودن دانشگاه است، نه همه‌ی آن.

اسلامی بودن دانشگاه، یعنی دانشگاهی که بتواند علم را در خود بجوشاند؛ همچنان که اسلام، یک روز در بین مردم این حالت را به وجود آورد، در حالی که با علم، هیچ رابطه‌ای نداشتند!

اسلام برای علم، عزت و شرف اصیل قائل است، نه شرف ابزاری؛ و علم را نور می‌داند. خوب، اگر اسلامی شد، این تفکر در دانشگاه خواهد آمد. در زمینه‌ی علوم اسلامی به یک صورت، و در زمینه علوم دیگر، به صورت دیگر. ما حتی در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی، گاهی می‌بینیم چیزهایی هست که درست بر ضد آن چیزی است که باید باشد! یعنی در آن، وارفتگی در مقابل بیگانه، بی‌عزمی در مقابل تهاجم و تسلیم در مقابل دشمن، تعلیم داده می‌شود! خوب، این درست نیست، این درست

۸۸ - بیانات در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۶



ضد اسلامی بودن است!

اسلامی بودن، یعنی ایستادگی بر روی اصول و پایه‌های مستحکمی که زیر پای اندیشه و فکر انسان وجود دارد؛ و بر اساس آن، بنا کردن، پیش رفتن، جوشیدن و زاییدن. این، اسلامی کردن است. دانشگاه اسلامی، دانشگاهی شکوفا و پرنشاط است؛ دانشگاهی است که در آن، علم عزیز است! عالم عزیز است، استاد کرامت دارد و دانشجویی عبادت است! شما کجا چنین چیزی را پیدا می‌کنید که دانشجو قصد قربت کند و درس بخواند. خوب، این‌ها چیزهای خیلی مهمی است، این، دانشگاه اسلامی است.

البته عرض کردیم که يك بعد آن هم تدین است؛ یعنی مظاهر فساد و مظاهر فسق در آن جا وجود نداشته باشد. همان چیزهایی که جزو بینات و واضحات است. مسئله دختر و پسر، مسئله بعضی از منکرات و بعضی از محرمات، باید نباشد؛ مثل داخل جامعه و خانه‌ی من و شما که نباید باشد، در داخل دانشگاه هم نباید باشد.^{۸۹} باید همکاری و وحدت حوزه و دانشگاه را قدر بدانیم و آن را روز به روز تقویت کنیم.^{۹۰}

برگزاری اردوهای دانشجویی مختلط کار بسیار بی‌قاعده و غلطی است

در مناطقی از دنیا، معاشرت دختر و پسر و زن و مرد با یکدیگر، کاملاً عادی است و هیچگونه حساسیتی وجود ندارد؛ یعنی همانطور که دو مرد و یا دو زن با یکدیگر تماس دارند، دو تا زن و مرد هم با هم تماس دارند؛ اما در کشور ما و در محیط اسلامی، مطلقاً اینطور نیست. در کشور اسلامی، هر قدر به این جهت نزدیک شده‌ایم، به خاطر رنگ پذیری از فرهنگ بیگانه بوده است. چون آن‌ها از لحاظ تکنولوژی قوی تر از ما بوده‌اند، این را به ما داده‌اند؛ و الا اگر ما از لحاظ علم و تکنولوژی از اروپا قوی تر بودیم، اختلاط آن‌ها را مسخره و مچل می‌کردیم و آن را وحشیگری می‌خواندیم. آن‌ها به برکت علم و تکنولوژی، این فرهنگ را صاعد و رایج کرده‌اند؛ آن وقت ما در

۸۹- بیانات در دیدار روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۶

۹۰- بیانات در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵



دانشگاه‌های خود، این را ترویج کنیم؟!^{۹۱}

اهمیت کار فرهنگی در دانشگاه‌ها

ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم؛ نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن. فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگی است. فرهنگ، یعنی خلیات و ذاتیات يك جامعه و بومی يك ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش؛ این‌ها تشکیل دهنده‌ی مبانی فرهنگ يك کشور است؛ این‌هاست که يك ملت را یا شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند، یا سرافکنده و ذلیل و فرودست و خاک‌نشین و فقیر می‌کند. فرهنگ، عنصر خیلی مهمی است. ما نمی‌توانیم از فرهنگ و رشد فرهنگی و پرورش فرهنگی صرف‌نظر کنیم. فرهنگ هم مثل علم است؛ فرهنگ هم گیاه خودرو نیست. همه‌ی آنچه شما از نشانه‌ها و مظاهر فرهنگی در جامعه‌ی خودتان و در هر نقطه‌یی از دنیا می‌بینید، بدون تردید این بذر را دستی افشاند است. البته انسان بعضی از دست‌ها را می‌بیند، اما بعضی از دست‌ها را نمی‌بیند؛ از داخل خانه، تا درون مدرسه، تا فضای خیابان، تا رادیو و تلویزیون، تا ماهواره، تا تبلیغات جهانی، تا اینترنت، و از این قبیل چیزها. فرهنگ، هدایت و پرورش دادن می‌خواهد. بنابراین در دانشگاه‌ها کار فرهنگی بسیار مهم است.^{۹۲}

نسل جدید انقلاب و مأموریت این نسل

گفتند که نسل جدیدی در حال ظهور است. این کاملاً درست است. این نسل که شما می‌گوئید دارد ظهور می‌کند، این را هم من کاملاً قبول می‌کنم؛ تصدیق دارم و آن را حس می‌کنم.

سؤال می‌شود که مأموریت این نسل چیست؟ الزاماتش چیست؟ کی می‌خواهد او را پیش ببرد و هدایت کند؟ این‌ها سؤال‌های خوبی است. به نظرم می‌رسد این سؤال‌ها سؤال است، لیکن ابهام نیست. پاسخ به این سؤال‌ها معلوم است. انقلاب برای ایجاد

۹۱- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶

۹۲- بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷



يك دولت به جای دولت که به وجود نیامد، برای ایجاد يك نظام، يك مجموعه‌ی ملی و انسانی بر اساس يك تفکر به وجود آمد.

آن تفکر، تفکر اسلام است. ادعای ما این است – که این ادعا را اثبات هم می‌کنیم و ثابت شده است؛ قطعی است – ما معتقدیم راه سعادت انسان‌ها به دست تعالیم انبیاء است، که کامل‌ترینش هم تعالیم اسلام است.

بشر منهای تعالیم انبیاء حتی پیشرفت مادی هم در این حدی که پیدا کرده، پیدا نمی‌کرد؛ چه برسد به تعالی معنوی و بهجت معنوی و آرامش و آسایش روانی که زمینه‌ساز عروج اوست به معارج والای ملکوتی انسان. راه سعادت انسان این است. برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، يك حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد.

جامعه‌ی اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل يك نظام اسلامی، بلکه تشکیل يك واقعیت و يك مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام – که لب لباب تعالیم انبیاء است – زندگی می‌کنند و آثارش را احساس می‌کنند. این هدف ماست. خوب، ما به این هدف هنوز نرسیدیم، توقع هم نبود که در ظرف سی سال برسیم. این هدف، هدف خیلی طولانی مدتی است. باید تلاش کرد، باید کار کرد تا به این هدف رسید؛ شما مسئولیت‌تان این است. **مأموریت این نسل این است؛ کشور و ملت‌تان را به آن جایگاهی که معنایش این باشد که يك جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی تشکیل شده، برسانید. این را الگو کنید.** این می‌شود بزرگ‌ترین وسیله برای گسترش این فکر و گسترش این تجربه در عالم؛ این مأموریت این نسل است. ۹۳

دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو

دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو هست، که هیچکدام نبایستی مغفول‌عنه بماند؛ اگر مغفول‌عنه ماند، ما ضرر خواهیم کرد: یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادهای علمی و این قبیل چیزهاست؛ یکی هم عبارت است از روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو. در دانشگاه‌ها، این



دو عنصر بایستی بدون تفکیک از یکدیگر، با قدرت و با ظرفیت کامل کشور، تعقیب بشود. ۹۴

سه وظیفه اساسی شکل‌های دانشجویی

به نظر من سه وظیفه اساسی بر دوش شکل‌ها است:

یکی این که مجموعه‌ی دانشجویی را از لحاظ روحی و معنوی تغذیه کنند.....

آن دانشجویی که با خدا انس ندارد، آشنا نیست و هیچ رایحه‌ی ای از گلستان معنوی وجود انسان به مشامش نرسیده است، خیلی ناقص است. آن جوانی که با وجود داشتن دل شفاف و روح آماده، اصلاً لذت ذکر خدا را نچشیده، از نماز لذتی نمی‌برد. از دعا، ذکر، تضرع، گریه و انس با پروردگار عالم، از پیوند با زیباترین حقایق وجود – که وجود مقدس باری تعالی است – هیچ بهره‌ای نبرده است، این خیلی ناقص، محروم و قاصر است. شما در این جهت هم تعهد دارید که دل‌ها را روشن و با خدا آشنا کنید. انس با خدا را تعلیم بدهید و لذت ذکر را بچشانید.

اگر کسی لذت ذکر الهی و انس با خدا را چشید، بدانید که هیچ لذت دیگری به دهانش مزه نمی‌کند. همه‌ی این لذت‌های زود گذر دنیا – حتی عالی‌ترین لذات – به نظرش بچه گانه می‌آید. آن کسانی که اهل این چیزها هستند، آن‌ها صادق‌اند و به ما این چیزها را گفته‌اند. هر کسی هم ممکن است بالاخره در مدت عمرش، کم و بیش توفیقی پیدا کند و لذت ذکر الهی را لحظه‌ای درک بکند. این هدیه بزرگی است که شما باید به جوانان دانشجو بدهید. این جوان‌ها – دخترها پسرها – روح‌های آماده دارند. این‌ها را با نماز آشنا کنید. نماز يك بار بر دوش انسان نیست. بلکه يك لطف است. اگر خدا به من و شما اجازه نداده بود که با او حرف بزیم، ما چه کار می‌کردیم؟ اگر انسان اجازه نداشت زبان به دعا و مناجات باز کند، چه می‌کرد؟ چطور می‌توانست روح تشنه و گرسنه خودش را اشباع کند؟ چه چیزی غیر از انس با خدا می‌تواند این روح تشنه انسان را سیراب بکند؟..... چه کسی می‌خواهد این معنویات را به این جوان‌ها یاد بدهد و دست آن‌ها را بگیرد؟ این به عهده شما است. این وظیفه‌ی بزرگی



بعضی‌ها در داخل دانشگاه، به نام اسلام، کارشان این شده است که به ارزش‌های موجود جامعه، دست اندازی کنند. یا افراد، یا به جهت‌ها و امثال آن. بابا، به کار خودتان پردازید. در داخل دانشگاه، مهم‌ترین مسئله شما، دانشجویان هستند. غفلت و بی‌توجهی می‌کنند. البته اینی که ما می‌گوییم به کار دانشجویی پردازید، معنایش این نیست که دانشجویان به مسائل سیاسی جامعه پردازند؛ نه؛ باید حتماً به مسائل سیاسی جامعه و جهان پردازند. اگر شما سرتان را پایین انداختید، از همه چیز محروم خواهید ماند. باید سر بالا باشد، باید دید شما وسیع باشد. باید افق دید، کاملاً دور و فراگیر باشد. لیکن نباید از مسائل دانشجویی غافل بشوید.^{۹۵}

معنای نهضت نرم‌افزاری

چند سالی است که مسأله نهضت نرم‌افزاری را در محیط علمی کشور مطرح کرده‌ام. این، یعنی چه؟ یعنی ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به آن‌جایی که نوآوری‌های علمی در فضای موجود بشری، از آن‌جا شروع می‌شود. ما از لحاظ استعداد، نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند، گسترش دادند، پیش بردند و بر اساس دانش، فناوریهای پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم. البته تولید علم به معنای این نیست که ما ترجمه و فراگیری را نفی کنیم؛ نه، آن هم لازم است، بلکه من می‌گویم در ترجمه و فراگیری نباید توقف کرد.^{۹۶}

امروز، تقویت بنیه علمی کشور، فریضه است

امروز در کشور، یکی از فرایض حتمی برای این نسل – که در درجه اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهی‌هاست – عبارت از تقویت بنیه علمی کشور است. ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعیمان عقب خواهد ماند. امروز کسانی که بر دنیا خدایی می‌کنند؛ آن دست‌های مرموزی که اختیار منابع عظیم انسانی و مادی دنیا را در دست گرفته‌اند و همه اقیانوس‌ها و همه

۹۵ – بیانات در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵

۹۶ – بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۸/۸

است؛ آن را کم نگیرید. مسئولیت دوم، مسئولیت سیاسی است. ببینید، من بخشی را مطرح کردم. این بحث هیچ وقت در محیط‌های دینی ما مطرح نشده بود نه در سخنرانی‌ها، نه در بحث‌های دیگر. من این بحث را مطرح کردم، تا افرادی که در مسائل تاریخ و مسائل سیاسی، اهل مطالعه و فکر هستند، آن را دنبال کنند، آن بحث عوام و خواص هست..... خلاصه بحث عوام و خواص ما عبارت است از این که بعضی خواص خیانت می‌کنند و بسیاری از عوام بدون توجه، به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند. این مشکلی است که همیشه ممکن است پیش بیاید.

عزیزان من، تعدادی از خواص، دانسته و فهمیده خیانت می‌کنند؛ راه را کج می‌روند، دنبال هوای نفس، دنبال زندگی شخصی و دنبال پول و مال و ثروت و حاکمیت و قدرت و تعصبات و بقیه خواسته‌های خودشان می‌روند و خواص هم هستند! بسیاری از عوام هم از آن‌ها تبعیت می‌کنند. بسته به شناس آن‌ها اگر این شخص خاص که منحرف شده است، آدمی باشد که جذابیت‌هایی در وجودش باشد، آن وقت وای به حال مردم و وای به حال عوام!

حال شما در مقابل این مشکل، می‌خواهید چه کار بکنید؟ این است که من می‌گویم دانشگاه‌ها باید سیاسی بشود؛ معنایش این است. یعنی شما کاری بکنید که در محیط دانشجویی، عوامی وجود نداشته باشد. قدرت تحلیل در یکیک عناصر دانشجو وجود داشته باشد. ای بسا آدمی که تا حد وزرات هم بالا می‌رود، اما جزو عوام است؛ یعنی قدرت و موضع‌گیری ندارد. یک راه روشن بینانه اتخاذ نمی‌کند. معنای عوام این است. اگر محیط دانشجویی ما، که فردا بنا است سطح عظیمی از دانش و مناصب حساس و مراکز حساس جامعه ما را اشغال بکنند، انسان‌هایی دارای قدرت تحلیل و با جهت‌گیری درست باشند، آن وقت این مشکل، به مراتب کم خواهد شد. بنابراین باید پیشگیری کنیم. باید پیشگیری کرد، این به عهده‌ی شما است...

مسئله دیگری هم وجود دارد و آن مسئله سوم است. رابطه‌ی شماها با خودتان. متأسفانه من می‌بینم که بچه‌های مسلمان داخل دانشگاه‌ها، گاهی این قدر با هم اختلاف و درگیری پیدا می‌کنند که اصلاً معجالی باقی نمی‌ماند که کار بکنند! متأسفانه



فلسفه حضور دانشجویان در دانشگاه

البته دانشجویان بعد از درس خواندن، خیلی فعالیتها در دانشگاه می‌توانند بکنند. بی‌رودبایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال می‌کنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست - بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه‌ی حضور شما در آنجا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه‌اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه‌اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه‌ی کسی را در این‌طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! پس، اول درس خواندن است.

۳- رسالت دانشجوی نسبت به دولت و نظام اسلامی

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

گفته شد توانائی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری. اینجا من این مطلب را پرداخت کنم. توانائی تصمیم‌سازی خیلی خوب است. توانائی تصمیم‌گیری یکی از مشکلاتی است که اگر وارد محیط دانشجویی شد، خیلی از هنجارهای مطلوب و درست را به هم خواهد زد؛ این تجربه‌ی ماست. بگذاریم دانشجوی با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیری برای اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی گفتمان‌سازی کنید. ببینید بنده وقتی مسئله‌ی نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه تو دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارت‌ها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حتی با اساتید صحبت کردم؛ اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این يك گفتمان

تنگه‌های حساس دریایی زیر چشمشان است و هر جا می‌خواهند دخالت می‌کنند، با ابراز علم بود که توانستند بشریت را به این خاکستر بنشانند! لذا برای مقابله با کار آنها، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزمیگری تعریف‌های علمی‌القاء شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.^{۹۷}

بنابراین علم باید در کشور ترویج شود

نتیجه‌ی فقر علمی، فقر صنعتی شد. نتیجه‌ی فقر صنعتی، خرج کردن همه‌ی سرمایه‌ها برای رسیدن به سطح زندگی معمولی متعارف دنیایی شد؛ یعنی وارد کردن، صنعت مونتاژ، دائم دنبال دیگران دوییدن، نفت و همه‌ی سرمایه‌های داخلی را تقدیم کردن. نتیجه‌ی دیگرش این بود که خیلی از استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - در کشور ما متوقف ماند. وقتی مردمی دانشمند نبودند، اهل صنعت نبودند و فناوری و علم نداشتند، از بسیاری از ثروت‌های موجود طبیعی خودشان هم غافل می‌مانند. سالهای متمادی می‌گذشت؛ نفت در این کشور بود، اما کسی نبود که بدانند این نفت چیست و به چه درد می‌خورد! دیگرانی که پیشرفت کرده بودند، این ماده را می‌شناختند و کاربرد آن را می‌دانستند؛ لذا آنها آمدند آن را کشف و استخراج کردند؛ صاحب آن شدند و به سود خودشان تصرف کردند؛ هم در کشور ما و هم در اغلب کشورهای نفت‌خیز دنیا. همه‌ی این‌ها دنباله‌ی عقب‌ماندگی علمی است. وقتی علم نباشد، صنعت نیست. وقتی صنعت نباشد، بسیاری از ثروت‌های جامعه کشف نمی‌شود. وقتی صنعت نباشد، همه‌ی موجودی برای به‌دست آوردن صنعت روز خرج می‌شود؛ دنباله‌روی از بیگانه و گرفتن ناگزیر فرهنگ بیگانه و تبعیت ناگزیر از سیاست‌های بیگانه هم به دنبالش پدید می‌آید. همه‌ی این‌ها ناشی از بی‌علمی است. بنابراین علم باید در کشور ترویج شود. یکی از کارهای مهم انقلاب همین بود؛ علم را در داخل کشور ترویج کرد.^{۹۸}

۹۷- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹

۹۸- بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۳/۸/۱۰



است، يك مطالبه‌ی عمومی است، يك خواستِ همه‌ی دانشگاه‌های کشور است؛ که من هرجا هم می‌روم، از زبان دانشجو مطالبه‌اش را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرائیش را در يك مرحله‌ی دیگر می‌شنوم، و اجراء هم دارد می‌شود. همین نوآوری‌های علمی بسیار، بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین اجرائی را می‌کشاند دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد.^{۹۹}

آنچه شما دانشجویان باید از مسئولین نظام مطالبه کنید عدالت و رفع فساد است

چیزی که شما باید به آن اهتمام داشته باشید، خواست است. خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است.

گفتمان عدالت، يك گفتمان اساسی است و - همان‌طور هم که چند روز پیش در جلسه‌ی مطرح کردم - همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به‌گونه‌ی که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است.

اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی‌هایی هم شده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه‌ی قهری نحوه‌ی بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه بشدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می‌کنید؛ اصلاً همه‌ی تلاشتان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می‌توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخش‌هایی که خلأ وجود دارد، هرچه می‌توانید، کمک کنید



تا خلأ برطرف شود.^{۱۰۰}

يك لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید

يك لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شماست. جوان و دانشجو و مؤمن شأنش همین است که عدالت را بخواهد. پشتوانه‌ی این فکر هم با همه‌ی وجود، خودم هستم و امروز بحمدالله نظام هست. البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی‌تان این باشد: گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی يك مصداق تکیه می‌کنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می‌بینم دیگر. من مواردی را مشاهده می‌کنم - نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون - که روی يك مصداق خاصی تکیه می‌کنند؛ یا به‌عنوان فساد، یا به‌عنوان کجروی سیاسی، یا به‌عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتفاقاً از جریان اطلاع دارم و می‌بینم اینجوری نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیه اطلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می‌کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست می‌دهید برای اینکه آن زرنگ قانوندان قانون شکن - که من گفته‌ام قانوندانهای قانون شکن خطرناک‌اند - بتواند علیه شما استفاده کند. شما از دادستان چه گله‌ای می‌توانید بکنید؟ اگر يك نفری به‌عنوان مفتری يك شخصی را معرفی کند و بگوید آقا او این افتراء را به من زده. خوب، شأن آن قاضی این نیست که برود دنبال ماهیت قضیه. اگر این افتراء گفته شده باشد، زده شده باشد، ماده‌ی قانونی آن قاضی را ملزم به انجام يك کاری می‌کند؛ لذا نمی‌توانیم از او گله کنیم. شما زرنگی کنید، شما اسم نیاورید، شما روی مصداق تکیه نکنید؛ شما پرچم را بلند کنید. وقتی پرچم را بلند کردید، آن کسی که مجری است، آن کسی که در محیط اجراء می‌خواهد کار انجام دهد، همه حساب کار خودشان را می‌کنند. آن کسی هم که فریاد مربوط به محتوای این پرچم را بلند کرده، احساس دلگرمی می‌کند و کار پیش خواهد رفت. بنابراین به نظر من مشکلی در کار شما نیست؛ شما جوانهای مؤمنی هستید که انتظار هم از شما همین است. هر شعار



خوبی که داده می‌شود، بعد از اتکال به خدای بزرگ که همه‌ی دل‌ها و زبان‌ها و اراده‌ها دست اوست، تکیه به شما جوانهاست، امید به شما جوانهاست؛ این را بدانید. بالاخره همشهری شما که از او شعر هم خواندید، می‌گوید:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافری است رنجیدن

رنجید؛ دنبال کار بروید. همین مطلب را عیناً خطاب به آن برادر عزیزی که به عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی اسلامی، بسیار متین و شیوا مطالبی را بیان کردند، عرض می‌کنم. این حرف‌ها، حرفهای دل ماست؛ منتها فرق ما و شما این است که ما بر اثر تجربه‌ی روزگار فهمیده‌ایم که یک مقداری باید انسان تحمل و صبر کند، شما جوانید و تازه از راه رسیده و پرشور و بی‌صبر! همه‌اش خوب است، غیر از این بی‌صبری. البته این هم علاج ندارد. نه اینکه بخوایم بگویم خیلی علاج دارد؛ نه، ما خودمان هم این دوره‌ی شما را گذرانده‌ایم، میدانیم چه جور است؛ ولی بالاخره این را من می‌خواهم به شما بگویم که همه‌ی این چیزهایی که شما گفتید و شعارش در این کشور داده شده، به حول و قوه‌ی الهی و به اذن‌الله تحقق پیدا خواهد کرد.^{۱۰۱}

جوانان باید در همه میدان‌ها حضور داشته باشند. ولی با انضباط

بارها گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط.^{۱۰۲}

یکایک ملت ایران وظیفه دارند تا آنجا که می‌توانند استحکام درونی نظام را حفظ کنند

علاج صحیح در مقابل تجاوز امریکا، مستحکم کردن ساخت داخلی نظام است. نظامی که حقیقتاً متکی به مردم است و مردم از آن دفاع می‌کنند، در درون خودش مستحکم است. رخنه‌های گوناگونی که به یک نظام صدمه می‌زند، بسته شده است و هیچ قدرتی نمی‌تواند این نظام را از بین ببرد. ما می‌توانیم ساخت داخلی را مستحکم کنیم؛ همان‌طور که امروز هم بحمدالله مستحکم است. آمریکایی‌ها این را می‌دانند؛

۱۰۱ - بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۱۰۲ - بیانات در دیدار دانشجویان و اقشار مختلف مردم در پی حادثه کوی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸/۴/۲۱



به‌طور کامل انسان می‌تواند این را در حرفهایشان بفهمد. آن‌ها می‌دانند که وحدت این ملت، ارتباطش با اسلام، استحکام پیوند بین نظام و مردم با توجه به مبانی دینی و نقش ارزش‌های دینی در این رابطه، به چه کیفیتی است؛ می‌خواهند این‌ها را از بین ببرند. ما بنشینیم و تماشا کنیم که این‌ها بیایند یکی یکی این پیوندهای مستحکم را ببرند؟ یعنی در واقع سنگرهای ملت ایران و سنگرهای نظام اسلامی را یکی یکی از سر راه بردارند و بعد راحت حمله کنند. یکایک ملت ایران وظیفه دارند تا آنجایی که می‌توانند، استحکام درونی نظام را که به همبستگی ملت، همبستگی دل‌ها، همبستگی ملت با مسؤولان نظام و وحدت کلمه در مجموعه ارکان نظام وابسته است، حفظ کنند.^{۱۰۳}

همه همت جوان باید این باشد که از نظام حراست کند

جوان، با هوشیاری و حوصله و همت جوانی‌اش باید در محیط کار و تحصیل و مسؤولیت‌های آینده، همه همتش این باشد که از نظام حراست کند. تکمیل و برطرف کردن عیوب نظام یک حرف است؛ مقابله و نفی و همراهی با براندازان نظام حرف دیگری است. انسان از ته دل غمگین می‌شود که بشنود در یک محفل دانشگاهی، یک وقت یک عنصر به اصطلاح دانشگاهی بگوید: مرد کسی است که در کشور بماند و با این نظام مبارزه کند تا ریشه آن را بخشکاند! کسی که تلاش می‌کند ریشه این نظام اسلامی و الهی و مردمی را خشک کند، مرد است؟! آن هم نظامی که این همه تلاش انسانی و مردمی در راهش به کار رفته؛ نظامی که این همه جوان برای آن فداکاری کرده‌اند؛ نظامی که خون‌های این همه شهید در راهش بر زمین ریخته شده است؛ نظامی که دلسوزان این کشور، این همه سختی و ناهمواری و ناگواری را در راه استحکام آن تحمل کرده‌اند؛ نظامی که یک ملت بزرگ با همه وجود خود، آن را سر پا نگه داشته است؛ نظامی که در دنیا مایه عزت اسلام و شرف و سربلندی ایران شده است. تلاش برای خشکاندن ریشه این نظام، مردانگی است؟! این بزرگ‌ترین نامردی است. البته این پندارهای کاملاً کوتاه‌نظرانه، جز از دل‌های معلول و معیوب

۱۰۳ - بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۲۰۱۳/۲/۱۳۸۲



صادر نمی‌شود. ریشه این نظام، بسیار مستحکم است؛ جزو عمیق‌ترین ریشه‌هاست و دشمنی‌های بزرگ هم به فضل الهی نتوانسته آن را تکان دهد.^{۱۰۴}

اقتضای این دوره

اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی‌تر، مؤمنانه‌تر و همه‌ی امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم.^{۱۰۵}

مهم‌ترین مسائلی که جوان‌ها باید به آن‌ها اهتمام کنند

از جوانان این انتظار وجود دارد که عدالتخواهی را از یاد نبرند. آزادی را با همان مفهوم بسیار والای اسلامی – چه آزادی فردی، چه آزادی اجتماعی و سیاسی، چه آزادی معنوی و روحی – جزو خواستهای همیشگی خود بدانند و از یاد نبرند.

مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی را جزو مطالبات خود بدانند.

امر به معروف و نهی از منکر هم جزو مهم‌ترین مسائلی است که جوانان باید به آن اهتمام کنند.

همچنین در برابر فریب رسانه‌ها در واژگونه جلوه دادن حقایق، تسلیم نشوند.

تسلیم اختلافاتی که بین بعضی از مسئولان وجود دارد و متأسفانه بعضی از مطبوعات هم به آن دامن می‌زنند، نشوید. بین دو نفر مسئول، مسأله‌ای پیش می‌آید؛ چنان به آن پر و بال می‌دهند که به يك مسأله اجتماعی و عمومی تبدیل می‌شود و ذهن‌ها را به خود مشغول می‌کند.^{۱۰۶}

شما جوان‌ها، هر لحظه برای دو صحنه آماده باشید

امروز، شما جوانان وظیفه دارید انقلاب را با همه‌ی وجود، تا اعماق جانتان نفوذ و رسوخ بدهید و مفهوم انقلاب و مبانی فکری آن را از بن دندان درک کنید و برای هنگامی که این ملت بدان احتیاج دارد و در دو صحنه مبارزه می‌کند، آن را در خود

۱۰۴ – بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲

۱۰۵ – بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰

۱۰۶ – بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲



ذخیره کنید. صحنه‌ی اول، صحنه‌ی است که انقلاب را از لحاظ اقتصادی یا نظامی و یا سیاسی تهدید می‌کند که باید آن ذخیره را برای دفاع از انقلاب و کشورتان – به هرگونه که زمان و موقعیت اقتضا می‌کند – به کار بندید. صحنه‌ی دوم، صحنه‌ی سازندگی است. بهترین سازندگان، سازندگان انقلابیند. بهترین پدیدآورندگان دنیای آباد باغ انقلاب، کسانی هستند که از انقلاب جوشیده‌اند و انقلاب در جان آن‌ها رسوخ کرده است. شما جوانان باید برای این دو صحنه، خودتان را هر لحظه آماده داشته باشید.^{۱۰۷}

بی تفاوتی و خونسردی نسبت به سرنوشت کشور جایز نیست

برای نسل جوان – بخصوص نسل جوان دانشجوی – بی تفاوتی و خونسردی جایز نیست. آن جوانی که به سرنوشت کشور نیندیشد و حوادث و خصومت‌هایی را که نسبت به کشورش در دنیا سازماندهی می‌شود، نبیند و نسبت به آن‌ها نجوشد و نخروشد، آن جوان لایق این نیست که نام جوانِ شهروندِ يك ملت انقلابی را روی خودش بگذارد.^{۱۰۸}

جوانان واحساس مسئولیت نسبت به مسائل انقلاب

قشر جوان بایستی همیشه نسبت به مسائل انقلاب احساس مسئولیت کند و خودش را از مسائل انقلاب برکنار نداند. انقلاب، امروز چه تکلیفی را به او املا می‌کند؟ از او چه می‌خواهد؟ او چه نقشی می‌تواند در پیشبرد انقلاب داشته باشد؟ وظیفه‌ی او چیست؟ قشر جوان باید از خیل عظیم مردم ما – که بحمدالله همیشه در صحنه‌های انقلاب حاضرند – جدا نشود و به رشد و آگاهی و باسواد شدن آنان کمک کند. در دانشگاه باید به روی مردم باز باشد و دانشجوی در محیط دانشگاه محصور نباشد. دانشجو باید با اعضای خانواده‌ی خود و با دوستانش، ارتباطات روشن‌گر داشته باشد و

در مسائل کشور و مسائل جامعه سهیم باشد.^{۱۰۹}

۱۰۷ – سخنرانی در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰

۱۰۸ – همان

۱۰۹ – بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه‌ها، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه،

۱۳۶۹/۹/۲۸



امروز در دنیا، جبهه‌ی سیاسی و جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و تدبیرها به این شکل است

امروز در دنیا، جبهه‌ی سیاسی و جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و تدبیرها به این شکل است؛ آرایش این جبهه این‌گونه است.

اتاق فرماندهی این طرف این جبهه، ایران است؛ ایران حزب‌اللهی پُر از عزم و همت، اما با دست خالی؛ به خاطر این‌که صد سال قبل از او، سلاطین خائن پهلوی و قاجار، هرچه توانستند ضربه زدند، غارت کردند و لطمه زدند؛ حالا از صفر شروع کرده. طرف مقابل، دویست سال است که مشغول خودسازی است - چه از درون خودش، چه با آنچه که از دنیا غارت کرده - و دست او از لحاظ علمی و از لحاظ اقتصادی پُر است. دست این طرف - از لحاظ عُدّه‌ی ظاهری و پشتیبانی‌های ظاهری؛ یعنی پول و سلاح و این‌ها - خالی است؛ اما در عین حال دنیا وقتی نگاه می‌کند، این دو کفه را برابر، و در یک جاهائی کفه‌ی همین نیروی حزب‌اللهی را سنگین‌تر می‌بیند.

چرا سنگین‌تر می‌بیند؟ مگر ما چه داریم؟ همان احساس حضور! حضور! ما ملتی داریم که با انقلاب آخت است؛ گره‌خورده است؛ جوشیده است. در بین این ملت که سطوح گوناگون و مختلفی دارند، روحیه‌ی جمع‌کثیری این است که هر جا و هر زمان و هر طور که لازم باشد، سینه‌شان را سپر می‌کنند و به وسط میدان می‌آیند. این نقطه‌ی قوت ماست. این چگونه حاصل شده است؟ با موتور ایمان، با روحیه‌ی انقلاب، با انگیزه‌ی دین؛ این حقیقتی که دنیا داران او را نفهمیدند! نفهمیدند که قدرت دین چه استحکامی به یک ملت و به یک نظام می‌دهد. جمهوری اسلامی به طور طبیعی در این راه و در این کیفیت قرار داشت و قرار گرفت؛ یعنی ایمان. حالا شما - بسیج دانشجویی - در این خیمه‌ی فرماندهی در کجا قرار دارید؟ خودتان معین کنید و فکرش را بکنید؛ البته با این محاسبه. دانشجوی جماعت - بخصوص آن وقتی که انگیزه‌ی بسیجی و روح بسیجی بر او حاکم است - آن عنصر بی‌همتاست؛ بی‌همتاست. یعنی برای پیشبرد این حرکت عظیم، دیگر نمی‌توان روی او قیمت گذاشت.

من اول سال در مشهد گفتم؛ دشمن طبق نقشه‌های خود، سه هدف را دنبال می‌کند.



اول: عقب‌نگه داشتن کشور از لحاظ اقتصادی؛ برای این‌که دولت را - که دولتی مکتبی و وفادار و هوادار ارزش‌های اسلامی است - ناکارآمد و نالایق و بی‌کفایت جلوه بدهند؛ لذا وضع اقتصادی برای این منظور، طبق نقشه‌های دشمن باید عقب بماند. دوم: عقب‌نگه داشتن علمی؛ برای این‌که آینده‌ی کشور، جز با نردبان علم، ترقی و پیشرفت نخواهد کرد. ملت ایران چاره‌ای جز این ندارد که از لحاظ علمی بنیه‌اش را تقویت کند و در علم پیش برود؛ استعدادش را هم خدا داده است. سوم: بر هم زدن اتحاد و انسجامی که بین ملت ایران - یا بین ملت ایران و ملت‌های مسلمان - وجود دارد؛ که آن وقت شعار «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» را مطرح کردیم.

شما از لحاظ کمک به کارآمدی دولت، در همه‌ی این سه قسمت می‌توانید فعال باشید. لازم نیست من در این جا فرمولش را بگویم - که بعضی دوستان گفتند یک‌جانبه است یا دوجانبه است - بروید فرمولش را پیدا کنید. شما بسیج هستید؛ اگر سازماندهی شما، کارآمدی لازم را داشته باشد - که باید داشته باشد - و اگر وزرائی که عضو دولت‌اند، با شما همکاری کنند - که یقیناً می‌کنند؛ چون هم آقای زاهدی، هم آقای لنکرانی خودشان بسیجینند - باید راهش را پیدا کنید. ببینید چه طور می‌شود از دولت و کشور و از این خیل عظیم جوان مؤمن و حاضر در میدان و دارای استعداد، در پیشرفتهای گوناگون کشور استفاده کنید؛ چه در پیشرفت‌ها و تحرکات علمی، چه در کارهای جهادی و چه در کارهای اقتصادی.^{۱۱۰}

۴- رسالت دانشجوی نسبت به جامعه و مردم

وظیفه‌ی جنبش دانشجویی در کنار سایر اقشار جامعه برای رسیدن به جامعه اسلامی الگو

جنبش دانشجویی؛ یعنی دانشجوی متحرک، دانشجوی فعال؛ دانشجویی که از نیروی فکر و توان جسمی و روحی خودش می‌خواهد برای پیشرفت استفاده کند؛ آیا فقط این‌ها مخاطب‌اند؟ بلاشک نه. سنگین‌ترین مسئولیت بر عهده‌ی مسئولان و انواع نخبگان جامعه است؛ نخبگان علمی و نخبگان فکری و نخبگان سیاسی، لیکن جریان

۱۱۰- بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۳۱



کردن. گناه آن کسانی که جوامع بشری را به بیراهه می‌کشاند، این است که وقت آن‌ها و عمر آن‌ها و فرصت‌های آن‌ها را ضایع می‌کنند.^{۱۱۱}

اولین فریضه دانشجویی

اولین فریضه‌ی دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک‌عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد - باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیتهای آنها را درست بشناسید؛ از واقعیتهای مثبت استفاده کنید، با واقعیتهای سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمتان به آرمانها باشد. این اولین فریضه‌ی دانشجویی است.

آرمانها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمانها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه میتوانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرفها؛ نه، اسلام آمده است که «الَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همین جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمانها این است.^{۱۱۲}

شماری از آرمان‌ها

یک آرمان دیگر عبارت است از آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما میتوانیم» که در حرفهای شماها هم بود؛ این یک آرمان است. بایستی دنبال تفکر اعتماد به

۱۱۱ - دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب، ۸۷/۷/۷

۱۱۲ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰

دانشجویی فعال هم مسئولیت سنگینی دارد. یکی از مسئولیت‌های جریان دانشجویی، تلاش برای فهمیدن است؛ یعنی تفکر. من به نظرم می‌رسد یکی از کارهای لازم، تشکیل جلسات فکری وسیعی است که مجموعه‌ی دانشجویی، همراه با مجموعه‌ی حوزوی، با برنامه‌ریزی خوب، می‌تواند به وجود بیاورد تا بنشینند درباره‌ی مسائل گوناگون فکر کنند. گسترش فکر و پراکندن فکر درست و صحیح می‌تواند همان ثمراتی را ببخشد که ما در زمینه‌های مسائل علم و فناوری و پیشرفت علوم از دانشجویان توقع داریم؛ یعنی شکوفائی، آوردن حرف نو به میدان اندیشه، با یک حرکت صحیح و جهتگیری درست. یکی از کارها این است.

یکی از کارها، مشخص کردن اصول است. ما اصولی داریم که باید از این اصول تخطی نشود. یعنی به نام فکرپردازی و اندیشه‌پردازی، از اصول انحراف پیدا نشود. اصول، شاخصهای راه صحیح و صراط مستقیم است. خطاست اگر اصول را به دیواره‌هایی تشبیه بکنیم که انسان از وسط این دیواره‌ها باید حرکت کند؛ نه، اصول شاخص‌اند. یک راه مستقیمی وجود دارد، یک صراط مستقیمی هست که این، انسان را به هدف می‌رساند. این صراط مستقیم را باید شناخت، باید کشف کرد. هیچ کس در محدوده‌ی صراط مستقیم زندانی نشده. اجبار به پیمودن صراط مستقیم در هیچ کس نیست. این اصول کسی را اجبار نمی‌کند، الزام نمی‌کند، محدود نمی‌کند، بلکه این اصول انسان را هدایت می‌کند و به او می‌گوید که اگر چنانچه بر طبق این اصول حرکت کردی، به آن نتیجه‌ی مطلوب خواهی رسید؛ اگر از این اصول تخطی کردی، به هدف نخواهی رسید. آخر، اشکال بیراهه همین است. بیراهه، دو اشکال دارد: یک اشکال این است که انسان به سرمنزل مقصود نمی‌رسد؛ اشکال دیگر این است که وقت انسان تلف می‌شود؛ فرصت‌ها از دست می‌رود. این کسانی که در طول این صد سال، صد و پنجاه سال اخیر در کشور ما داعیه‌ی اصلاح و پیشرفت و ترقی سر دادند و ما را حقاً و انصافاً به بیراهه کشاندند، این گناه بزرگ را انجام دادند؛ هم ما در طول این صد و پنجاه سال به مقصد نرسیدیم و عقب ماندیم، هم وقتمان تلف شد. چند نسل پی‌درپی باید بیایند، ضایع شوند، در این تپه سرگردانی بروند و به نتیجه نرسند، تا یک وقت یک نسل متوجه بشود که اشتباه کرده‌اند؛ راه را برگردد، شروع کند از نو حرکت



نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به‌عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود. البته تعقیب آرمانها یک لوازمی دارد که باید به آن لوازم عمل بشود. یکی از آرمانهایی که من یادداشت کرده‌ام، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است.

نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه‌ی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم میشوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. دعوی با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوی با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد - پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی - نشان داده میشود به ملت‌ها که میتوان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد؛ همه‌ی دعوها سر این است، بقیه‌ی حرف‌ها بهانه است.

از جمله‌ی آرمانها، عدالت‌خواهی است؛ همین حرفهایی که بعضی از برادرها اینجا گفتند. مسئله‌ی عدالت‌خواهی خیلی مهم است، شعب‌گوناگونی دارد؛ به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعاً دنبال بود. از جمله، مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی است. از جمله، آزادی‌خواهی است؛ آزادی نه به‌معنای غلط و منحرف‌کننده‌ی غربی که معنای آزادی این است که دختر این‌جوری زندگی کند، پسر این‌جوری زندگی کند. لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنت‌های اسلامی و سنت ازدواج، با سنت ازدواج صریحاً مخالفت میکنند و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متأسفانه این را ترویج میکنند؛ باید با اینها مقابله کرد. مسئله‌ی آزادی‌خواهی در اندیشه، در عمل فردی، در عمل سیاسی، در عمل اجتماعی و در جامعه که معنای آزادی‌خواهی در جامعه همان استقلال است.

از جمله‌ی آرمانها رشد علمی است؛ از جمله‌ی آرمانها کار و تلاش و پرهیز از تنبلی و نیمه‌کاره کار انجام دادن است. از جمله‌ی آرمانها، ایجاد دانشگاه اسلامی است؛ اینها



آرمانها است.^{۱۱۳}

آرمان‌ها را چگونه دنبال کنیم؟!

خب، ممکن است کسی بگوید ما این آرمانها را چه‌جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشور اثری نداریم؛ یک عده مدیرانی هستند، دارند کار خودشان را میکنند، ما هم اینجا شعار میدهیم، حرف میزنیم. این اشتباه در فهم مسئله است؛ هرگز این‌جوری نیست. دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال میکنید، میگویید، تکرار میکنید و بجد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد میکند، این موجب تصمیم‌سازی میشود؛ زید تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیری مدیریت کشوری، وقتی که یک چیزی به‌عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور میشود دنبال بکند. یک نمونه‌ی زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به‌عنوان یک گفتمان درآمد؛ حرکت جامعه براساس آن به‌وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین‌طور حرکت میکنیم و جلو میرویم. در همه‌ی زمینه‌ها همین‌جور است، دانشجو میتواند مؤثر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که «دانشجو مؤذن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب میمانند»؛ خب، تعبیر خوبی است؛ شما میتوانید بیدارکننده باشید، میتوانید گفتمان‌ساز باشید، به‌هیچ‌وجه تصور نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی‌اثری است.^{۱۱۴}

تلاش کنید کشورتان را از همه جهت مستقل کنید

امروز وظیفه شماست که تلاش کنید و هدف این تلاش هم عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید. البته مستقل بودن به معنای این نیست که در استفاده از خارج از مرزها را ببندیم. این که معقول نیست؛ هیچ‌کسی هم به این کار دعوت نمی‌کند. در طول تاریخ،

۱۱۳ - همان

۱۱۴ - همان



افراد بشر از همه استفاده کرده‌اند؛ اما فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی‌ها میان دو موجود همسان و هموزن و همقدر، و در یوزگی يك موجود از موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم و بیش تا قبل از انقلاب بوده است. بایستی کشور را به آن پایه‌ای که لازم است، برسانید. این، **مسئولیت عظیم نسل جوان روشن فکر تحصیل کرده این کشور است.**^{۱۱۵}

لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت

بحثی که امروز من مطرح می‌کنم، بحث لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت است. ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. مدل این پیشرفت چیست؟ این مدل را باید بازشناسی کنیم. در آخرین دیداری که من با دانشجویها داشتم - چند ماه قبل در سمنان - بحث تحول را مطرح کردم. گفتم تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش ببرد. این را آنجا مطرح کردم. البته همان‌جا هم گفتم - الان هم تکرار می‌کنم - دانشگاهیان؛ چه دانشجو، چه استاد و حوزویان؛ چه طلبه، چه استاد، همه باید این خط و رشته‌ی فکری را تعقیب و دنبال کنند. حالا توضیحات بیشتری عرض خواهم کرد تا بتوانیم به نتیجه برسیم.

مدل‌سازی و الگوسازی، کار خود شماست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان‌ها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخشهای مختلف شکل بگیرد. من می‌خواهم بگویم مجموعه‌ی دانشگاهی کشور ما، مجموعه‌ی نخبگان کشور ما - هم حوزه و دانشگاه - یکی از بزرگ‌ترین کارهاشان باید این باشد که نقشه‌ی جامع پیشرفت کشور را بر اساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدل‌سازی‌های غربی نسپرند. او نمی‌تواند کشور را نجات بدهد؛ او نمی‌تواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در

۱۱۵ - بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲



مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر می‌کنند، دنبال این نباشند که فرمولهای غربی را؛ فرمولهای اقتصادی غرب، فرمولهای بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده می‌کنیم؛ ما تعصب نداریم. هر جا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده می‌کنیم. از مصالح استفاده می‌کنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم.^{۱۱۶}

مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست

مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برفاتاده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحرانهائی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحران‌ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.

راه حلی که بر اساس این مقدمات وجود دارد، این راه حل را شما باید پیدا کنید. شما باید به نتیجه برسید، به این استنتاج برسید، اما آنچه که من می‌توانم به عنوان راهنمائی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و مجاهدت جوانانه و پیگیر است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه‌ی ترجمه‌گرائی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آن‌ها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند. دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدف‌های

۱۱۶ - بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵



بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^{۱۱۹}

ملتی که بتواند در علم، نوآفرینی کند، در دنیا احساس عزت و اعتماد به نفس و غرور می‌کند

علم همچنان که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می‌آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را می‌کند. شما ببینید یک انسان عالم که برای خودش جایگاهی در معرفت علمی قائل است، در مقابل هر قدرت پولی و سیاسی بی‌قرار بگیرد، در ظاهر ممکن است الزاماتی او را مجبور به کرنش‌ها و کوتاه‌آمدن‌هایی بکند؛ اما در دل خود برای خودش عزت قائل است. موجودی خودش را با تهیدستی طرف مقابلش مقایسه می‌کند، لذا احساس عزت و احساس اعتماد به نفس و احساس غرور می‌کند. یک ملت هم عیناً همین‌طور است. ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیا در علم نوآفرینی کند، به‌طور طبیعی دارای اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد بود. اگر این عزت نفس و این اعتماد به نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ می‌کند، خطرپذیری‌ها می‌کند، در میدان‌های دشوار قدم می‌گذارد و کوه‌ها را از جا می‌کند. کلید این کارها علم است. ما باید علم را در کشور احیا کنیم؛ این، نقطه‌ی اصلی مسأله است.

علم، فقط علم مادی نیست؛ علوم انسانی هم مقوله‌ی بسیار مهمی است که ان‌شاءالله اگر در خلال صحبت یادم بود، عرض خواهم کرد. در همه‌ی رشته‌های علوم، ما باید به معنای حقیقی کلمه، احساس عزت نفس، احساس مولد علم بودن و فتوحات علمی ایجاد کردن را در خود به‌عنوان یک ملت و یک جامعه‌ی علمی به‌وجود بیاوریم. این کار کیست؟ یکی از مهم‌ترین ارکانش دانشگاه‌هاست.^{۱۲۰}

مسئله‌ی علم و تحقیق

اما راجع به مسئله‌ی علم و تحقیق، من این را عرض بکنم: کشور ما بدون حرکت در جاده‌ی گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطه‌ی مطلوب

۱۱۹- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران، ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

۱۲۰- بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۷/۱۰/۱۳۸۳

انقلاب داشته باشد؛ دنبال آن‌ها برود. مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجوی و استاد استفاده کند. این آن چیزی است که من روی آن تأکید می‌کنم. می‌بینید یک حادثه‌ی کوچکی اتفاق می‌افتاد، حالا در همین دانشگاه خودتان، یک تعدادی مثلاً شاید در یک قضیه‌ای گله‌مندند، معترض‌اند؛ ببینید بلافاصله در دنیا روی آن تفسیر می‌گذارند، تحلیل می‌گذارند، نه با جهتی که آن دانشجوی به خاطر آن جهت این حرکت را انجام داده، این اقدام را کرده، بلکه درست در نقطه‌ی مقابل آن جهت. یعنی حاکمیت را، نظام را، اسلام را زیر سؤال می‌برند با این وسائل. باید هشیار بود؛ در محیط دانشگاه این هشیاری از همیشه لازم‌تر است.^{۱۱۷}

کار جهادی

کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمان‌ها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن‌شکن باشد.^{۱۱۸}

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آن‌ها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ این‌ها چطور می‌توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که

۱۱۷- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

۱۱۸- بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان، ۲۵/۰۴/۱۳۸۶



را که خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند، همان اعتلای عظیم و همان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد. عین همین مسأله، در باب ورزش است؛ عین همین مسأله، در باب درس خواندن و در باب تحقیق است؛ عین همین مسأله، در باب کارهای خاص جوانان است. این، درست مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا من يك نفر چه تأثیری دارم، این سیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن یا در نماز جمعه راه نمی‌افتد؛ اما هر کس احساس می‌کند که تکلیف خودش را انجام می‌دهد. من می‌خواهم تأکید و تکرار کنم که کار تك تك این جوانان – هر جا و در هر زمینه‌ای که کار می‌کنند؛ در زمینه قرآن، در زمینه معلومات، در زمینه معارف، در حوزه، در دانشگاه و در کتاب‌نویسی – کاری مهم است؛ همان کاری است که ان‌شاءالله کشور را به اعتلاء خواهد رساند.^{۱۲۲}

اگر بنشینیم تماشا کنیم، هیچ کاری نخواهد شد

البته همه‌ی کارهای شدنی، رفتن، دنبال کردن، همت گماشتن و انجام دادن می‌خواهد. شکی نیست که اگر بنشینیم تماشا کنیم، هیچ کاری نخواهد شد. با دنبال‌گیری، کار شدنی است.^{۱۲۳}

شعار هم حرف است هم عمل

یک جمله‌ای را یکی از عزیزان و دانشجویان مطرح کردند، گفتند از شعار کاری ساخته نیست؛ بله، اگر چنانچه این [شعار] به این معنا باشد که ما دائم شعار بدهیم اما دنبالش عمل نباشد، بله راست است، کاری از صرف شعار ساخته نیست؛ لکن شعار را چیز کم‌خاصیتی ندانید؛ شعارها مهم‌ند. من یادم نمی‌رود، سالها قبل از انقلاب در مشهد، یک جلسه‌ی دانشجویی داشتیم که من تفسیر می‌گفتم. یک‌عده دانشجوی که نسبت به جمعیت‌های آن‌روز جمعیت زیادی بود – چندصد نفر دانشجوی [یا] کمتر یک‌جا جمع میشدند – و بنده تفسیر می‌گفتم؛ حالا تفصیلش زیاد است. یکی در آن جلسه شعار داد؛ بنده آن جلسه را با یک ترتیبی، با یک پیش‌بینی‌ای پیش می‌بردم؛

۱۲۲ – بیانات در دیدار جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷

۱۲۳ – بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۷/۳

خودش دست پیدا بکند؛ مخصوص کشور ما هم نیست. کلید، دانش و پژوهش است. امروز نظام سلطه در دنیا بنایش بر گرفتن و دادن نیست؛ بنایش بر گرفتنِ حداکثری و دادنِ حداقلی است؛ ثروت را می‌مکند، امکانات را می‌مکند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها می‌مکند و در اختیار می‌گیرند و در مقابل، گاهی هیچ چیز نمی‌دهند، گاهی چیز مضری می‌دهند، گاهی هم يك چیزکی به آن کشور نقطه‌ی مقابل می‌دهند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر.

اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملت‌هایشان و استعداد ملت‌هایشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده‌ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است. بنابراین علم را باید جدی گرفت؛ باید پیش رفت.^{۱۲۱}

کار تك تك جوانان کشور، در هر زمینه‌ای باشد، موجب اعتلای کشور است

من بارها گفته‌ام که نسل جوان، گره‌گشای دوره‌های سخت و محنت‌های بزرگ است و وقتی وارد میدان می‌شود – که الحمدلله امروز هم در میدان است – گره‌های ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن و متدین و علاقه‌مند به کشورشان و علاقه‌مند به اسلام‌اند و با سلطه آمریکا و با سلطه بیگانه مخالف‌اند. همین کارساز خواهد بود. این توطئه‌هایی هم که می‌کنند و ترفندهایی هم که می‌شود، اثری ان‌شاءالله نخواهد بخشید. ان‌شاءالله که خداوند هم کمک خواهد کرد. حضرت بقیةالله ارواحنا فدا هم ان‌شاءالله پشتیبان این راه و این کار و این جوانان خواهد بود.

در خاتمه، نکته‌ای را هم یادآور می‌شوم: این کارهایی که جوانان می‌کنند، کوچک نیست. همین درس خواندنی که من می‌گویم، همین کار تحقیق، همین کار هنری، همین کار ورزشی، این‌ها کارهای کوچک نیست. من خواهش می‌کنم کسی که این کارها را انجام می‌دهد، تصوّر نکند که کارش کوچک است؛ نه. همین کار در مجموعه کلان کشور، به يك عنصر تعیین‌کننده تبدیل می‌شود. فرضاً هنرمندی به تنهایی تصمیم می‌گیرد که يك کار هنری برجسته ارائه دهد. او نمی‌تواند بگوید که من يك کار فردی انجام می‌دهم؛ خودم تنها هستم و این کار کوچکی است؛ نه. شما کارتان

۱۲۱ – بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵



نقاط ستایش برانگیز جوانی و تکلیف جوان‌ها در برابر آن

آنچه را که من امروز به عنوان يك تکلیف برای جامعه جوان کشور حس می‌کنم، این است که جوانان باید از سرمایه هویت ملی و جمعی کشور، با همه وجود و همت خود دفاع کنند. هر مجموعه‌ی انسانی به يك هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند.^{۱۲۵}

امروز، کسانی که می‌توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه‌ی مضاعف کنند

امروز، یکی از حساسیت‌های استعمار و استکبار و آمریکا و صهیونیست‌های طراح فساد در عالم عبارت است از این که نگذارند کشورهای برخوردار از نظام انقلابی، از لحاظ علمی پیشرفت کنند. این حساسیت، نسبت به کشور ما مضاعف است؛ چون حساسیتی که آن‌ها نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی دارند، نسبت به هیچ انقلاب دیگری نداشته و ندارند و نخواهند داشت. البته اگر در آینده، انقلاب غیر اسلامی‌یی تحقق پیدا کند، این حساسیت را نخواهند داشت. امروز، کسانی که می‌توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه‌ی مضاعف کنند؛ چون دشمن نمی‌خواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم. روی پای خود ایستادن، آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بجوشد و ما دست‌گذاری به سمت دشمنانمان دراز نکنیم. استعدادهای خوب و برجسته، دانش‌آموزان تیزهوش و کسانی که می‌توانند برای آینده‌ی کشور مفید باشند، بایستی خیلی احساس وظیفه و مسؤولیت کنند.^{۱۲۶}

سازوکار تأثیرگذاری

اگر محیط دانشجویی، اعتقاد راسخی به یک مطلبی پیدا کرد و آن را دنبال کرد در فعالیتهای متنوع دانشجویی، این تأثیرگذار در آینده‌ی کشور است. این تصور درست نیست که فکر کنیم چه فایده‌ای دارد ما به‌عنوان دانشجو این فعالیت را بکنیم یا این

۱۲۵ - بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲

۱۲۶ - بیانات در دیدار جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۹/۲۹

یعنی مباحث اساسی و اصولی انقلابی را در خلال تفسیر آیات منتقل می‌کردم؛ دلم نمیخواست با کارهای ظاهری، دست‌گاه حساس بشود و جلوی کار ما را بگیرد. من در صحبت‌م گفتم خواهش می‌کنم شعار ندهید؛ شعار نه حرف است، نه عمل است؛ حرف نیست، چون یک کلمه است؛ عمل نیست، چون یک صدایی است که از حنجره‌ی شما می‌آید بیرون؛ این را من در سخنرانی آنجا گفتم. هفته‌ی بعد در روز جلسه یکی از دانشجویها گفت من به مطلبی که هفته‌ی گذشته فلانی گفتم، می‌خواهم اعتراض کنم؛ گفتم اعتراض کن. گفت ایشان گفتند شعار نه حرف است، نه عمل؛ درحالی‌که اتفاقاً شعار هم حرف است، هم عمل. حرف است، برای خاطر اینکه یک کلمه است و مضمون مهمی دارد؛ بله، یک جمله است لکن نشان‌دهنده‌ی یک مجموعه‌ی مضمون و محتوا است؛ بنابراین شما که اهل حرفید - ما اهل حرف بودیم؛ حرف می‌زدیم، بیان می‌کردیم - این حرف را باید مغتنم بشمرید. و اما عمل است، برای خاطر اینکه برانگیزاننده است؛ شعارها انسانها را در صحنه می‌آورند، اینها را بسیج می‌کنند، جهت می‌دهند؛ پس عمل است. بله، برخلاف گفته‌ی استاد - بنده را میگفت - که گفتند شعار نه حرف است، نه عمل؛ شعار هم حرف است، هم عمل. آن جوان دانشجویی که آن روز این حرف را زد، امروز یکی از مسئولین کشور است که همه‌ی شماها او را می‌شناسید. من نشسته بودم آنجا و آماده بودم برای صحبت؛ وقتی گوش کردم، گفتم حق با این آقا است، راست می‌گوید؛ شعار هم حرف است، هم عمل است. حالا هم همین را بهتان می‌گویم؛ اگر شعار، خوب، پرمحتوا، پرمضمون، حاکی از یک حقیقت قابل گسترش فکری انتخاب بشود، این میشود هم حرف، هم عمل؛ مطرح کردن آن جهت‌دهنده و برانگیزاننده است. بنابراین کسی بیاید مثلاً فرض کنید فقط یک کلمه‌ی «اقتصاد مقاومتی» را که ما گفتیم، دائم بیاید تکرار بکند، دنبالش عملی نباشد، بله، از صرف گفتن این حرف، کاری ساخته نیست؛ اما خود این شعار «اقتصاد مقاومتی» اگر در دل و زبان فعالان کشور که از جمله‌ی مهم‌ترین اش شما دانشجویها هستید، دنبال بشود و تکرار بشود - که حالا اگر ان‌شاء‌الله فرصت شد تا قبل از اذان، عرض می‌کنم - آن وقت مهم است.^{۱۲۴}

۱۲۴ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰



تلاش را انجام بدهیم؟ چه تأثیری در واقعیت‌های کشور می‌گذارد؟ نه، تأثیر دارد؛ تأثیر زیادی هم دارد. سازوکار تأثیرگذاری‌اش هم همین است که عرض کردم؛ این تبدیل میشود به گفتمان، اول در محیط دانشجویی، بعد بتدریج در محیط کشور و این تبدیل میشود به یک عنصر تصمیم‌ساز. بله، شما ممکن است در فلان تشکیلات، تصمیم‌گیر نباشید اما میتوانید تصمیم‌ساز باشید. پس آرمانها را دنبال کنیم. من چند مصداق از مصداقی آرمانها را عرض کردم لکن فقط اینها نیست؛ بگردید در مجموعه‌ی بیانات امام، در مجموعه‌ی معارف انقلاب اسلامی، در مطالعه‌ی دقیق قرآن و نهج‌البلاغه، آرمانها را فهرست کنید، طبقه‌بندی کنید، دسته‌بندی کنید، روی اینها کار کنید و بر آرمانها ایستادگی کنید. یعنی واقعیتها نباید ما را از آرمانها دور کند؛ واقعیتها باید مثل پلکانی ما را به آرمانها نزدیک کند. اگر یک واقعیت مزاحمی هم پیدا شد، با آن مقابله کنیم، معارضه کنیم، از سر راه برداریم؛ آرمان‌خواهی یعنی این. البته نقطه‌ی مقابلش - همان‌طور که عرض کردم - محافظه‌کاری است؛ یعنی با واقعیتها بسازیم، بدش را هم قبول کنیم، خویش را هم قبول کنیم، به‌عنوان اینکه «چه کار میشود کرد، چاره‌ای نداریم» بگذرانیم که خب، بدیهی است که سرنوشت یک چنین ملتی به کجا خواهد رسید.^{۱۲۷}

۵- رسالت دانشجوی نسبت به عرصه‌ی جهانی

معنای استکبار

استکبار، معنای وسیعی دارد. در قرآن هم، شاخه‌ها و مشتقات استکبار، مکرر به کار رفته است. خود کلمه استکبار هم، در قرآن به کار رفته است. (۱) به نظر می‌رسد که استکبار، غیر از تکبر است. شاید این طور بشود گفت که تکبر، بیشتر به یک صفت قلبی و روحی اشاره می‌کند؛ یعنی انسان خود را برتر از دیگران بداند و بگیرد. استکبار، بیشتر به جنبه‌ی عملی تکبر توجه دارد. یعنی کسی که کبر می‌ورزد و خود را بالاتر از دیگران می‌داند، در رفتار خود با دیگران هم، طوری کار را سازماندهی می‌کند که این تکبر، در عمل مشخص و واضح می‌شود. دیگران را حقیر می‌کند، به دیگران اهانت

۱۲۷ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰



می‌کند، در کار دیگران دخالت می‌کند و برای دیگران، به عنوان تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود.

این، معنای استکبار است که در آیه کریمه قرآن هم، آن جایی که درباره مستکبران سخن می‌گوید، می‌فرماید: «فلما جاءهم نذیر مازادهم الأنفورا، استکباراً فی الارض و مکر السی». یعنی در مقابل پیامبر و حرف حق، استکبار ورزیدند. نگفتند ما بالاتریم؛ بلکه این بالاتر بودن را، این بیشتر حق داشتن یا برای خود حق بیشتری قائل بودن را، در عمل سازماندهی کردند؛ یعنی همان جنگ‌های طولانی و تمام نشدنی جبهه کفر و عناد و طغیان، با جبهه پیام حق و معنویت و نور و هدایت. استکبار، یعنی این.^{۱۲۸}

معنای استکبار جهانی

استکبار جهانی معنایش این است که دولت‌ها و قدرت‌هایی در دنیا هستند که نسبت به ملت‌های دیگر، با برخورد استکباری مواجه می‌شوند: ثروت آن‌ها را می‌برند، در حکومت‌های آن‌ها به دخالت می‌پردازند، در سیاست‌های آن‌ها اعمال نظر می‌کنند و آن‌ها را به این سمت و آن سمت می‌کشانند. این، استکبار بین‌المللی است. همان چیزی که در قرن هجدهم و نوزدهم، با استعمار شروع شد و بعد در قرن بیستم به استعمار نوین مبدل گردید، و امروز، یا در دوران اوج قدرت‌های استکباری، به شکل استکبار جهانی درآمد، که دنیا را بین دو قطب و دو قدرت تقسیم کرده بودند و هر کدام به نحوی ملتی را می‌دوشیدند و در پنجه خود می‌فشردند.

امروز چیزی که به استبداد بین‌المللی اضافه شده، عبارت از این است که قدرت‌های مستکبر جهانی و در رأس آن‌ها ایالات متحده امریکا، برای ملت‌های دیگر حق حرف زدن و اظهار نظر کردن هم قائل نیستند. هر کاری که برای سیاست خودشان مفید و لازم بدانند، ولو به ضرر ملتی یا ملت‌هایی باشد، انجام می‌دهند... یعنی فشار يك عده قدرتمند، که اگر در صد مسأله با هم اختلاف دارند، در تقسیم دنیا به مناطق نفوذ و فشار آوردن بر اکثریت مردم عالم، یکی هستند و با هم اختلافی ندارند. اگر در تقسیم منابع غارت زده جهان سوم یا کشورهای فقیر، با هم درگیری دارند - که دارند - اما

۱۲۸ - بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹



در اصل غارت منابع و فشار روی دولت‌هایی که مقاومت کنند، با هم هیچ اختلافی ندارند.^{۱۲۹}

استکبار، یعنی روح تکبر و بی‌اعتنایی به ارزش‌های ملت‌ها

استکبار، یعنی روح تکبر و بی‌اعتنایی به ارزش‌های ملت‌های دیگر و دخالت در امور ملت‌ها و به خود حق دادن؛ همین چیزی که الان در کلمات رؤسای آمریکایی ملاحظه می‌کنید. راجع به دخالت خودشان در عراق یا هرجای دیگر طوری حرف می‌زنند، مثل این که این‌ها صاحبان دنیایند! واقعاً انسان کمتر دولتی را می‌تواند پیدا کند که با لحنی حرف بزند که این‌ها راجع به کشورهای خاورمیانه حرف می‌زنند! این کشورها را مال خودشان می‌دانند. استکبار یعنی این.^{۱۳۰}

هدف استکبار، سلطه بر همه‌ی عالم

امروز همه می‌دانند که فکر استکبار چیست. همه فکر آمریکا را - که رأس استکبار است - خوانده‌اند. فکر این‌ها، سلطه بر همه‌ی عالم است؛ بخصوص این منطقه‌ی حساسی که ما در آن زندگی می‌کنیم؛ یعنی منطقه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس و این نقطه‌ی اساسی اقتصادی و نظامی.^{۱۳۱}

لزوم بیداری بیش از پیش جوانان در مقابل استکبار

امروز یکی از کارهای اساسی استکبار این است که نسل جوان را در کشورهای اسلامی - و هر کشور اسلامی که بیدارتر است، بیشتر - از صحنه بیرون کند. کدام کشور اسلامی از همه بیدارتر، از همه زنده‌تر، و از همه بی‌محباتر در مقابل استکبار ایستاده است؟ جز ایران اسلامی؟ پس، جوانان ایران اسلامی بدانند که استکبار برای بیرون راندن آن‌ها از صحنه‌ی این مبارزه‌ی که در آن، فتح و پیروزی حتماً نصیب ملت‌هاست و لاغیر، مشغول پول خرج کردن و طراحی انواع نقشه‌هاست.^{۱۳۲}

۱۲۹ - بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، به مناسبت روز ۱۳ آبان، ۱۳۷۱/۸/۱۳

۱۳۰ - بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان، ۱۳۸۱/۸/۱۳

۱۳۱ - بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت ۱۳ آبان ماه، ۱۳۷۰/۸/۱۵

۱۳۲ - سخنرانی در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت ۱۳ آبان ماه، ۱۳۷۰/۸/۱۵



سلطه گر و سلطه پذیر هر دو مقصرند

انقلاب اسلامی، با نظام سلطه مخالف است. نظام سلطه، یعنی این که دولت‌ها و قدرت‌هایی زور بگویند و ملت‌ها و گروه‌ها و کشورها و دولت‌هایی، آن زور را قبول کنند. طرفین، طرفین نظام سلطه‌اند و ما نظام سلطه را رد کردیم و رد می‌کنیم و با آن به مبارزه بر می‌خیزیم. ما در نظام سلطه، طرفین را مقصر می‌دانیم؛ هم سلطه‌گر و هم سلطه‌پذیر را. استکبار، به معنای همین نظام سلطه است.^{۱۳۳}

پلورالیزم فرهنگی یکی دیگر از مکاید استکبار برای تسلط بر ملت‌ها

مسئله‌ای که برای نظام به اصطلاح لیبرال دمکراسی - که نه لیبرال است، نه دمکراسی؛ یعنی نظام استکبار و استثمار جهانی - و کمپانی‌های صهیونیستی و همپیمانان و همراهانشان مطرح است، هیچ چیز نیست جز این که بتوانند از مراکز قدرت خودشان، کاملاً انحصارطلبانه و تمامت‌خواهانه، کنترل همه مراکز اساسی منافع جهانی را در اختیار داشته باشند...

در زمینه مسائل مربوط به خودشان، در زمینه فرهنگ غربی، در زمینه فرهنگ‌هایی که زمینه‌ساز استعمار بوده، اجازه کوچک‌ترین خدشه و مناقشه‌ای در سطح بین‌المللی به هیچ کس نمی‌دهند؛ اما از شما می‌خواهند که در فرهنگ و باورها و عواطف و اصول خودتان معتقد به تکثر و چندقرائتی باشید؛ اجازه بدهید در ایمان و فکر و فرهنگ و پایه‌های مستحکم اصولی شما هر کس طبق برداشت خودش حرف بزند و اظهارنظر کند؛ اما نسبت به خودشان چنین چیزی را اجازه نمی‌دهند! هیچ کس در سطح دنیا اجازه ندارد نسبت به منافع آمریکا نگاه چند قرائتی داشته باشد...

یعنی برای خودشان پایه‌های اصولی فرهنگی و فکری را تعریف می‌کنند؛ به هیچ کس هم در دنیا اجازه نمی‌دهند که در این پایه‌ها مناقشه و خدشه‌ای کند و حرف مخالفی بزند؛ اما پایه‌های فکری شما و اصول و مبانی و ارزش‌ها و دلبستگی‌های مستحکم و اثبات‌شده فکری اسلامی را مورد مناقشه قرار می‌دهند و اگر بگویید چرا، اعتراض می‌کنند: چند قرائتی است؛ این يك قرائت است، آن هم يك قرائت است؛ لذا به

۱۳۳ - بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰



تخت فرعونى امپراتورى زر و زورش که نشسته تا صرفاً تماشا کند و بی تفاوت بماند و مشاهده کند که در میان ملت‌ها، فکرها و اندیشه‌هایی رشد می‌کند که پایه‌ی این اندیشه‌ها، واژگون کردن تخت استکباری است.

معلوم است که بی تفاوت نمی‌ماند. معلوم است که با دستگاه‌های اطلاعاتی و ایدئولوگ‌های مخصوص خود، کاملاً تشخیص می‌دهد که کجا و کدام فکر و کدام ملت و کدام شخص، برای او تهدید محسوب می‌شود و سعی می‌کند با تمام قوا، این تهدید را از خودش رفع کند و در این خصوص، حتی شخصیت‌ها را ترور کند و قبل از آن که نهضت ملت‌ها به ثمر برسد، آن‌ها را زیر فشارهای وحشیانه قرار دهد.

آیا فکر می‌کنید آن‌جایی که استکبار احساس خطر می‌کند، نسبت به انقلابی که علی‌رغم میل او، رشد کرده و پیروز شده و دولت و ملتی تشکیل داده و شعاری در دنیا مطرح کرده و همه‌ی ارکانش تهدیدی نسبت به عرش قدرت استکبار است، آرام و نجیب و بی تفاوت خواهد بود و در گوشه‌ی بی‌خوابی خواهد نشست؟!

استکبار، با همه‌ی وجود به مقابله با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی کمر بست. اگر انقلاب اسلامی - به فرض محال - متعرض امریکا هم نمی‌شد، آن قدر فشار و حيله و خدعه از طرف استکبار و امریکا، علیه این انقلاب و نظام انجام می‌گرفت، تا یا منحرفش کنند و یا بکلی نابودش نمایند. این، روش امریکا و استکبار در مقابل انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی با جوهر و طبیعت و ماهیت اسلامی خود، چنین خصومت و دشمنی‌یی را از طرف استکبار اقتضا دارد.

مفهوم استکبار، مقابله‌ی با او را اقتضا می‌کند

نکته‌ی دومی که جوان‌ها باید به آن توجه کنند، این است که ما چرا با فلان دولت یا فلان رژیم مخالفیم؟ آیا این درست است که کسی تصور کند موضعگیری ما در مقابل قدرت‌های استکباری عالم، يك موضعگیری موسمی یا مصلحتی یا تاکتیکی است، یا نه؟! البته که این تصور غلطی است. معنا و مفهوم استکبار، يك مفهوم قرآنی است و چیزی نیست که بی‌خود و بی‌دلیل، در فرهنگ انقلاب ما به‌وجود آمده باشد. مفهوم استکبار، مقابله با استکبار را از سوی مسلمین و مؤمنین و نظام و انقلاب اسلامی

پلورالیزم فرهنگی معتقد می‌شوند! اگر بگویید چرا، شما را به دگم بودن و تحجرگرایی متهم می‌کنند که چرا شما با پلورالیزم فرهنگی مخالفید؛ در حالی که خودشان در زمینه تعریف منافع و مفاهیمی که این منافع بر آن مبتنی است، به‌هیچ‌وجه معتقد به پلورالیزم نیستند و آن را قبول نمی‌کنند! این‌هاست که بایستی جوان مسلمان و جوان دانشجوی، از سر آگاهی نسبت به این اهداف و مطامع فکر کنند، تصمیم بگیرد، حرف بزند و اقدام کند. عده‌ای به عنوان حرف نو، همان حرف‌ها را به فارسی برمی‌گردانند و درباره‌اش حرف می‌زنند و مقاله می‌نویسند و همه ارزش‌های يك انقلاب و پایه‌های مستحکم فکری يك ملت را مورد خدشه و مناقشه قرار می‌دهند. در حالی که این‌ها حرف نو نیست؛ این‌ها حرف‌های شناخته شده است؛ منشأ این حرف‌ها و انگیزه گویندگان‌شان هم معلوم است. کسانی که این فکر و فرهنگ را تولید کرده‌اند، برای همین مقصود بوده است که بر ملت‌ها و کشورها و فرهنگ‌های دیگران مسلط شوند. آیا این درست است که ما بیاییم حرف آن‌ها را ترجمه و تکرار کنیم؟! ۱۳۴

دشمنی و مقابل ما با آمریکا همیشگی است

اول این است که از اوایل پیروزی انقلاب، برای جمعی که از صحنه‌های اصلی انقلاب جدا بودند و روح حقیقی انقلاب را درک نکرده بودند، عادت شده است که تکرار کنند و بگویند و بنویسند که اگر ما از اول انقلاب با امریکا مواجهه نمی‌کردیم، در طول این چند سال، این همه خطر و زحمت از طرف امریکا برای انقلاب و ملت ما پیش نمی‌آمد!! ممکن است پشت سر این گویندگان، دست‌های تبلیغاتی‌های خود آمریکایی‌ها و غربی‌ها قرار داشته باشند، من به این قسمت و به این بُعد قضیه کاری ندارم. اصلاً خود حرف، حرفی غلط و ساده‌لوحانه است - البته اگر مغرضانه نباشد.

مسأله این نیست که ملت ایران آیا حق داشت به امریکا تعرض بکند یا نه؟ و اگر حق داشت یا حق نداشت، آیا مقتضای عقل و حکمت این بود که به امریکا تعرض بکند یا نه؟ اصلاً قضیه این نیست؛ بلکه مسأله این است که انقلابی با جوهر فکری اسلام، ممکن نیست از تعرض امریکا و امثال آن، خود را بر کنار بداند. استکبار جهانی، بر



اقتضا می‌کند؛ آن هم نه به صورت مصلحتی و موسمی و تاکتیکی؛ بلکه به صورت همیشگی این مقابله وجود دارد. ذات انقلاب این است و تا انقلاب هست، چنین چیزی هم خواهد بود.

اصلاً مفهوم استکبار در قرآن همین است که عنصری یا شخصی یا جمعی یا جناحی، خود را بالاتر از حق به حساب آورد و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را ملاک حق قرار بدهد! اولین مستکبر در تاریخی که قرآن برای ما ترسیم می‌کند، ابلیس است: «ابی‌واستکبر». او، اولین مستکبر است.

ممکن نیست فرض کنیم که یک مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی یک روز یا یک لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان. در طول دعوت انبیا، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قال المأذون استکبروا من قومه لئخرجنک یا شعیب». وقتی پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم!

این لحن زورگویانه، در مقابل داعی به حق است. این، معنا و تصویری روشن از استکبار است که در دنیای امروز، همان نظام سلطه می‌باشد و در محیط سیاسی دنیا، همان روح ابرقدرتی و هرآن چیزی است که به سمت ابرقدرتی کشش داشته باشد و تمایل پیدا بکند.^{۱۳۵}

مبارزه همیشگی با آمریکا، جزو اعتقاد ما است

در ایران، هرکسی که به انقلاب اسلامی و به اسلام و به پایه‌های اسلامی این انقلاب اعتقاد دارد، لاجرم به مبارزه همیشگی با پرچمداران قدرت استکباری دنیا – که امروز در رأس آن‌ها امریکاست – نیز اعتقاد دارد.^{۱۳۶}

مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست

یک نکته‌ی دیگری که سؤال کردند [این بود که]، تکلیف مبارزه‌ی با استکبار پس

۱۳۵ – بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰
۱۳۶ – همان



از مذاکرات چیست؟ خوب، مگر مبارزه‌ی با استکبار، تعطیل‌پذیر است؟ مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این هم جزو همین حرفه‌هایی است که اتفاقاً امروز من یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمیشود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است. ما به این مسئولین محترمی که در قضیه‌ی هسته‌ای مذاکره میکنند – که حالا اینها اجازه پیدا کرده‌اند که مسئولین روبه‌رو با هم حرف بزنند؛ البته سابقه داشت، در این سطح نه، در سطوح پایین‌تر سابقه داشت؛ در این سطح، اولین بار بود – گفته‌ایم که فقط در مسئله‌ی هسته‌ای شما حق دارید مذاکره کنید؛ در هیچ مسئله‌ی دیگری حق ندارید مذاکره کنید، و نمیکنند. آن طرف مقابل، گاهی مسائل منطقه و سوریه و یمن و مانند اینها را پیش میکشد، اینها میگویند ما در این زمینه‌ها با شما صحبتی نداریم و صحبت نمیکنند. مذاکره فقط در زمینه‌ی مسئله‌ی هسته‌ای است، آن هم به همان دلایلی که من گفتم و چندبار تکرار کردم که چرا در قضیه‌ی هسته‌ای ما این گرایش را، این رویکرد را انتخاب کردیم؛ من این را مفصل تشریح کردم. مبارزه‌ی با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار.^{۱۳۷}

مبارزه با استکبار جزو ذات این انقلاب است

مبارزه با استکبار – که امروز هم مظهر استکبار، دولت و رژیم امریکاست – جزو ذات این انقلاب و جزو کارها و خواسته‌های اصلی و اساسی این ملت است. اگر این ملت مبارزه با استکبار را رها کند، معنایش این است که به دخالت بیگانه، به ذلت‌پذیری و به وضعیت بسیار تهدید آمیز قبل از انقلاب تن دهد! همه‌ی آحاد ملت، این احساس و این درک را از مسأله مبارزه با استکبار دارند.^{۱۳۸}

۱۳۷ – بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰

۱۳۸ – بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۷۸/۸/۱۲



مرعوب شدن و عقب نشینی در برابر استکبار بزرگ‌ترین بلایی است که بر سر ملت‌های شرق آمده است

بزرگ‌ترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو‌یست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های مشرق و بخصوص ملت‌های اسلامی آمد، همین بود که در مقابل تبلیغات غرب مرعوب شدند و عقب‌نشینی کردند. این تهاجم خونین و بسیار سهمگین را که سردمداران استکبار غربی از طریق فرهنگ به آن‌ها کردند، نتوانستند تحمل کنند و مجبور شدند عقب‌نشینی کنند و دست‌هایشان را بالا ببرند. در همه‌ی زمینه‌های زندگی، غربی‌ها و اروپایی‌ها فکری را پرتاب کردند که هرکس با آن مخالفت کرد، شروع کردند به هوجبگری و مسخره و اهانت کردن؛ فشار آوردند تا فرهنگ خودشان را حاکم کنند. این فرهنگ تنها امتیازی که داشت این بود که فرهنگ اروپایی بود؛ هیچ امتیاز دیگری نداشت.^{۱۳۹}

خودآگاهی عمده در دسر اردوگاه استکبار

امروز عمده در دسرهایی که اردوگاه استکبار و مشخصاً آمریکا و صهیونیسم دچارش هستند – که این در دسرهای خیلی زیاد هم هست – به‌خاطر این است که مسلمانان به خودآگاهی‌ای رسیده‌اند که در این خودآگاهی، امام بزرگوار و ملت ایران و انقلاب و نظام ما نقش فراوانی داشته‌اند. عمده در دسر آن‌ها از این ناحیه است؛ لذا می‌خواهند این را بکوبند.^{۱۴۰}



فصل چهارم

بایدها و نبایدها

۱۳۹ – بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶

۱۴۰ – بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷



چند توصیه

در پایان فقط چند توصیه به دانشجویان عزیز بکنم: در محیط دانشگاه، محیط دانشجویی، نقد منصفانه و متقابلاً نقدپذیری متواضعانه هر دو لازم است. جوان، آن هم دانشجو، در محیط علمی باید ذهنش و زبانش باز باشد؛ نقد کند؛ البته منصفانه باشد. نقد را با عیبجویی و با عصبانیت و با بهانه‌گیری نباید اشتباه کرد؛ اما نقادی باید کرد. در عین حال نقدپذیر هم باید بود. دیگران هم اگر از ما به عنوان دانشجو، به عنوان تشکل دانشجویی نقد کردند، بپذیریم؛ یعنی تحمل کنیم؛ بپذیریم به معنای تحمل کردن است.

یک توصیه‌ی دیگر: در محیط دانشگاه، تحمل و مدارای سیاسی لازم است. تشکل‌های دانشجویی نسبت به هم مدارای سیاسی داشته باشند؛ تحمل سیاسی داشته باشند. درگیر کردن مجموعه‌های دانشجویی با هم، نقشه‌ی خطرناکی است که کشیده شده است؛ این نقشه را کشیده‌اند. باید مراقب باشید. می‌خواهند تشکل‌های دانشجویی را به جان هم بیندازند. ما همین اواخر شاهد بودیم که در چندتا دانشگاه داشتند این کار را می‌کردند. البته دانشجویان عاقل و با شعور و بلوغ سیاسی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما نقشه این است. راه مواجهه‌اش هم همین است که مجموعه‌های دانشجویی، افراد دانشجویی و تشکل‌های دانشجویی، حالت مدارا و تحمل داشته باشند.

یک توصیه‌ی دیگر، مسأله‌ی حفظ اصول و روحیه‌ی آرمانگرایی است. شما محافظه‌کار نشوید. ممکن است گذشت سن، بعضی‌ها را محافظه‌کار کند؛ اما موتور حرکت، جوانی است. جوان ما نباید محافظه‌کار شود. جوان باید آرمانگرا باشد. از آرمان‌ها کوتاه نیائید. آرمان‌ها را بخواهید، قله‌ها را بطلبید، تا یقین بکنیم که به نیمه راه لااقل خواهیم رسید. البته اگر قله را بطلبید، بنده یقین می‌کنم به خود قله هم خواهید رسید. روحیه‌ی آرمانگرایی را که از جمله‌ی مصادیق روحیه‌ی آرمانگرایی، تمسک به اصول و مبانی فکری است، از دست ندهید.

توصیه‌ی بعدی، مسأله‌ی خودسازی اعتقادی و علمی؛ و اعتقادی و عملی است، که بعضی از دانشجویان عزیز هم اینجا تذکر دادند. «علیکم انفسکم»؛ آن نگاه اسلام به



انسان در خطاب فردی را همیشه در نظر داشته باشید. خودتان را حفظ کنید؛ «علیکم انفسکم». جاده‌ای که انسان را به خدا و نورانیت می‌رساند، جاده‌ی ترک محرمات و بجا آوردن واجبات است. واجبات را اهمیت بدهید، گناهان را پرهیز کنید؛ تهذیب یعنی این. چون دل‌های شما جوان است، نورانی است، آلودگی بحمدالله در دل‌ها و روح‌های شما نیست، خدای متعال کمک خواهد کرد؛ تفضل خواهد کرد.

توصیه‌ی بعدی، مسأله‌ی درس خواندن و پرداختن علمی است. حقیقتاً درس بخوانید. حقیقتاً باید در محیط‌های دانشجویی، جستجوی دانش باشد. آدم می‌بیند در بعضی از محیط‌های دانشجویی، دانشجو به معنای واقعی دانش، جو نیست؛ یعنی در جست و جوی دانش نیست؛ یک چیز حفظی و سر هم بندی است؛ نگذارید این جوری شود. حقیقتاً جوینده‌ی دانش باشید و دانش را فقط خواندن متن و فراگرفتن متون ندانید. الان در جمع اساتید، قبل از اینجا، مطرح می‌کردم؛ دانشجو بایستی پرسشگر، متعمق، اشکال‌کننده‌ی به استاد، جستجوکننده‌ی از زوایا و گوشه‌کنارهای بحث علمی بار بیاید.

و در نهایت، این دختر عزیزمان گفتند ورزش. من به ورزش معتقدم. البته این‌ها یک مقداری مربوط به مدیریت‌هاست که امکانات را برای دانشجویان فراهم کنند، یک مقدار هم مربوط به خود دانشجویان است؛ همه را هم تقصیر مدیریت‌ها نباید انداخت. بالاخره این ارتفاعات اطراف مشهد - که بنده، تهران هم همیشه این اشکال را دارم به جوان‌ها - ارتفاعات به آن خوبی، جلوی چشم مردم است؛ نه بلیط ورودی دارد، نه مشکلی دارد؛ نمی‌روند؛ صبح خواب را ترجیح می‌دهند؛ تنبلی می‌کنند. ورزش مهم است و برای نشاط و سلامت و شادابی شما جوان‌ها خیلی مهم است. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند به شماها توفیق بدهد و آینده را با همت شما جوانهای عزیز ان‌شاءالله برای مردم خودمان و ملت‌های منطقه، آینده‌ی شیرین و روشنی قرار بدهد.^۱

دانشجوها صنفی، دانشگاهی و رشته‌ای به مسائل نگاه نکنند؛ واقعاً نگاه کنند به آنچه

۱ - بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵



که نیاز کشور است.^۲

نیازهای بسیج دانشجویی

بسیج دانشجویی نیازهائی دارد؛ نیازهای اصلی و عنصری و اساسی:

نیاز اولش به فکر و تحلیل و روشن بینی است.

فکر، تفکر، اندیشه‌پردازی - یا به قول شماها کارِ تئوریک - در زمینه‌ی مسائل اسلام، در زمینه‌ی مسائل انقلاب، در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی و در زمینه‌ی مسائل جاری؛ به طوری که دانشجوی بسیجی، در هر جمع دانشجویی، ذهن روشن‌تر، زبان گویاتر و ابتکار بیشتری داشته باشد.

همان طوری که گفتم و اشاره کردم، حقایق را از ورای جناح‌بندی‌های سیاسی نگاه کنید و ببینید؛ از بالا نگاه کنید و جبهه را ببینید. در یک جبهه‌ی گسترده‌ای که ممکن است طول آن صد کیلومتر باشد، واحدهای گوناگونی هستند؛ یک نفر در یک واحد، فقط خودش را می‌بیند. اما آن کسی که با هلی‌کوپتر از بالا عبور می‌کند، آرایش جنگی مجموعه‌ی این واحدها را می‌بیند. از بالا اوضاع کشور را نگاه کنید؛ آن وقت جای خودتان را درست پیدا می‌کنید که کجا باید باشید، چه کار باید بکنید، به چه چیز باید حساسیت نشان بدهید، به چه چیز باید حساسیت نشان ندهید. همان طور که گفتم گاهی یک حرف حق را نباید زد؛ چون گفتن این حرف، پازل دشمن را تکمیل می‌کند. مواظب باشید در هیچ مرحله‌ای، شما تکمیل‌کننده‌ی پازل دشمن نباشید.

یک نیاز دیگر عبارت است از جهاد علمی. جهاد علمی برای شما لازم است. باید در میدان‌های علم وارد بشوید؛ وزارتخانه‌ها هم باید کمک کنند؛ معاونت‌های تحقیقاتی هم باید کمک کنند؛ معاونت‌های اداری مالی دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها هم باید کمک مالی کنند؛ خود سازمان مقاومت بسیج هم در بخش‌هایی باید کمک و پشتیبانی کند. یکی دیگر از نیازهای عمده‌ی شما مسأله‌ی اخلاق و معنویت است.

شماها جوانهای خوبی هستید؛ این را بدون تعارف می‌گویم؛ انصافاً جوانهای بسیجی ما، جوانهای خوبی هستند. اما خوبی مراتبی دارد. هیچ وقت در خوب بودن و خوب

۲- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴



شدن حد نشناسید؛ مرتب در حال بالاتر رفتن باشید. سعی‌تان این باشد که گناه نکنید. فرائض را با شوق و رغبت انجام بدهید. از یاد خدا غفلت نکنید. با قرآن انس پیدا کنید. در محیط‌های گوناگون که با همدیگر هستید، سعی کنید به دینداری و معنویت یکدیگر کمک کنید. اگر رفیقی در جایی پایی کج می‌گذارد، او را برادرانه و مشفقانه باز بدارید.

عزیزان من! از لحاظ اخلاق خودسازی کنید. انسان با تمرین، همه‌ی کارها را، همه‌ی خلیقات و خوی‌ها را می‌تواند به خودش بدهد؛ بخصوص در فصل جوانی که شما هستید.

دانشگاه نباید تاخت‌وتاز سیاست‌بازان حرفه‌ای شود

باید مراقبت کرد که محیط دانشجویی، میدانی برای تاخت‌وتاز سیاست‌بازان حرفه‌ای نشود. این که آقایی از آن طرف بلند شود، برای خاطر یک غرض سیاسی و یک هدف ناسالم، به دانشگاه برود و وضعیت آن‌جا را به هم بریزد و ذهن عده‌یی از دانشجویان را مشوش کند، اصلاً قابل قبول نیست. البته خود دانشجویان بایستی این‌طور افراد را شناسایی کنند؛ آن‌ها را طرد کنند و از محیط خودشان بیرون نمایند. محیط دانشجویی، بایستی دانشجویی و پاک بماند.

آگاهی سیاسی داشتن و بینش سیاسی پیدا کردن، یک مسأله است؛ اما در معرض سیاست‌بازی سیاست‌بازان قرار گرفتن، مسأله‌ی دیگری است.^۳

دانشگاه توسط مدیرانش اداره شود

دانشجویان یقیناً خواسته‌هایی دارند که برای منتقل کردن این خواسته‌ها به مدیران، بایستی آن‌ها را مطرح کنند؛ در این زمینه مشورت نمایند و خودشان تصمیم بگیرند؛ اما این که دانشگاه به‌وسیله‌ی دانشجو اداره شود، نه، من هیچ اعتقادی ندارم. تا الان هم من چنین ایده‌ای را به صورت منطقی نشنیده‌ام که کسی مطرح کند که دانشجو بیاید دانشگاه را اداره کند؛ نه. دانشجو میهمان دانشگاه است؛ اصلاً مدیر دانشگاه نیست.

۳- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰



نگذارید بر تشکل‌های انقلابی و تشکل‌های اسلامی سخت بگیرند

یک [تعداد] مطلب دیگری که گفته شد، سخت‌گیری بر تشکل‌های انقلابی است؛ که این را چند نفر از این جوانهای عزیز اینجا مطرح کردند، به من هم گزارش شده. من همین‌جا به مسئولین محترمی که تشریف دارند - وزیرای محترم - (۲) می‌گویم که به‌هیچ‌وجه نگذارید افرادی که کلیدهای کار دستشان است، بر تشکل‌های انقلابی و تشکل‌های اسلامی سخت‌گیری کنند. مطلقاً اجازه‌ی این کار داده نشود و فضا را تنگ نکنند؛ بگذارند تشکل‌های اسلامی و تشکل‌های انقلابی [کار کنند]. خب، همین حرفهایی که اینجا زده شد، اینها حرفهای ما است؛ اینها همان حرفهایی است که ما باید بزنیم؛ همان کارهایی است که ما باید بکنیم؛ این جوانها [هم] دارند این حرفها را می‌زنند که حالا من نقش بسیار مؤثر گفتن و بازگفتن و بازگفتن این حرفها از سوی دانشجویها را خواهم گفت؛ بگذارید این حرفها را بزنند؛ بگذارید بیایند کار کنند؛ اجازه بدهید تشکل‌های دانشجویی، تشکل‌های انقلابی و اسلامی - بخصوص روی تشکل‌های انقلابی من تکیه دارم - دست‌وبالشان باز باشد، امکانات داشته باشند، محدودشان نکنند.^۶

استاد ایده آل

استاد چون می‌تواند محیط دانشجویی را تحت‌تأثیر قرار دهد، بایدهایی دارد؛ این بایدها را حتماً باید رعایت کنید؛ منتها در حد مقدور؛ لاقلاً به نبود مطلقاً اش راضی نشوید، یا به‌هیچ‌وجه به ضدش راضی نشوید. استاد باید سرشار از عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی باشد؛ استاد ایده‌آل این است. استاد واقعاً باید احساس غرور ملی و غیرت دینی بکند و سرشار از روحیه‌ی خدمت باشد؛ یعنی حقیقتاً بخواهد کار کند و این جوانها را مثل بچه‌های خودش پرورش دهد. حالت بی‌تفاوتی، بی‌اعتنایی، از سر وا کردن و کلاس را به هرچه هرچه گذراندن، مطلقاً در یک استاد قابل قبول نیست.

۶ - بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴/۴/۲۰

دانشگاه يك مدير لازم دارد؛ تشکیلاتی لازم دارد؛ طراحانی لازم دارد که بلاشک باید مصالح دانشجوی را در نظر بگیرند؛ چون اساساً فلسفه‌ی وجود دانشگاه، دانشجویست. اگر دانشجویی نداشتیم، دانشگاهی نمی‌خواستیم؛ چیز دیگری درست می‌کردیم. پس مصالح او، سرنوشت او، نیاز او، نیاز کشور به او، همه باید رعایت شود؛ اما این که دانشجوی بیاید دانشگاه را اداره کند، نه. من نه چنین چیزی را به‌عنوان يك ایده‌ی منطقی و علمی و مطرح شنیده‌ام و نه هم اصلاً این کار منطقی است.

يك حرف دیگری وجود دارد و آن این که اساتید در اداره‌ی دانشگاه نقش داشته باشند. این باز يك خرده منطقی‌تر است؛ لیکن این هم به نظر من به شکل مطلق و کلی درست نیست. دانشگاه باید به وسیله‌ی مدیران خودش اداره شود و آن مدیران باید سیاست‌های دستگاهی را که وابسته به آن هستند، حتماً اجرا کنند، تا مسؤولیت مشخص شود و مسؤولیت‌ها لوٹ نگردد. الان اگر دانشگاه ما وضع بدی داشته باشد، مسؤولش رئیس دانشگاه است. رئیس دانشگاه اگر این کار بدش معلول بدرفتاری یا ضعف خود او نباشد، بلکه معلول برنامه‌ای باشد که وزارت به او داده، وزیر مسؤول است. وقتی وزیر مسؤول شد، می‌شود از وزیر سؤال کرد. اما اگر نه، گروهی آن‌جا باشند که این‌ها تحت فرمان وزیر نیستند و اصلاً از مقررات وزیر، برنامه‌ی وزیر و وزارت و دولت هیچ دستوری نمی‌گیرند و هیچ تعهدی در مقابل آن ندارند، طبعاً نمی‌شود انسان از کسی سؤال بکند. مجرمی، مسیئتی، محسنی وجود نخواهد داشت.^۴

دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش آفرینی متحجران سیاسی

هر چیزی که مزاحم علم و آگاهی باشد، جایش در دانشگاه نیست. دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش آفرینی متحجران سیاسی. دانشگاه ضربه اساسی را از همین دخالت‌ها و نقش آفرینی متحجران سیاسی در محیط‌های دانشجویی می‌خورد.^۵

۴ - بیانات در جلسه مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۷۷/۱۲/۴

۵ - بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷



جوانید؛ به آن اهمیت بدهید، با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید. مناجات، نماز، نماز با حال و با توجه، برای شما خیلی لازم است. مبدا این‌ها را به حاشیه برانید.^۸

دانشجو باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید

ما می‌خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را مطالبه نماید. نمی‌خواهیم کارِ نمایشی کنیم و نیازی هم به کارِ نمایشی نداریم؛ اما به این‌که جوان ما - بخصوص مجموعه دانشجویی که در سطح کشور بسیار گسترده و وسیع است - این احساس را در خودش تقویت کند که در آینده کشور نقش و مسؤولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.^۹

نباید در دانشگاه‌ها موسیقی ترویج شود

الان در دانشگاه‌های کشور موسیقی ترویج می‌شود؛ نباید بشود. ترویج موسیقی، کاری است بر خلاف مذاق اسلام.^{۱۰}

دانشگاه جای کنسرت نیست

یک مسئله، مسئله کنسرت‌ها در دانشگاه بود که دانشجوی عزیز مطرح کردند که دانشگاه جای کنسرت نیست. راست است؛ این را من هم یادداشت کرده‌ام و جزو یادداشت‌های من، همین مطلب هست. اینکه ما بیاییم دانشجویها را به خیال خودمان برای نشاط بخشیدن به محیط دانشجویی، به اردوی مختلط ببریم یا کنسرت موسیقی در دانشگاه تشکیل بدهیم، جزو غلط‌ترین کارها است. برای تحرک دانشجویی و تلاش دانشجویی و نشاط دانشجویی، راه‌های دیگری وجود دارد؛ آنها را به گناه نباید کشاند، آنها را به سمت شکستن پرده‌های تقوا - که خوشبختانه جوان متدین امروزی بر حفظ آن اصرار دارد - نباید کشاند؛ آنها را به سمت بهشت باید برد، نه به سمت

۸- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۲/۲۲۷۷

۹- بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیأت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵

۱۰- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶

استاد باید مدافع خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشد. البته ما باید آیین‌نامه‌های تحصیلی را اصلاح کنیم. مرتب باید آیین‌نامه‌های آموزشی و آیین‌نامه‌های نانوشته - چون خیلی از این آیین‌نامه‌ها نانوشته است - مورد ارزیابی قرار بگیرد؛ نه این‌که هر روز عوض شود، اما دائماً مورد ارزیابی باشد و در مقاطع گوناگون عوض شود. این، جزو کارهای بسیار مهم است که البته در این زمینه، هم شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند نقش ایفا کند، هم وزارت علوم نقش دارد.

استاد باید از جریان‌ات جهان آگاه باشد. استاد ما در محیط کلاس، به‌خاطر اثرگذاری‌اش باید این چیزها را بداند.

استاد باید سیاست‌زده نباشد؛ نه این‌که سیاست نفهمد. فقره‌ی قبلی که عرض کردیم، لازمه‌اش دانستن سیاست است؛ اما سیاست دانستن و سیاسی بودن، غیر از سیاست‌زده بودن و سیاسی کار بودن است. سیاسی کاری بد است. باید بفهمند چه کار دارند می‌کنند؛ اما این‌که مرتب همه‌ی کارهایشان بر محور یک انگیزه‌ی سیاسی باشد، بسیار بد است؛ بخصوص وقتی که انگیزه‌های سیاسی جنبه‌های جناحی و شخصی و حزبی پیدا می‌کند، که این دیگر بد اندر بد می‌شود!

استاد باید برای دانشجو وقت بگذارد.^۷

عمده‌ترین وظیفه جوانان حزب‌اللهی و انقلابی

به نظر من، جوانان انقلابی دانشگاه - چون بحث دانشجو را داریم.

سعی کنند خوب درس بخوانند؛ خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است.

یک جوان گاهی اوقات می‌تواند مجموعه پیرامونی خودش را - کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را - زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی کاری به‌دست نمی‌آید؛ با معنویت به‌دست می‌آید، با صفا به‌دست می‌آید، با استحکام رابطه با خدا به‌دست می‌آید. عزیزان من! رابطه با خدا را جدی بگیرید. شما

۷- بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷



دوزخ. بله، این کارها در دانشگاه‌ها اصلاً وجهی ندارد. بنده البته نشانه‌های این قضیه و مشکل را خیلی سال قبل - که از سوی یک تشکل دانشجویی آن وقت، یک حرکتی در دانشگاه انجام گرفته بود- دیدم و هشدار هم دادم لکن متأسفانه دنبال نشد و چوبش را هم خوردیم؛ چند سال چوبش را خوردیم؛ امروز نایست اجازه این کارها داده بشود؛ اینها خلاف آزادی خواهی نیست، انجام این کارها نشانه‌ی میل به آزادی و آزادی خواهی نیست. اینها همان چیزهایی است که دشمنان جامعه‌ی ایرانی و جامعه‌ی مسلمان و تمدن اسلامی و دشمنان خصوص دانشجوی ایرانی، دنبال میکنند برای اینکه نگذارند از بین اینها شهریارها درست بشوند، از بین اینها دکتر چمران‌ها درست بشوند؛ آنها با طهارت زندگی کردند، با تقوا زندگی کردند. فقط هم مسئله‌ی هسته‌ای نیست، این رشته‌هایی که شما میشنوید و در آمارهای ما میگویند ما در دنیا جزو هشت کشوریم، جزو نه کشوریم، جزو ده کشوریم که این پیشرفت را به دست آوردیم، اغلب پیشروان این کارها جوانهای متدینند، جوانهای انقلابی‌اند؛ هم در قضیه‌ی هسته‌ای این جور است، هم در نانو این جور است، هم در خیلی از رشته‌های دیگر تحقیقی که امروز [وجود دارد]. اینها همه دست بچه‌های مؤمن، بچه‌های متدین، بچه‌های انقلابی است؛ اینها هستند که این کارهای بزرگ را انجام دادند. ما بچه‌ها را از گرایش انقلابی و گرایش اسلامی و دینی و میل به معنویت دور کنیم با این کارهای غلط؟ این غلطترین کارها است؛ البته هر دو وزیر محترم مورد اعتماد من هستند منتها مراقب زیردست‌هایشان باشند؛ کاملاً مراقب کسانی که کلید کارهای این جوری دست آنها است، باشند؛ بدانند چه کار دارد انجام میگیرد.^{۱۱}



**دانشجویان وانگیزه های نامبارك دشمنان**

یقیناً کسان زیادی هستند که انگیزه‌های نامبارکی در آنها وجود دارد چه دشمنان صریح این ملت، چه کسانی که در دشمنی خیلی صراحت ندارند، اما دشمن‌اند و مایل‌اند دانشجویان را به بی‌عملی و انفعال بيفتد؛ مثل پرکاهی در مسیر جریان‌ات زندگی؛ هر جایی او را می‌برند، ببرند.

کار دیگری که ممکن است بکنند، این است که اگر در دانشجویان انگیزه ای برای کار و تلاش و اقدام وجود دارد، از آن برای مبارزه با نیروی اصلی مقاومت اسلامی که امروز سایه‌اش نه فقط بر ایران، بلکه بر کل دنیای اسلام گسترده است استفاده کنند؛ یعنی از نیروی جوان و فهمیده و آگاه دانشجویان، درست در عکس جهتی که عقل و دین و فهم موقعیت سیاسی اقتضا می‌کند، استفاده کنند.

اگر دشمنان نتوانستند دانشجویان را در جهت خود خواسته به راه بیندازند، یقیناً کار و تلاش و تبلیغی می‌کنند تا شاید بتوانند دانشجویان را به انفعال و بی‌عملی بیندازند. شما در مقابل هر دو انگیزه باید مقاومت و ایستادگی کنید.^۱

جوان ایرانی؛ پرانگیزه و پرشور

جوان ایرانی خوشبختانه جوان پرانگیزه و پرشوری است؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که بعضی از مراکز مغرض آماری و غالباً با منشأ خارجی یا اساساً خارجی اعلام میکنند. آنها میگویند جوان ایرانی افسرده است؛ یک طبقه‌بندی هم میکنند و میگویند جوان ایرانی در فلان درجه‌ی از افسردگی - یک درجه‌ی خیلی بالایی - قرار دارد. این یک دروغ محض و خباثت‌آمیزی است که دارد امروز انجام میگیرد و بهانه‌ی یک سلسله کارهای خلاف دیگر است؛ جوان ایرانی افسرده است، پس بایستی برایش محیط نشاط درست کنیم؛ چه جوری؟ با کنسرت موسیقی، با جلسات و اردوهای مختلط جنسی، و آزادی‌هایی از این قبیل.^۲

۱- بیانات در دیدار اعضای جامعه‌ی اسلامی دانشجویان، ۱۳۸۱/۶/۱۶

۲- بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۹۴/۴/۲۰

**بدترین آسیب و اشکال محتمل برای محیط دانشجویی**

بدترین اشکال و اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجویان دچار محافظه‌کاری شود و حرفش را با ملاحظه‌ی موقع و مصلحت خیالی بیان کند؛ نه، دانشجویان باید حرفش را صریح بزنند. البته در کنار این صراحت در بیان، صداقت در نیت هم باید وجود داشته باشد و در کنار او، سرعت در پذیرش خطا؛ اگر ثابت شد که خطاست. فرق شمای جوان و دانشجوی صادق و پاکیزه‌دل، با يك آدم سیاسی کار باید در همین باشد؛ حرفتان را صریح بزنید؛ آنچه را که می‌زنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ راحت. این، به نظر من یکی از بهترین شاخصه‌های دانشجویی است.^۳

عقب ماندگی‌های کشور، نتیجه‌ی

عقب ماندگی‌های کشور، نتیجه‌ی بی‌اعتقاد کردن قشر تحصیل کرده به فرهنگ و دانش خودی است.^۴

يك ویژگی مثبت و يك ویژگی منفی محیط دانشجویی

فرض بفرمایید در يك جامعه، غفلت همه‌ی اعضای جامعه را گرفته است..... در يك چنین فضایی که غفلت، مهم‌ترین بلیه‌ی مردم آن کشور است، ناگهان يك حرکت، يك فریاد، یا يك جهت‌گیری دانشجویی، به کلی فضا را عوض می‌کند..... حال آن محیط دانشجویی که این خصوصیت مثبت و مهم را دارد، یکی دو تا خصوصیت منفی هم را دارد که باید به آنها هم کاملاً توجه داشته باشید.

یکی این است که چون محیط دانشجویی، محیط احساسات است - جوان احساساتی است - همیشه يك عده رند ناقلا‌ی کمین گرفته، مایل‌اند که اگر بتوانند، برای کارهای مختلف، از این مجموعه‌ی حساس آماده به تحرك استفاده ای بکنند.

حساس و قابل اشتعال و زود پذیر بودن و نرم و لطیف بودن روح و دل جوان، مثل يك شمشیر دو لب است. هم تفکرات صحیح می‌توانند این فرصت را مورد بهره

۳- بیانات در دیدار با دانشجویان با، ۱۳۸۷/۷/۷

۴- بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۲



برداری قرار بدهند؛ وارد دانشگاه بشوند و آن را به یک بهشت برین تبدیل کنند؛ هم تفکرات و روش‌های غلط می‌توانند وارد دانشگاه بشوند. این یک نقطه ضعف است. یعنی نقطه ای است که باید در معاشرت و در برخورد دانشجویی به آن توجه داشت.

دانشجو، جوان و آزاد فکر است. به طور طبیعی حساس و احساساتی است. ممکن است تحت تأثیر هر حرف پر هیجان، یا حرف خوش ظاهری قرار گیرد. باید به این توجه داشته باشید. این یک نقطه ضعف است. البته عمده هم همین است، نمی‌خواهم نقاط ضعف را ردیف بکنم. فعلاً در محیط دانشجویی، این یک نقطه قابل توجه است.^۵

مشکلات مسئله ساز دانشجویان

مشکل اول، مشکل دچار شدن به ابتذال و بی‌تفاوتی و نفوذپذیری در مقابل فرهنگ‌های بیگانه و مضر است

یکی از مشکلات دیگر – که نزدیک به مشکل قبلی است – آسیب‌پذیری در مقابل لغزش‌ها و انحرافات فکری است.

مشکل سوم، همین مشکل مدرک‌گرایی و توجه وافر به زندگی مادی و اضعاث و احلام جوانی است.

مشکل دیگر، مشکل آلت دست جریان‌های سیاسی شدن و سیاسی‌کاری در دانشگاه است.

مشکل دیگر، مشکل ابهام در جریان‌ها و عملکردهاست.

و بالاخره، آن مشکلی که به نظر بعضی‌ها، شاید مهم‌ترین مشکل است، مشکل بی‌هویتی و عدم درک رسالت واقعی در قبال جامعه، در قبال خودش و در قبال تاریخ و آینده است.^۶

۵ – بیانات در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵

۶ – بیانات در دیدار اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌های کشور و مسئولان دفاتر نمایندگی، ۱۳۶۹/۷/۸



آفات دانشجویی

یکی از آفات حرکت دانشجویی این است که – همان‌طور که گفتم – عناصر و مجموعه‌های ناباب به آن طمع بورزند و بخواهند از آن سوءاستفاده کنند.

این‌ها وقتی ببینند که میدانی هست و بالاخره دانشجو و نسل جوان در کشور حرف می‌زند و تعیین کننده است، بنا می‌کنند اول سینه‌خیز، بعد یواش‌یواش نیم خیز، بعد هم یواش‌یواش باگردن افراشته می‌آیند که بله، ما هم هستیم! اگر مجموعه‌های سیاسی قدرت طلب بدتیت بددل بدسابقه، طرف حرکت دانشجویی آمدند و خودشان را به آن چسبانند و بر آن دست گذاشتند، این می‌شود آفت.

یکی دیگر از آفات جنبش دانشجویی – همان‌طور که گفتم – دور شدن از آرمانهاست. عزیزان من! ببینید؛ سال‌ها قبل از انقلاب، یک واقعه جنایت‌آمیز در روز شانزده آذر اتفاق افتاد. از اول انقلاب، می‌شد کاری کنند که شانزده آذر اصلاً فراموش شود؛ چون آنقدر ما حوادث داشتیم! اما نه، مسئولان کشور و علاقه‌مندان به مسائل کشور، مایل‌اند خاطره این روز زنده بماند. چرا؟ چون آن روز به‌خاطر سخن حقی، اتفاقی در دانشگاه افتاد که بعدها جبهه دژخیمان به‌خاطر همان هدفی که جوانان داشتند – و هدف والایی هم بود – با آن‌ها مقابله کردند و به کشته شدن سه نفر انجامید. مسأله آن روز چه بود؟ ضدیت با آمریکا. چه زمانی؟ آن زمان که سیاست آمریکا و دولت آمریکا و رژیم آمریکا و عناصر اطلاعاتی و نظامی آمریکا، در تمام شؤون این کشور حاکم بودند. در این کشور، چه آشکار و چه پنهان، همه چیز در دست آمریکایی‌ها بود. امروز که شما می‌بینید آمریکایی‌ها از این که ایران اسلامی به طرفشان نمی‌رود، زنجیر می‌چونند، به یاد آن روز است؛ چون این جا جایی بود که این‌ها می‌ایستادند و از این جا به همه منطقه – کشورهای عربی و ترکیه و ... – فخر و آقایی می‌فروختند و اعمال نفوذ می‌کردند؛ چون این جا را مال خودشان می‌دانستند! کشورهای معروف بزرگی هستند که از این که ملتی این جا وجود دارد که با همه قدرت در مقابل افزون‌طلبی آمریکایی‌ها به صراحت حرف می‌زند، احساس هیجان می‌کنند و خوشحال‌اند! در چنین شرایطی، حالا یک عده بیابند به‌عنوان دانشجو، نقطه مقابل حرکت شانزده آذر



خطاست. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسان‌های فرزانه و هوشمند است، این است.

یکی دیگر از آفات، به دام احزاب و گروه‌ها افتادن است؛ که این را قبلاً هم گفتم. مواظب باشید، اختاپوس خطرناک احزاب و گروه‌های مختلف به سراغتان نیاید و شما را به دام نیندازد. از آن مجموعه آزاداندیش، اغلب خصوصیات مثبت را خواهند گرفت؛ که اگر این شد، آن وقت انسان در خدمت دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد و چیز خطرناکی می‌شود و زندگی و سرمایه و آینده انسان حقیقتاً به باد می‌رود و انسان دچار حسرت می‌گردد.^۷

یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است

جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌یی را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌یی را دل‌سرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید این‌گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.^۸

بزرگ‌ترین آسیب و اشکال محتمل برای محیط دانشجویی

بدترین اشکال و اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجو دچار محافظه‌کاری شود و حرفش را با ملاحظه‌ی موقع و مصلحت خیالی بیان کند؛ نه، دانشجو باید حرفش را صریح بزند. البته در کنار این صراحت در بیان، صداقت در نیت هم باید وجود داشته باشد و در کنار او، سرعت در پذیرش خطا؛ اگر ثابت شد که خطاست. فرق شمای جوان و دانشجو و صادق و پاکیزه‌دل، با يك آدم سیاسی کار باید در همین باشد؛ حرفتان را صریح بزنید؛ آنچه را که می‌زنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ راحت. این، به نظر من یکی از بهترین

۷- بیانات در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۹/۱

۸- بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت ۱۳ آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰

را علم کنند؛ یعنی گرایش به امریکا تحت عناوین بسیار پوچ و سست و غیرمنطقی و غیرمستدل. این پشت کردن به جنبش دانشجویی است؛ این اصلاً جنبش دانشجویی نیست؛ این به کلی يك چیز دیگر است؛ عکس آن است.

یا مثلاً وقتی که مسأله عدالت اجتماعی در کشور مطرح می‌شود، دانشجو باید از این مسأله حمایت کند. عدالت اجتماعی، آن چیزی است که حتی کسانی که اصرار داشتند شعار عدالت اجتماعی را به دلایل سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون کم‌رنگ کنند، بالاخره نتوانستند؛ مجبور شدند عدالت اجتماعی را مطرح کنند. در دنیا، غیر از مستکبران و زورگویان و چپاولگران عالم، هیچ انسانی نیست که به عدالت اجتماعی و شعار آن پشت کند. این شعار در کشور مطرح می‌شود؛ چه کسی باید از این شعار حمایت کند؟ چه کسی باید بیشتر از همه درباره آن بیندیشد؟ چه کسی باید برای آن کار کند و درباره راه‌های تأمین آن، تحقیق و بحث کند و میزگرد بگذارد، غیر دانشجویان؟ باید توجه داشت که این حرکت دانشجویی و بیداری دانشجویی، مطلقاً به سمت عکس جهت‌ها نرود. پس، یکی از آفات این جنبش، پشت کردن به آرمان‌ها، فراموش کردن آرمان‌ها و از یاد بردن آرمان‌هاست.

یکی دیگر از آفات مهم جنبش دانشجویی، سطحی شدن است. عزیزان من! از سطحی‌اندیشی به شدت پرهیز کنید. خصوصیت دانشجو، تعمق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید. چرا در اسلام هست که: «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»؛ يك ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سال‌ها بیشتر است؛ به‌خاطر این که اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا می‌کند؛ تلاش سازندگیتان هم معنا پیدا می‌کند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا می‌کند؛ دوستان را می‌شناسید، دشمنان را هم می‌شناسید.... باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درست‌ی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکنند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر می‌شود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هرگونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمی‌شود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصب‌ها و ندانستن‌ها و جهالت‌های خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، يك نفر آدم خیرخواه می‌تواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار



شاخصه‌های دانشجویی است.^۹

و العاقبة للمتقين

